

۷۸۶
|| هوعلر ||
۱۲۱

هذا کتاب مستطاب

فتح الغرایب

در اسرار علوم غریبه

در بیان طالع‌نامه زنان و مردان

در بیان طالع‌نامه بیماران

در بیان اسرار هفتاد و دو دیو

در بیان طالع‌نامه کواکب و ستارگان

در بیان باطل‌السحر و احضار ارواح و جن

هفت پریان و موکلین و تسخیرات

تألیف:

شیخ امام معین‌الدین ابو عبدالله محمد

معروف به مبارکشاه بلخی

کازین

حکمی

مور

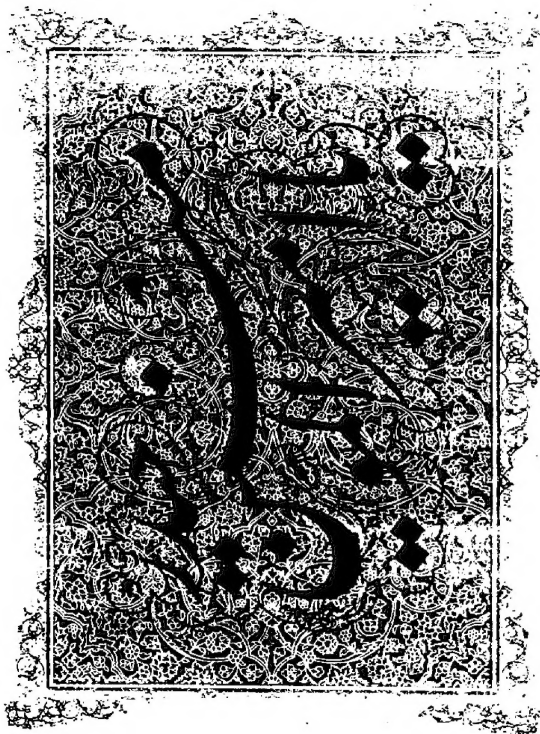
احکام

صفحه

پیش

و

صفحه



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وآله
اجمعين اما بعد ايها كتاب عالمي است از قول امامي حقيقي صاف
عليه السلام که طالع نام مرد وزن و بهر قدر در دلو حساب
و دیگر از کل دعامای خیر و شر اگر خورسته باشی که در آن
که طالع مرد وزن در که ام برج باشد باید که نام هر دورا
بجای صغیر حساب کنند یعنی نام او و پدر او را و اگر در
نامیه دوازده ده دوازده طالع کند آنچه باقی ماند بر
که ام برج باشد اما رسام مرد و حیات این است
۱ حجر ۲ ثور ۳ جوزا ۴ سرطان ۵ سنبله ۶ میزان
۷ عقرب ۸ قوس ۹ جدی ۱۰ دلو ۱۱ حوت ۱۲ حجاب

ک	ب	ن	و	ز	ح	ط	ج	ی	ف
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
گ	پ	م	ل	ر	س	ش	ص	ض	ظ
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
ق	ک	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش	ص
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
ف	ب	پ	م	ل	ر	س	ش	ص	ظ
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
ک	ب	ن	و	ز	ح	ط	ج	ی	ف
۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰

طالع حمد هر کس که بر طالع حمل باشد برسد و جبر است اگر
اول آید باشد سفید و در اندام و بنده بالا و دست کوب و سیریم
روپنه اگر بوی دویم آید باشد حب طالع او مرغ نیست نه و بگو
و شیرین زبان باشد میل بر روی دند و اگر بوی سیم آید باشد نظر
کند کم کون و پیوسته ابرو و میان بالا باشد و خانه ماس کشود باشد
که که ماس باریدت آورد و اما فاخته هر چند که عمر او زاده باشد
ماس بار تر شود اما زویشان کم عزت بود هر چند کنونی کند

بریند ازین و خانه برادران خور باشد ضعیفند و تا در سر طالع
 باشد و پیش ایشان عزیزند و زود و کمال راحت یابد و خانه درین
 او در سود باشد نه اولاد و در طالع دارد پس از روز و ششصد سال
 از اولاد و شش با خط باشد و خانه بیماری او سبب باشد در جهت کرم
 و خشم و خانه و شش با احوالت و شش در دست او باشد اما در طالع
 غریب مبارک کند باز بطن آید و دائم عاشق میشوند سه زن یا
 در طالع دارد و طالع را قوس شد با و ساز باشد و در حیوانات
 سگها و مرغها و در امانت و در نشان دادن در دست او مبارک باشد
 ماه نو نظر بر شش کند روز خوشند او را بگویند و کاری بکنند
 نه ثواب یک حج و ده باشد و قرآن او در دست کف و شش که و شش که
 و هدیه یکی باشد چرخ کند عمر شش سال برسد و الله اعلم
 طالع نور عظیم و در طالع نورند مگر نماید که باشد و در
 باشد اگر بوی اول الله زهره است بکورد و کساده دندان
 با او شش چشم باشد و اگر بوی هم آمده کشیده رود و دست

پنی و سفت پست بود و اگر بوجه سیم تولد یافته باشد
 میگوید است سرخ رنگ و میل به نری زند و چاشنه و دیگر باشد
 و این سنا ما خاکی است و صاحب این طالع در خردین پیش
 تراکت کردن متعین و هر سال به دست آورد و خانه ^{باز}
 جدا باشد مدافعی که و خرج زیاد و درود خانه برادر و دختر سر طالع
 باشد منفعت کم پسند اما در پیش مادر و پدر غریب بود و خانه
 فرزندش سنید باشد فرزند پسار باشد دخترش در پیش
 بیشتر و خانه زنانش ثور بود چهار زن و طالع وی باشد
 و در خواهد که طالع قوس باشد تا با و ساکار باشد و ساری می
 دل باشد اما مرد حسد او و فراخ مر باشد و خانه سفرش حد کما
 سفر او بصوب مغرب و سازند و صاحب این طالع هر چه مردم جو
 کند به پسند و کم عزت پیش قوم خوش خود باشد و گزاند به سار
 اعاقر امیرش که باشد بر درخت غرور که رخت با و رسد ^{از صواب}
 سب او را مار کجا باشد و از فضلهها بهار او را نکند و حرام بود

اور کشت زدن و زدن زمار و رشتب و هجده اور او شنبه هر کاري که
 در بين روزها بکند نیکو بود و صاحب این طالع باید بی طومار نباشد که
 قضای بادرسد باید که زین در حسرت نخواهد بخت میزد و چون
 نویسد نظر بر کیهان برگرد و در پیش مرکب کند و و هر دو صاحب
 فرزند کرد و الا او در حق زاید چون دشت پوشد باید سر مدینه بنشیند
 آنکس تر فرود کند تا با و سار کار باشد و صاحب این طالع زیارتی در
 طالع دارد و فرغانه او بهشت ساکنی و هفت سکه و شش سکه بهشت چون
 جن ازین فرغانه بکند و عمر او به کمال رسد و الله اعلم طالع جودا
 چون که طالع جودا از نو در نماید او را نیز سه وجه باشد و وجه اول عطار
 کند و کمال بالا رسد ماه چشم بود و اگر وجه دوم آمد باشد و در کسب
 رکن و چشم بزرگ و زرد میباید و وجه سوم اقباسیت فراخ سیند کو باه
 خندان رو بخشنه باشد و در هر قدر کار او بالا کرد و خانه مان
 سرطانی باشد و بسیاری جمع کند اما در وقت کرد و خانه شمشیر دلو
 بود و سفر سوی مغرب او را سادگان باشد و خانه شمشیر او نور باشد

کن با او دمی کشند اما سکن میزد و خانه برادرش رسیده باشد و خانه
 و خانه مادر بر سرش طوطی باشد و خانه فرزندش بر سرش طوطی باشد
 سبب نظریه باید علاج کند و بیماری و در سودا باشد با دایم است
 خون کم کند که بیماری بهم رساند اما بدان که هر که در طالع حج را
 باشد نذر و زیارت چاک این است که پیغمبر است و مردی باشد
 رحم دل همه در چاک لمر نه بدی رسد از دنیا نرود پیغمبر را که در
 و مردی است که شاد دل اول زن بیوه نصیب او کرد و از سر زن
 او و سر او بود در خطا بخار و در دها رجب و لذت و زما حجه او را بخار
 بود حیوانهای نرینه او را سگوتر باشد از معالجه کردن و درخت
 مشغول است و درخت سفید او را لعل است فراوان او در نه
 و در لذت و در چهل و رسا باشد چون کند و عمر او به چهار رسد
 سال که نرغ صد و پاد به نادران خدا باشد و الله اعلم طالع
 سلطان بران مردی که بطالع هر طالع است او را اثر و وجهه اگر
 به سامت قمر زائید باشد که در و رسد پیوسته و در آنجا چشم او

رود اگر بوی زهره آمده باشد خیر و سگوستم و شیرین زبان باشد
 و اگر بوی عطارد هست زیر کدوانا و خوشنما باشد از طالع حق
 متغیر است قدرش بر بار و بد و مبارک باشد بی در حاجت
 او باشد و آن نشان دولت او بود مرد در صوم خندان و بد کند
 باشد و آن ده باشد اگر فرست بزرگ کند غنم و کامکار باشد
 اما زود خشم کرد و زو صبح کند هر چند که سن او بالا کند ماس نشان
 شود یا دیگر اکت یا کس کند که فرزند و بر درخت خود که او را ام
 بود از زرا و در و افرایزید پسند و در و بیم لقا رکند و خانه سفر
 سفر جانب مغرب او را سازگار باشد و زن و طالع و لید و لید
 همه او را سگوست و باقی روز را کوشن باشد هر ماه نو میند نظر بر است
 تا مبارک باشد و بهاس سفید باید بوسید و نمک و شیر خود را کوشی
 اما ~~...~~ باید دعای نادعلی را همراه کند تا کار او بگذرد
 و نکلان او در روز شنبه و سه شنبه و یک باشد هر از این سال که در
 عمر او چنانچه و پسند و اندامش طالع طالع مرد و کمال

طالع اسد باشد اورا سه و جبر است و چه اول که آفتاب است
 بر زنگ و منگو چهره و قوی میسر باشد و اگر بوجه دوم تولد باشد
 میخ است بزرگ اندام و کلاه کردن و سنگین خواب باشد و اگر بجهت
 امه باشد تر مسکنه و خوش آواز باشد مرد درست گو و سخاوت
 باشد و نشانی در جانب است او باشد آن نشان در است او باشد
 مال بجای در دست آورد اما با سالی از دست بیرون کند و خانه بی
 و مادر او غمناک باشد در نزد مادر و پدر عزیز بود باید از مردی
 چهره خد کند که مبادا در حق او بدی کند و زربان و ضیاع او را بچهره
 باید که بی اعتواید و طهارت باشد خانه شعرش مسرف باشد مال بسیار
 آورد و خانه نان او بود او باشد زن در طالع او بود از زن اول
 مراد میسر و خانه فرزندانش فوس باشد بهتر اولادش زن باشد و اگر
 او را آب است و خانه دشمنانش بر طالع او باشد و هم لیا در زود اما اگر
 کرد باید دعای زبان میزد با خود داشته باشد ناز زبان ضرر باید امانت
 این طالع از دل در دو چشم درو مال باشد یک حاجت نصیب می باشد

درخت نخواهد ریخت و سر بسند و جامه شود و اورا نیکو باشد بکین
فرزده کند و فرزند وی در اسک و ۱۹ اسک و به ساله بود جز این
فرزند کند و عمرش به نو سال رسد و اسم طالع سنه
هر روز که طالع بسند برسد و بهرست اول عطار و در وقت
کند که کعبه بسند با یک سیاه چشم و کلاه کردن اگر چه هر متولد شده باشد
می بیند مرغ رود و سفید اندام بپوشاند و چشم همیشه در رسید
باشد مرد در دست زن دوست و همیشه نسائی و دعوای زن است
و خوبی او باشد و بختد باشد طالع کا بهر دست و کاه را بد
باشد بسیار در پیش و نیک و در و نیک و دوست دارد و خانه زن
عقرب باشد زن در طالع دارد زن او فرمان بر دارد و باشد خانه
فرزندش جز دست فرزند او بسیار بود اما بیشتر و ضربه از افرین
خود شخصی دشمن او باشد اما ظفر باید از او ضربه نماید از مرغ که در
تپش را در خواست بسند و از ما بهما مال مال اورا نیکو بود و لذت
روز چهارشنبه اورا نیکو بود و در او یکشنبه از او ضربه میدهد و بهار

و پاری سخی در خط کشید و فزان او در سکه و سیزده سکه
 و هجده سکه و شش سکه بود و چون از اینها گذرد و بر سر
 او نهادند طالع میزان برج اسد بودی و خانه زهره
 چو کعبه مروی که بطالع میرفت و زهره زوله سده باشد و در هر
 اگر بوجه اول است سیاه چرده و دانا و زریک و خردمند باشد
 اگر بوجه دوم آمده باشد نوسبده و خوشنود باشد سیم مثل
 چشم و مورزو بود و سفر کردن را دوست دارد و
 که در لاسبار است و الله اما باید سفر نماند و هر که بکشد
 اگر با کسی تریک شود ضرر رسد و میل کند که مروی باشد و غصبا
 از کتف حریفان بهره یابد و خانه ران او غرق است و زریک
 کم سفر است و فزان در طالع وی بود و زن هم او را چاک کند
 و خانه مرده او میزان باشد آخر عمر خرد و دایسه اوله با و کرا
 زبانه ها که سفند و زده پندار و زریک و زبانه ها که سفند
 باشد چنانچه نوسبند نظر بر سینه خود کند فزان او در سکه

و چهارده و چهل و یک سالگی باشد جز از این که در عمر او تصدیه
 آن که در طالع محرم بر او است و در او مردی باشد منبلاست
 و خوش و خوش اگر بعد دویم باشد کرد و خوش سخن و مسانه با
 و خانه محرم و پدر او و لو باشد پیش نکر و پدر عمر بر خانه و در
 شهر بود اما پیشتر او لا و خوش و خانه زن او و غریب
 اگر زن او دل پر در زن و کوی و کوی و در خواب هر چه در
 سجد و در چشم رحم او را هم بود باید که با حق و طواریست مرد
 القول و به کینه باشد و در ظاهر و در باطن و در ظاهر و در باطن
 بگو باشد همیشه زنده که بود خوش کرد و سوس است و در
 خانه و در میان او و در باطن باشد اما از زنی بدی باشد و در باطن
 باید که از خود کند همیشه با او بود و بگویند که این که در حق
 از حیوانات زنده او و در باطن باشد و در باطن او و در باطن
 ۱۲۰ ساله و سی و شش ساله که باشد جز از این که در عمر او تصدیه
 هشت سال رسد و الله اعلم طالع قوس مرد و در طالع

قوس باشد برسد و جهت نکود و شیرین زبان باشد
 انساب سفید است بگو صورت دراز بالا و جسم موزن
 و دانا و نوسیده و خوش طبع باشد و کارها بسیار کند هر چه
 در دهم را در راه خدا صرف نماید و یک حج روزی او کرد و یاد این
 دنیا کاری کند که ثواب حج در دست باشد هر که در دست کوه
 ارزانی کار او بالا کرد و خانه زن او عمر باشد و در هر در
 در دو خانه پدر و مادر او میزان باشد و بر آن عمر بود و خانه
 بیماری او نور بود چون بیمار شود بسیار طول کشد و مرگ او در
 رزخون کرمان یافتن باشد و از حیوانات هفتاد و یک و از خوب و از
 سال سال بیک که با حسن میل گویند از ماهها ربیع الاول و قدر روزها
 او را خوب بود و در آن او در دست و دست هرگاه باشد محمد و عمر و
 نصیب است برسد است طالع حدی مروی که
 باشد و در راه که او را بگوید و در هر اول باشد طالع بالا
 و بسیار چیده و سبزه باشد اگر بگوید و در هر اول باشد طالع بالا

کون کرد و کوتاه بالا سخن کو باشد اگر بیم آید به پیش
 سنور و دراز شد کما که موی زو باشد و خانه بهر دست
 که کند اما برکت نماید و خانه برادر لدا و نور باشد میان نور
 او جدا شد و خانه ما و در او جورا باشد لدا و نور
 خانه زناش سنبله است چهار زن بر طالع وی باشد از زمان
 خوشی نیست بکین میراث بسیار باورد و خانه هر یک
 بیشتر اولادش بزمیست خانه پارسا و سنبله است با اولاد
 که مرد و خانه هر یک میراث مرکب او از اولاد است
 سفرش هر یک سفر کردن او را یک بود روز مار و سنبله
 بگوید در پیش بزرگان که در و در دست است که کرد و ما
 او حاصل بود در عرض ماه چهار و نیار باشد صدقه به ناکار و با
 کرد قران او در ده سال که ساکن است و صبر بود
 عمرش نوزدهم که زو به نوزده سال برسد و طالع دلو
 مردی که طالع دلو بود بر سر و دست و پا و سنبله و نیا

بزرگ اندام دپار ساپا و دویم آده بهشت موزر و
 چشم و شبانی و ابرو و است و جسم مرد زرک و دانا و خرمند
 بود اما صاحب این طالع از سبط بدو رسد باید که بی عتو و طهارت
 نازش و این به مال بسیار جمع کند همه را خود و پستان و دهانه
 فرزند او و بدی باشد از اولاد و ضعیف و خانه ماعد و پدر او و سر
 و دست و از رو پدر که این بود و خانه از نان او و گوشت زنده
 کفاح او و زن اول پارسا و سارکار و خانه فرزند او و گوشت
 باشد و دختر او از پسر تر شود و مرک او بیع باشد زنده خانه زنی
 بزرگ و خواه بی و در مسقت افند و نیم بد کند تا ملک است
 باید باین و شش ماوی باشد نازش و ایشان ایمن کرد و طار
 و دولت رسد چون عمر او مالاکم و کارش عمر او رسد و در سال
 سال قوی میل و از ماهها ماه قربان نذر و نا حجه او را نیکو باشد
 چنانچه تو خطه میزند نظر و بر سبزه مال کند و جامه و عیند گوشت
 میگوید بیشتر با قوت کند قرآن او و در هفت سال و پانزده سال و در هفت

و نوزده گنی چون از دنیا بگذرد بهشت است ^{الان}
 طالع صحت مردی که طالع صحت باشد بر سه وجه است ^{اول}
 سیزده و سیاه چرویده باشد و دویم سیزه و آب دوست و دلد و فلان
 باشد و جسم زبرکند و دانا و نوسینه و خوش ریش باشد و خانه فرزند
 قوس باشد و زانها خبر سینه و خانه منفرش سینه بود سفر او بهشت
 ساختار بود و سیل کند که کاری در پادشاهان بسیار کند از بزرگ
 صاحب دولت باشد و خانه و زمینانش قوس باشد و شمع چهار
 در ایشان باید جدا کرد و خانه پاره او میراث باشد چهار
 او در شهری و حقیقت باشد و در طایفه ناخوشی و سختی گشته
 و خانه زن او سر طایفه باشد چهار زن در طالع وی باشد
 از هر زن میراث باید و باز آن که کسب بسیار کند و بسیار است
 باشد زراعت کردن و در طایفه زن در دست او خوش
 باید به عقیده و طایفه باشد تا از هر یک با آن غنیمت و لذت و بهشت
 نوزده زانها چو در دیشینه او را مکنو طایفه و کسب و سود و بهشت
 ساعد کار

ما نیز اورا سارکار باشد چون جامه نو بپوشد قرمز بود
 و کفایت داشت عشق کند فراق وی در هر جا و هر کجا و هر کجا
 و پنجاه ساله که بخت چرخ از بند کمر او ببرد سال رسد

طالع نامه زنان

طالع حمد هر آن زنی که طالع حمد بر سر او باشد و هر کس
 کند که کون باریک میان و خوش عیش باشد عجب باشد که در هر
 اول صاحب شود و بسیار اندیشه مند باشد و اگر نرسد هر اول عید
 به خانه و کوفه رسید و بر سر او حاکم باشد و بعد دوم
 حاکم میزد و بار یک قدر که چشم میانه باشد و جسم
 سبز شک و بانگ باشد اما زن وفاداری بود هر صاحب حکم کرد
 خدا بخواند رفعا پد طالع فرزندانش بسیار باشد اما کم نماید اگر
 نباشد که و باید علاج کند تا اولاد او نذر زحمت این بچه و از جامه
 و روز و سحر او را خوب باشد و نذر روزگار و زشتی او را بسیار
 و چیزهای شیرین و کس را حور و در وطن بفرستد و روز شنبه

باید که بطالع حسد باشد تا با او سازگار باشد و زنی که گناه باشد
 مرغ مورد زور و مودت از پیش او و و همن او معصوب شود باشد
 بیا باشد که شوهر زن با او دوست بود اما برل و تنگ است
 باید صاحب بطلع از روز حدز کند که میباید و در حق او بدی کند
 ایش زحمت بوی رسد و در روز چهارشنبه حدز کند که در ورش
 بود چون نزد کسی بجایست رخصت کرد و بدست چای فرزند کرد و مادر او
 شود و باید دعای زبان میباید خواند و رفته باشد مادر شراب
 اینم کرد و آنگاه طالع نور هر آن زنی که ^{بطلع} طالع نور دارد
 بر آید زن سکور و خوش خلقی باشد اما نای خود را به کسی نرساند
 و هر چه دلخواه خود در دست نماند و در پیش بوند و خوش سخن باشد
 زنی میان ببال که باریک دراز و مو باشد و در زنی کور است
 و با شوهر بد کرد کند که هر تنگ است و گاهی بی مهر است و در آن
 فرزند هست و پس کند که فرزند چار و کم جانند و کمره
 روز ماروز آونند و لذت ماه صاحب او را بکنند بود و در تقویم

شوهر کند بهتر باشد و در هر خانه که او باشد آنجا نه بدست
 و داریم نذر و سو و شفیع و در چشم نالان بهر صفا گفته اند
 که اگر خواهد این باشد این دعا را نوشته با جو و در و این

بسم الله الرحمن الرحيم يا حنان يا منان
 يا ديان يا بوهان يا سبحان يا سلطان يا

هو لا اله الا هو ۱ ۸۱ ۹ ۱۱۱ ۹ ۱۱۹ ۲۱ ۱۲۱

ع ۱۱۱ ع ۸ ۱۱۲ صلح ۱۱۱ حج ۱۱۱ حج ۱۱۱

طالع جورا ۲۲ ۵ طالع جورا هر آن زنی که

طالع جورا باشد بر سه وجه است مصادول سفید و یک

اما آنکه بر زرد زرد و یک و خوشتر مکن باشد و هر یک

در سکه سکه و سیاه چشم بود و به سیم بند قات سیاه

یا بره یا بر بن یا بر سبب شش طلا یا بر و آن

نشانه ملک بگی او باشد اما شوهر است باشد و نذر فرزند

مند بود و میل کند که ده فرزند در طالع وی باشد هر

بمقدور

با مردم خوبی کند بپندارند باید که بی باطل اسیر نباشد و در
 اورا شهرهای باید کرد و طالع او با وی باشد تا با او سازگار
 کند چاری او لذت و صفا شود باید همیشه خون کم کند و از
 سر و شقیقه همیشه زخم کند و دلیل کند که در کفاح در
 می باشد از روزگار روز بهار شنید او را خوب بود و از روزگار
 و شنید حذر کند که او را از روز چنم ماه بوسید نظیر وی
 تا با طالع کند و از او در صفت ساکنی و سرده ساکن و نوزده ساکن
 باشد چوله از اینها گذرد و عمر او همیشه در سه است و از
 طالع سلطان بهر آن نمیکند طالع سرخ را بدید که
 سلطان بیخ و ده است و طبع او کرده و حشمت برده است
 و به اول زهره و سه سرخ و سفید نرم که احسن باشد و در
 کند که سیاه چشم بگوید و شتر کلین یا از و صبریم آمده است
 کرد و در عهد صورت سگسته موفرخ سینه بود و هر چه
 و شنید باشد بزبان پاورد و ماورد و فرزند باشد و شنید

کند که زن چاکلی و مکیو کار بود و عاقبت جزو میند باشد
 و با مردم سازگار باشد عجب نیست که نزد شوهر اول حد کفکی
 و زنی شوهر دوست باشد اما خداوند این طالع با هر که
 نیکوئی کند بد بدارد خصوص دشمن وی زنی باشد که نیکو
 او بود بدی در باره او پس اگر کند که بدی که جزو و میل شود
 و در نظر شوهر معیشت باید بی عظمی و باطل و حرج و عقد
 سنا باشد تا از شر بد کو ابرم کرد و اما دلیل کند که کا کا گاه
 سببه کفکی و سبب دوطه باشد که در میان آب روین رفته است
 باور پذیر نادره و آن حساب کرده طفل نیز او را در حجر و منجم
 آنهم کفک او را بسته که اولاد او را حرج و ناید و میند
 مار و کس که این نیت از وطن هر شود باید علاج کند تا
 او باند و عای ام صلیا بامسک و در حضرت نوشته باشد
 چرخ ماه نو میند نظری زنی بالا میند کند نذر ها و کاه
 روز ماه و میند او را مکیو و در جامه مادرش و کاه

کسود کوشه زان او در مشیت و یا نه که و نوزده سال باشد چون
 نوزده سال گذرد به چهار ساله نشاء که طالع بد
 بهر آن زنی که در طالع بد از مادر تولد یافته باشد او را سه چیز
 وجه اول که حرف میخواند و زن و نام و زیر کتبی که در وقت
 از مادر تولد یافته باشد تن دو قوی و پیوسته اند و بودنی
 سینه دو بود اگر نباشد خالی سینه کینه نایاب و عیار کینه
 در جسم کرب چشم و زرد مو و دندان پیش او مصیبت بود
 اما زنی باشد رصم دل و مهر با و با خوشبختان آمد و شد کمتر
 که او را رسوا کنند و بعضی از خوشبختان بر او حسد بریزند و حرف
 بهیچم درباره او بسیار گویند باید که ناچار رضای تعالی باشد
 باشد با در شرف است ایام نوب و بهاری او زرد و ناف
 چهره و میل کند که باز ده فرزند باورد اما کم باشد لایسته باخ
 از ده زیاده نماند که در زیر ناف او آنکه در یک دست است
 و در گوش راست او آنکه در بوی میوه که او را در شکم
 دارد

در کسم ایضا در کسم هفت تا قص کند و اولاد و دود و دشت مری و
و مقصود از غر کردن و زدن و زدن و زدن و زدن و زدن و زدن و زدن
و اگر مانوسند نظیر به چو کند و از زجت با سرخ پوشد و زن
و مرد را و او را و کند از نظر شهر مقصد یک که خود و دوست
با یک کسم افطم و با یک کسم و عقد الدن باشد و دعا
و زبان می با چو در بسته باشد و در شهر ایسا امر شود و زن
او در چو یک که زن ساکی یک چو زن ایسا یک زن و عمر شصت
هست و هشت سال رسد و یک طالع سنبله هر ایسا یک
که طالع سنبله باشد و چو است اهل افتاب در
و یکو در و چو دل باشد و اگر چو در و چو در و چو در
و زهره است سفید و و میان بالا مفع زبانی و از دور
سفر دوست چو در یک که زن حوصله و خوش پیش
و اگر در چو آمده باشد طالع عمر است خوش و یکو در
و یکو در چو در یک که زن حوصله و چو در و چو در

بر شوهر مبارک بود و منک و هنر یابند و دینار دنیا کس
در پنج مالد و دزد خانه چور و مار روبرو به و بغیرند
مادر شیر و گاو خورده شد اما زنی سکنی کار بهد و کار
میگو گفت و دلیل کند که چهار ماهه او را در طبع نهاده
اولاد ما پیش تو در میاید و در زن اولاد باو غنیمت رسد
در زنج اولادش دامانی باشد اما خداوند این طالع را
همزه باشد روز چهارشنبه و شنبه در خطر باشد
هر کس که این نیت ندارد وظایف هر شهر باید علاج کند مبادا
بیاید این دعا را نوشته بخورد و الله قسم الله تعالی

لا غالب ولا نصیب ولا یقتل ان الا اله
ما لکون وتنزل من القرآن ما هو شفاء وجوه
للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا حسارا

۵۲ ۱۱۱۷۴ ۹۹۹ ۵۲ مم حج ط ۹

طالع میزان هر آن که رشیده طالع میزان کند

از مادر متولد شد و سی و سه سالگی که در کون بارگاه
 مدینه نالایق فراموشی و بی عقلی که در چشمش بود و در دهان
 کندی اما از مادر خود بی نصیب بود و مالش شهر را نماند و در
 و در میان کند که دروغ گفتن او را نماند و دروغ کور را بسیار
 کند و صاحب این طالع فرزندانش در طالع بیخ بود
 اما که گاه سببه کرد و فرزند او شود سببه و در اصل
 کند که فرزند آن او سببه و نظر بدست او در هیچ نباشد
 و بسیار از زوجه و لاغر باشد از جهت فقر و لاچارگی
 حکیم معجز نماید که صاحب این طالع در گریز در سببه فرزند
 حمام بایکد رانده و آن حضرت طفل برپا در سببه
 آنهم بخت ویرانسته و طالع او را از حقه که حاطه شود یا که
 حاطه شد فرزند او را در شکم مادر حاطه کند و کیسه
 ناله کند هر که این نشانه را در وطن هر شهر علاج کند و دعا
 امشب کند و با خود دلد و صاحب این طالع نشانه بر کردن

میبندد و ز ما بهد ماه و محاسب او را بارزد و ماه نوروز
 برین ماه لغایب میبندد و قرآن او در هر یک که و نوزده
 و پونزده سال که چو چرخ مگذرد عمر او هفتاد و هفت سال رسد
 بعون الله تعالی طالع عقرب بران رسد در طالع عمر
 در مکرر متولد شده باشد و در آن سه وجه باشد و وجه اول آمد و باشد
 در چنانست سرخ و سفید اندام و سفید و و سفید و و کریم
 باشد اگر بوجه دوم آمده باشد مشرب باشد کند کم کون سیاه
 چشم بزرگ زبان باشد و اگر بوجه سیم آمده باشد زهره چو
 در دزد و و سفید و و قاصد طبع و در است کوراد و است
 در شسته باشد و میل کند که ده فرزند باورد و در یک فرزند
 تا آنکه میبندد و زده فرزند عم باید رسد و بعضی که با نیز طالع
 میبندد که فرزند باورند علاج باید یکی تا فرزند او شود و طبع
 در کرم و شکست و دشمن بسیار دارد اما طغیانیا پسند
 همیشه باید این طعم ما پس با خود دارد و نازش و شکست

وید کو ان اسمع ہے اور نظر واجب

کھنکھ ورنہ سرخ رو و زرد

در باب اول و حاد و کسره و غیره

میدوراما اونسارکوید

بالحمد لله وعقد

نما خود دارد

10/10/10

وہوئے عفت

مجلس

۱۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

روند

درویش

~~Confidential~~

سنة

۱۱۱

و دیگرند

حوضا گانہ

کہ اس شخص پر

ہندوہرو

فمنه

منہ کی طرف

۱۰۰

دو میل کند که مال زیاد بدست او آید همه را بخورد
 دوست ده چرخ ماه نویسد نظریه در دست نابالغ
 نماید با و مبارک باشد و در روز و نماز روز نشیند
 او را سزگار باشد و فزان او در حاکم و نه
 ساکنی و سبب سه سنگ و سی چهار ساکنی بود و حدیث
 اینها کند و عمر او بنود سال رسد است و حدیث
 طالع قوس هر که در طالع قوس لدنادر متولد شده باشد
 او را سه وجه است اول در پنج رست سرخ و سفید
 و تمام بالا و ابرو پیوسته باشد اگر بوجه دوم باشد
 باشد عطار در دست سبز رنگ بود و بسیار در معجزه
 منند بود اما بسیار بزرگ قلب بود و ملک کند که غم پاک
 خون و ما خون او را غلبه کند و سختی در طاعت کشید
 در زیر که مثل جلد و اگر بوجه سوم آمده باشد آفتاب
 سخن نگویند و لدنادر است و علماء و فقهاء و مشایخ کما

او با لاکند و در دستش ریختی با و بسد و لیل کند که زهر
 چشم کند و در فم صبح کند و لیل کند که فرزند ماورد
 اما کم بلند و با سه علقه اما که کاه سینه کرد و بسد
 علاج با بیکه تا خوب شود اما حد او بد از طاع حلاوت
 بسیار بجه خصوص زنی و بر اجاد و کند که بگوید از نظر طهر
 معیشت خورد و شل شود باید که بی باطری حذر و اعظم
 نیاسد تا در شش او ابرم طهر و او را از زور و سر و شقیه حشر
 بجه و عمارت که میزدی باید بنویسد با خود و در و چون ماه
 نظر کردی خود کند و در روز چهار و یکشنبه او را بسیار خوب
 و فران او در شش سادگی و چهار ده سکه و نوزده سکه
 و هجده و چهار سکه بجه چون روز هفتا کند و عمرش بسیار
 بیست سال زندگانی و شفا طاع حیدری هر روز
 طاع حیدر از زهر نماید بر سه و بیست و هجده و اول کنور و سبزه
 چشم کند که کون و بار یک مینا باشد و اگر بویجه بکشد که باده

باشد سیرتک با ملائکه قدر یک باشد و اگر یک
 آمده سرخ رود و زرد مو و کرم صورت بود و یک
 که رفته چشم کند و زخم صبح کند و صاحب این طبع لذت
 حلال روزی سپید و حرام او را یک روز و اگر یک کرم
 و از خانه او باشد ده درم حلال روزی و درون
 امانت و دیانت در باشد اما در پیش مادر و پدر و عمو
 و پسر و بیگ کند که در نزد مادر و اعمام باشد و فرزندان
 سبب چشم زخم در رنج و تب باشد باید و عیال نظریه با وی باشد
 و عیال سر تا پا نوشته با خود در و نظریه در بار و عیال
 سبب نایم باشد و خداوند این طبع را زنی و همین باشد
 و در حق او بی کند و جا و نایه و دل سر در میان او و عیال
 اندد و باید که عقد افکند و رسم و عظم نوشته با خود
 و او را شوهری باید که مطیع خود باشد تا او را کار
 و دین کند که سه شوهر کند و شوهر آخری با او سازگار

اما خداوند اسطیع در نماز کا پاک کند باید دروغ گوشت
 و نسبت کند تا کار او با تمام رسد یا برگردن یا برآورد
 نشانی باشد و آن نشان سبکی کئی او بگوید و ماه اگر میزند
 نظر بوی بر سه یا باغ کند و قرآن او در سبک است و این
 و همیشه چاکلی و چهل و یک بگوید و همیشه بخود
 رسد یا در سبک طالع دلو هرگز نمیکند طالع دلو
 رزق ندارد باید سه وجه است اگر بوجه اول رزق ندارد
 سده باشد یعنی بالا و سفید اندام بپوشد و اگر بوجه دوم
 آمده باشد عطار دوست گندم کون و شیرین عطر باشد
 و در هر کاری باید صبر داشته باشد تا تمام او برسد اگر بوجه
 سوم آمده باشد میان بالا و چهارشنبه و پنجشنبه و روز او
 این طالع شیرین زبان و قرآن روزی باشد و بر دست او
 نشانی باشد و آن نشان سبکی کئی او باشد و در هر خانه که
 او باشد آغوشه یا برگشت بگوید و رزق او چون رخت باد

بد رسد در حیوانات کرمش او را مبارک باشد و او را
 شوهری باید که در طالع آبی باشد تا با او سازگار باشد
 و دلیل کند که دو شوهر در طالع دارد و با شوهر
 مبارکند و دوست باید که طالع او را در روز پنجشنبه
 و چهارم اول



با خود
 در روز و در
 درخت جوز و
 بقیه با و بزرگ و مر
 کرد و شوهر با او
 که شکی گناه قریب
 بر زبان با وی است

دشمن دوست جادو در باره او کند خوف سهوده
 ببار او بسیار گوید باید که صاحب این طالع ابرخ نباشد
 و دلیل کند که ده فرزند با و رود و او غ و سوله فرزند
 هم رز دولت امیر المومنین کم پسند و درک فرزند
 سکنی بسیار بوی رسد و ماه نوز از نظر بوی ران
 که کند تا آنکه بوی خوش باشد و در روز مردود
 و حیدر اورا سیک بود و قران او در سیک و هفت تا کمی و
 سانی بود چون میوز و عمرش نوبال رسد صد و ده
 و بعد با این باشد طالع حوت هر آن زن که
 طالع حوت از مادر متولد شده باشد بر برج آفتاب است
 و حیث اول مشتری است با کوزه و خوش و دلجو و اگر
 برجه دوم آمده باشد عطر و دست کند کم کون سفید ام
 پس و اگر برجه سوم از مادر متولد شده باشد مرغ نیست نبر
 خوش کن میان با لک باشد اما بد خویش و زود خشم کرد
 و حیدر

در زهد صیقل کند زنده باشد رحم دل هر چه در دلی داشته باشد
 بزبان بیاورد و او را حرام و دروغ نثار فرموده پس کند
 که از شوهر ارج لود و طبع وی برود و خشکت در روی
 گرم و نرم کوبد نافع است و زنی باشد میگوید اعتقاد و بخشند
 و مبارک رو اما دایم در غم باشد از علما و فضلا
 قطع نماید بوی رسد و روز و شب و بختی و او را میگوید
 و دلیل کند که از شوهر اول جدا شود و دو شوهر دیگر
 بکشد و مادر پانزده فرزند بود از فرزندان کم روزی می باشد
 و زن میان با لاله بر صاحب انقطاع بزبان و دوی
 اما میل و سمن وی باشد که کوی او را بسیار می کند
 چون ماه نو سپید نظر در آب بران کند تا بر و مبارک
 به در هر خانه که او باشد آفتاب پر روزی باشد و از وطن
 خود بجای دیگر برود و روز و سه رخت دارد و باد و غای
 نزل بزی با جود داشته باشد و کین انکسره عتیق و با

حمله شود جزا سلطان داسد دسلند
 منیران معصوب قوس حدی و لوشی
 بر تکیو گوید که هر که بطالع مهر باشد زحمت او در روز
 باشد و زحمت از دیو باورسیده باشد و نشان آن باشد
 که انگش با بریسر اندوینده و نام حذارتی برده اگر ظاهر
 از آن زحمت خلاص شود باید زهره کلاه مسیاه با این
 در زیر دامن او بکشد تا آنکه به بخت ابر است

۴۱۰ ۱۰۶۵ ۴۴۱ ۱۲۱ ۲۱۲ ۲۶۶ ۲۸۵ ۴۴۸ ۴۵۸ ۱

طالع شود بر پیرا گوید که هر که با بطالع باشد زحمت او
 در روز شنبه بعد از زحمت از دیو مسیاه کوتاهه سریع
 کافری باورسیده و اندویندگی و زحمت ابر است
 بر فرزندان و بچو کندشته اکتفم نذر و پست و ایم بناله
 باید که قدر وزن فران کندم بکشد و سینه در زیر کتف
 تا به بعد که بخت حق هر چه در جیب صندوق وین و رفتن

از آن سبب برش در دست کنید و چشمتان را بکشد و در آنجا
 تخم کجی که فرموده اند که در روی وی شیرت و خیار
 چمن و رازیانه و مویر سیاه باشد هم را با هم بگوید
 سه روز نشنا بگویند و پوست را با اینها در زیر دماغ
 او در گذارند ۱۱۱۰ من ۱۲۰۰ ۱۰۵۰ ۱۰۰۰ ۹۵۰ ۹۰۰ ۸۵۰ ۸۰۰ ۷۵۰ ۷۰۰ ۶۵۰ ۶۰۰ ۵۵۰ ۵۰۰ ۴۵۰ ۴۰۰ ۳۵۰ ۳۰۰ ۲۵۰ ۲۰۰ ۱۵۰ ۱۰۰ ۵۰ ۰

طالع اسد پرنیزه گوید که هر که طالع اسد باشد
 زحمت او در روز چهارشنبه باشد و در وی که سر هفت
 دیوان رست و جای او در مکان خاک روبرو و خاکستر
 چون کسی آمد که طالع خود را نام خدا میگوید بزرده باشد
 اندوختن با و رسانده و نشانه آن باشد که رست او
 رز و باشد اگر خواهد که زمین بدین خلاص شود باید تخم کجی
 شب تا صبح ضعیفانده که کوفته شده بگذرد و در آنجا
 روز قرآن در این طالع را با زاق و کوفته در روز دماغ
 ۱۱۱۰ من ۱۲۰۰ ۱۰۵۰ ۱۰۰۰ ۹۵۰ ۹۰۰ ۸۵۰ ۸۰۰ ۷۵۰ ۷۰۰ ۶۵۰ ۶۰۰ ۵۵۰ ۵۰۰ ۴۵۰ ۴۰۰ ۳۵۰ ۳۰۰ ۲۵۰ ۲۰۰ ۱۵۰ ۱۰۰ ۵۰ ۰

طالع سبیل بر نرید کوی که هر که طالع سبیل سبیل
 باشد و میل کند که زحمت او در روز بخشنه رسیده است
 و زحمت از دنیو بالاندیک که جای او در کورستان است
 و روشنایی کار خود را با و موقوفه و نشان او آن باشد
 که ست و فرزند کند اگر فله که در زمین ریخ خلاص شود با موی
 سر آدم سیاه کنی و خوب انار با احمد عا در زیر او کند
 ۲۲۲۲ ۵۰ ۱۰۴۰ ۱۱۹۹ ۵۰ ۵۰ ۵۰ ۵۰

طالع میزان هر آن کسی که طالع میزان باشد و میل
 که زحمت او در روز آینه میباشد و نکش بر سر آب روان
 رفته و با بر سر و بوی که داشته آنم زحمت بوی سارنده نشانه
 آن باشد که میس نقد نکشد و دایم تر از او سنگین باشد اگر
 در راه که خلاص شود باید قدری خاک از زحمت راه برود
 و قدری آب از حیمه که رو بقیه باشد و در راه و خاک را
 با آب مخلوط کند عمل کند بعد از آن موی سیاه با صند
 در راه

طالع دلو بزباد کوید پرشس که بطالع و لولیه شد
مضرت از دویسیا هی بائنه و مقام آندو و رکنه کستر
بل و در مینا طویه بائنه و صاحب انطالع در این مینا
کدر کرده نام هذا سقا بنوه ندر سنیه بیت باور مینه
وزد و وجهه اندام مینا له وقتی حال او خوش وقتی
ناخوش است باید که موی بزرگویی و پوست نازک و
بار بار اینه عا در زرد من او و و نکته ایام له بشار

کند ۲۱۶۱ ۸۸ ۴۶۲ ۸۸ ۱۰۸ ۱۰۸ ۹۵۳۴۹۵۳۴

نقل است که مضاف و دودلو در نزد حضرت پناهنده شد
اوردند و هر یک حضرت را و نیز که تکلیف می رساندند
رساندند و او دعا را آنرا از حضرت عرص کرد
در زور و صفت صفت او در و

دو یو اوله علاج جابره برین پنا
کردن و هر ده کائنات دن بجه آستین نمود

دو یوسیم علاج کودکان
که بسیار کردید کنید

دو یو پنجم علاج در دست
و کرد و خدای او دم کائنات و نقص عقل گوید

دو یو هفتم علاج چهار پنا
مثل کسب و استر و غیره
دو یو هشتم علاج که
نرسد و دست میزند که ناکام و بر آدم روی نمائند

دیو یازدهم علاج درو
سکیم و قونج مناید
دیو دوازدهم علاج کت
در ضرر و کیش ان کت

دیو سیزدهم علاج آدم
مصرع و دیوانه نماید
دیو چهاردهم علاج در
کلو و دهن کونید

دیو پانزدهم علاج زبان
در د و درم او کونید
دیو شانزدهم علاج سگ
دیوانه گردید او کونید

دیو هفدهم علاج در
سُفیه و فارس چشم کونید
دیو هیجدهم علاج آدم
که به عقل بند و هزار کونید

دیو نوزدهم علاج کسی
که همیشه رنجور باشد کونید
دیو بیستم علاج زبان
سنگین و دیوانه نماید

دیو بیست یکم علاج هر
کشتن و دیوانه نماید
دیو بیست دوم علاج شب
مرز و چهار سبک نماید

دیو بیست و سوم علاج ریه
بچه را در سکنا قص کونید
دیو بیست و چهارم علاج منت
میان زن و شهر ناز

دویست و پنجم علاج درد	دویست و ششم علاج
کوشش نماید	دیوانه کوشش نماید

دویست و هفتم علاج ریح	دویست و هشتم علاج
دفعه و در و معده نماید	دفعه و در و معده نماید

دویست و نهم علاج	دویست و دهم علاج
دفعه و در و معده نماید	دفعه و در و معده نماید

دویست و یازدهم علاج	دویست و بیستم علاج
دفعه و در و معده نماید	دفعه و در و معده نماید

دویست و بیست و یکم علاج	دویست و بیست و دوم علاج
دفعه و در و معده نماید	دفعه و در و معده نماید

دویست و بیست و سوم علاج	دویست و بیست و چهارم علاج
دفعه و در و معده نماید	دفعه و در و معده نماید

دویست و بیست و پنجم علاج	دویست و بیست و ششم علاج
دفعه و در و معده نماید	دفعه و در و معده نماید

دویسم علاج درو دویچشم علاج کس
کلو و صفا گوید و خوف نماید

دویچشم علاج دل دویچشم علاج کس
سروی و عداوت گوید لبه بابت گوید

دویچشم علاج زبانه دویچشم علاج باوق
فرزند داخل کنند و زانو نماید

دویچشم علاج و سوز دویچشم علاج درد و بچ
و بچه و پدیان میان کوهستان

دویچشم علاج کفن دویچشم علاج در سینه
و سوزی گوید کار را نشان و کرده

دویچشم علاج کس دویچشم علاج کس
در بخت و خوشی و بخت و بخت

دویچشم علاج درد دویچشم علاج حلق
اعصابی انسان در میان مردمان

دویچاه سیم علاج ریش
دویچاه چهارم علاج خارک
نسور با گویند
چشم و انزام

دویچاه پنجم علاج کسید
دویچاه ششم علاج کورو
ورزیدن گوید
معدده و درد کلم

دویچاه هفتم علاج در چوبه
دویچاه هشتم علاج در کوس
نهفت انزام
دورو و دل گوید

دویچاه نهم علاج کسید
دویچاه دهم علاج کسید
اسفراغ و غشیان
پتر سید و برزو

دویچاه یازدهم علاج دیوانه
دویچاه دوازدهم علاج ادر که
که خود بخود کبشند
انزام ادر کورن و ملا کورو

دویچاه سیزدهم علاج رن و شهر
دویچاه چهاردهم علاج زردی
که با مکران رن باشند
و صفرا کسید

دویچاه پانزدهم علاج دیوانه
دویچاه شانزدهم علاج رکبندی
که و خدان بهم سایه
در برده و شق شدن کید

۵۰

دو وقت صبح علی طه صبحه
دو وقت شام علی طه صبحه
هر ساعت یک بار گفت که گریه بسیار کند

دو وقت شام علی طه صبحه
دو وقت صبح علی طه صبحه
زیاده از حد صلوات بفرستد و بوسه بدهد

دو وقت صبح علی طه صبحه
دو وقت شام علی طه صبحه
چند و هفتاد درسته باشد و خربز آرد و رسیدن به نیت

و الله اعلم بالصواب و علیه التکلیف
باب انقوله دیوهای مضایقه و کاند و اول

یعنی است که او را نزد حضرت سلیمان آوردند و فرمود
او شصت کوزه حضرت فرمود چه نام داری و مقام تو کیا

بشد و چه رخت بپوشیده و گفت یابنی از ما و ایمن
در زمین باشد و در خانه ما مردم روم و کار من است

که در هر روز مردم نامم تا برسد و از خواب ببرد و سخن
ناگفته گوید و به بر من بپاره کند و دست بپوشد

به بنده آن مرد کرد و هر ساعت روی خود را در بنده تمام تا حال
 او بدتر نشود و از خود بخیر شود اگر رفیع علاج او نگینند
 بهم مرگ چپ سلیمان فرمود که امعلیون علاج او چه بود و گو
 قدری سر که با تخم میخ با هم میامیزند و سه موار از آن را در
 کبکبند و کلاب با بودیچ بمیوم بپوشانند تا سه روز بپاشند
 که جز بوی خوش با ریفند و در کت و در روی مهمل با و
 که در آن نع باشد و بودیم او را ترو حضرت سلیمان آوردند
 فرمود که امعلیون توبه نام داری و جای تو گنجی باشد و گو
 بروم ز جنت راتی و گو گفت یا نبی الله نام من شماست و گو
 و جای من در میان زمان باشد و بدی من که هر که
 با مهر غیری کرم کنم نا فضل بد کبکبند و بجه و دان زبان
 سبب نه و آسین نه سلیمان گفت ای معول^{علاج}
 او چه بود و گو گفت دست خرس زهره بکرت و منقار
 خرس را با هم بکوبند و روغن مخلوط نمایند در ششم^{۱۳۳}

سحر کرد و چون از حصین بگریخت و با ستون هر جمع شود
 و باو کرد بسیار دانه دراز با پنج بر نیز دانه که کنند
 در بوی سیم و پیش حضرت سلیمان آوردند فرمود امین
 چه نام داری مفهم تو در کجا باشد و گو گفت یاشی
 نام من ملکوک و لورست و جایی من در سر کهور است
 طحان رست و کار من است که بچه که سها باشد من را
 بهم خود را بر دهن بچه که منم و باو بروی هم چون باو در
 رنگ او سیاه شد و گفت بردمان آورده اند من مرید
 سلیمان گفت امینو علاج او چه باشد و گو گفت موی خرس
 در سفند در زرد امن او که کنند و سحر و نفع و شکر
 در کج خیار و انار دانه و مویر سیاه و چون منهد باو دهند
 شفا یابد در بوی چهارم و نیز حضرت سلیمان آوردند
 فرمود که امینو چه نام داری و مکان تو در کجا باشد و گو
 گفت نام من سحران و لورست و جایی من در هیمه و ک

میباشد و بنی من آن باشد که حوزاگاه بزرگش کما به کمال
 و در نظر همرا و ما هم نامش را شمع و گفت بر آورد و سهو
 شمع و خون از بینی او روان شد سینه گفت علاج
 او چه باشد و گوشت سینه را نه و پوست خا و گوشت
 ریحان و آب سیرکه با هم صلا کند و فصدی از آن آب
 و دودمان و پنبی کنند و زانغ با مار و با هم کوب
 و بر بالای دمنان بند که مجرب است در یو سحر
 نزد حضرت حاضر کرده گفت ای ملعون چه نام داری
 و مقام تو در کجا میباشد و گوشت یا رسول الله نام من
 حضرت دیوبست و مقام من در خاها میباشد جنری
 با نام بار شعل نامش حضرت باور نامش چهار شمع و علاج
 علاج کنند و بر انجالت باشد حضرت فرمود چه باید کرد
 سعاده لوداد گوشت زهره تر کوش و زهره مرغ سياه
 مخلوط شمع در پنبی بچکاند و این معود را نعتی برود

شفا بیه بسم الله الرحمن الرحیم یا نور علی نوریا
 هو نعم النصیر وکونوا اطی الله وجاه بعد الی
 اللهم صل علی محمد و آل محمد یا الله الا احد
 ۱۱۵۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱

در یوششم در نزد حضرت سلیمان آوردند فرمود که اگر
 چه نام در ری و مقام تو در کجا باشد و یو گفت یا نبی الله نام
 سعدان دیو برست و مقام من در لب آب روان و خانه های
 چمن مردم سر و پا بر زمین گذاشته پروان روند و نام خدا حق
 بزنند چون خود است بایستم و در الجا بخیزم خود را بدو تمام
 تا برسد و در نزد و در رنج الله و و سوسه در دل او
 الله از عقل انقض شود سلیمان گفت علاج او چه شد و یو گفت
 نماید و زهره کا و با آب کاسنی در منی بکشد و اسد غامد
 در و بسم الله الرحمن الرحیم صرنا کو ظا و سعا
 ط و مان عما هاهم کوبا موصوله این ام غم بر باد

وَبَدَّ السَّاعَةَ السَّاعَةَ اللَّهُمَّ كَاثِبُ الصُّلَّامِ
 يَا خَاتَمَ الْوُحُوذِ وَالْقُوَاهِ عَلَى الْعَطَابِ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۝ ۹۰ ۷۵ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

۹۰ ۷۵ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

۹۰ ۷۵ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

۹۰ ۷۵ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

دیوهفتی در نزد حضرت سیدنا اوروند گفتیم
 درری و جای نودریا باشد دیو گفت یاشی الله نام من
 و مقام من در زمین ستورده دار و مقام حیوانات باشد
 هر طایفه که بدانی که در حد ضرر را ویرسانم عیب نیست
 یک خود بخود بخوابد که بهیچ وجه بدانی که خود بخوابد
 گم کند که دل او بدرد آید هر حیوان یا آدمی که از این
 برده طایفه هر شش علاج کند که گوگرد و پوست مار و زهره و زهر
 که در زیر او دو نواست که طایفه در دام حیوان نماید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ مُنِيرٌ
 فِي رُجَا جَةِ الزُّجَاجَةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ زُرْقِي يَوْرِقُ
 مِنْ شَجَرَةٍ بِأُورْكِ زَيْتُونَةٍ كَأَنَّهَا شَرْهَقِيَّةٌ وَلَا
 غُوبَةٍ يَكَادُ رِيحُهَا يُضَيِّقُ الْوِطْنَ لَا تَمْسُهُ نَارُ
 النَّارِ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَكَضَبَ اللَّهُ

الْأَمْثَالِ لِلنَّاسِ وَآيَاتِهِ يَكْفُرُ عَنْهُمْ
 دَیُونَهُمْ در پیش حضرت سلیمان آردند و فرمود که ای کایا
 چه نام دزدی و مفاسد تو در کجا باشد و بگوئی نام من زبیب
 دیوست و جای من در کجاست و در کجاست خونگی
 به نام مذاتیک راه رود و بوی در دماغ او و هم تا زبانبش
 ورم کند و سرش درید آید علاج او رسفند و خرد کردن
 کوبیده جوشانیده در بینی او چکانند این دعا را بخواند و در
 شایید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ

محمد رسول الله عليا ولي الله يا قاضيا وها
 بجقائه من سليمان وانه ليسم الله الرحمن
 ديو دهم ورتز حضرت عليا آورده ومود که مبر
 ونام ددی و مقام نود و یکا بسد و گوشت یانی انم
 من صفرا ن دیو بست و مقام من در چشمهای آب بست
 و صر من دست که روی خود باوی نیم ناز و خوش
 برود و رمل ایسان نغیر کند سلیمان گفت علیا او صبا
 و گوشت مرغی سفید این دعا را بخواند یا حود و در وقت
 لبم الله الرحمن الرحيم هو هو انا لا اله الا الله
 عصا و لا يضرب اسمي في الارض و لا
 في السماء و هو التميع العلم سبحانه الله و الحمد
 و لا اله الا الله و الله اكبر و لا حول و لا قوة الا
 بالله العلي العظيم يا رحمن يا رحيم بر جنتك يا رحيم
 ۶۶ ۱۱۱ ۱۱۱ م بادب دیر یاد هم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

مِنَ الْفَنِّ عَزَّوَجَلَّ مَا عَنِمْ حَرْصٌ عَلَيْكَ يَا
 الْمُؤْمِنِينَ وَوَفَا الْحَيِّمِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَتَحْرِيصُ
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ بِالْعِزِّ الْعَظِيمِ
 دویسزدهم در پیش حضرت شیخ^{علیه السلام} آوردند فرمود که نام
 تو چیست و ضرر تو بر منی آدم چگونه باشد و یوگیت^{یوگا} بنیادی
 نام من چهار کسو بود و مقامم از ذکر کندگاه^{کنده گاه} او فریاد
 و میانی من اینست که نامگاه^{نام گاه} او فریاد است و بیست و یکم
 چنانکه جامع بر من در دو سه پیش^{پیش} تو و در لغوه^{لغوه} بهم رساند
 مصلح چه باشد و یوگیت اسم اعظم^{اسم اعظم} اری نگاه^{نگاه} را بنور و شمع
 کبر و و در آن ایوان^{ایوان} آنست که چون دوی را در سر بند
 که شفا^{شفا} یابد و یوچهاردهم در نزد حضرت آوردند فرمود در
 چه نام داری و مقام تو در کجا میباشد گفت بنیادی^{بنیادی} و مقام
 من عز و جل است و گاه ای من در سر کوچه^{کوچه} ایستاده و در من^{در من} از
 که زبانت^{زبانت} مرا رفته کرد اتم تا سخن^{سخن} بخوسید و در پی^{در پی} و شنید

سیدنا گفتار ترخان علیج اور اچہ بیکر کو گفتار ہر
وزیر خراج در آتیا غلام امراہ دور و باغ لوکھنڈ
سفا بید یعون اللہ تعالیٰ
۱۹۴۱
۲۰۲۱ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ ۲۰۱ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۰۴ ۲۰۵ ۲۰۶ ۲۰۷ ۲۰۸ ۲۰۹ ۲۱۰ ۲۱۱ ۲۱۲ ۲۱۳ ۲۱۴ ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۷ ۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰ ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ ۲۲۴ ۲۲۵ ۲۲۶ ۲۲۷ ۲۲۸ ۲۲۹ ۲۳۰ ۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۶ ۲۳۷ ۲۳۸ ۲۳۹ ۲۴۰ ۲۴۱ ۲۴۲ ۲۴۳ ۲۴۴ ۲۴۵ ۲۴۶ ۲۴۷ ۲۴۸ ۲۴۹ ۲۵۰ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۴ ۲۵۵ ۲۵۶ ۲۵۷ ۲۵۸ ۲۵۹ ۲۶۰ ۲۶۱ ۲۶۲ ۲۶۳ ۲۶۴ ۲۶۵ ۲۶۶ ۲۶۷ ۲۶۸ ۲۶۹ ۲۷۰ ۲۷۱ ۲۷۲ ۲۷۳ ۲۷۴ ۲۷۵ ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۴ ۶۰۵ ۶۰۶ ۶۰۷ ۶۰۸ ۶۰۹

دو یا پنجم در نزد حضرت سلیمان آوردند و فرمود که این را بخار
نام ددی و مقام تو در کجا میباشد و گوشت نام من صدصال
و مقام من در کجاست یا بسند و هرگز ندیدم کسی که خود را بزم
نمایم تا از هم بپایان ببرد و بدست و پا تو و دان و پا
استان مدو آید اندام کداحه و دگ و پنج و ریشه اوید
آید حضرت فرمود علیج او صبت و گوشت نه زهر گشت
باز هر دو باه در پنی او کجاست تا رفع باشد نه اسم
دو یا ششم در نزد حضرت آوردند و فرمود که این را معون
چو نام ددی و مقام تو کجاست و گوشت یا نبی السلام
موجودین است و جای در سر چیست یا چشم لطیف در در

[illegible]

دو هفتاد و هشت نزد میان آمد و دست حضرت فرمهای بود
چو کرد آرمی امیر کی و وزیر تو را و چگونه باشد و تو نامم را
دو دست و جای من چه جزیره ما باشد و بدی من بر کار
اشک چون معدوم کی جمع شوند عقل از زبان بر
نهر زده گوید و غم از دست پادشاهان گفت
او چگونه باشد و گفت زهره خاریست با نبات معطر

درهم آنکه در مینی کجا نباشد و بوی چرم در نزد حضرت
 فرمود این که چه نام دردی دیو گفت نام من مرطون دیو است
 و بری من است که بادی و هم نامش بوی چرم و در نزد
 و معاد آن نبسته کرد و سیرا گفت علاج او چه باشد
 زهره تپه و یا خنجر گفتار ایام پامیز و در مینی کجا نباشد
 نوشته یا خنجر و شفا یا بخت اله **بسم الله الرحمن الرحيم**
 اینه من سلمان و این هم الله الرحمن الرحيم ان لا
 تعجلوا علی و اتوا مسلمین ۱۱۲ و ۹۹ و ۹۸ و ۹۷ و ۹۶ و ۹۵ طح
 ۱۱ ۱۱ ۲۵ ۲۵ ۳۴ ۱۵ بر جملات ما ادعیم التواضع

دیو نود و هم در نزد حضرت سلمان آوردند و معراج معون
 چه نام دراز و مقام توکی است گفت بنی از نام من مارون است
 و مقام در کورس باسد و بری من بر آرد و است که خنجر نام
 بخوابد زبان ایشان را بسته کرد ام سلمان فرمود علاج او
 دیو گفت زهره گرگ با نبات بخوشاند و در کورس کجا نباشد

نه روز بدین موجب او رفتن نمی توانید دیو بیست
 و نزد حضرت آوردند فرمود چه نام دوری و مقام بودی
 دیو میرا چگونه مضرت میرسد و گفت یاری این نام من همواره
 و حاجی من همیشه و آن پند و قدرت من بر او و اسکه عقلند
 مردم به بر من سنگا فرمود علاج او چگونه باشد گفت زهره
 نیخ سیاه باز هر که رو بآه در منی کند و امید عار بر آید
 کوفته بنویسد و در زیر زمین دفن کند شفا یابد به او ای

بسم الله الرحمن الرحيم اهتيا سهره هيا اذوني

اصبا و ال سداى جا تو اى رحمن العالمين

سراسلام مطوس سه دیو بیست که نزد حضرت

آوردند فرمود چه نام دوری و مقام بودی اسکه گفت یاری

نام من همواره و دیو بیست و حاجی من در جزیره و بر سر

بر آید و فرمود اسکه مردم را بفرستد نام ابرام ایشان مید

آید و بیست و در زیر ایشان مید آید حضرت فرمود بفرستد

دویست و شصت و نه روز حضرت سلمان آوردند فرمود که ای ملعون
 چه نام دلدل را که مرا کشته میری بانی دیکه گفت نام من سلمان
 دیوبست و جای من در جبریا باشد و بدی من برادر دزد
 که هر لحظه اینجا را دور و دور میگردم که گاه کار راستی
 رعیت بذارند مرا نزد حضرت فرمود علاج او چیست دیکه
 ای نبی الله علاج او کشته ناخن و موی سر او را بر زیر آویز
 و تخم کتان در زیر دامن او فرو کنند و امید عار نکوشد با خود
 سخا یا در آن آید که دویست و شصت و نه روز حضرت سلمان آوردند
 فرمود که ای ملعون چه نام درری و مقام تو در کجا باشد و او را
 کشته میری دیکه گفت نام من سید علی است و همواره این را
 پس خانه آورده بود و بدی من کشته زنا را از اسحق کم
 و آیه و نادانان هم شیب آید از خانه برهنه میروند و
 روزی بی غلامی است تا کشته علاج او را میگوید
 دیکه گفت بکشند در زیر دامن او فرو کنند و امید عار نکوشد

دو بیست و نهم در نزد حضرت سلیمان او بودند و فرمود که تو چه نام داری
و مقام تو در کیست و او را میفرمود که از حضرت سلیمان او گفت نام من
سر طون و بیست و مقام و جای من در همه جا باشد و من
بر او و سر کند و در هر دو را بر دم نام من تا به ترسد و از خوف
حقیق نام من همیشه در دلش بماند و باشد که علاج حکم باشد
و او گفت که طریقه و مدس و در همه در صبر و ارام و بودند
در زیر دامن او می‌کنند و روغن که با سپاه می‌کنند را با من
ادویه در من می‌کنند و بیست و نهم در نزد حضرت او بودند و فرمود
چه نام داری و مکان تو در کیست و مقام تو صفت او
نام من تو بیست و من در همه جا حاضرم کار من است که مردم
و لایه کرد نام خدا که گفت بر او آمدند سلیمان گفت علاج و بود
و او گفت شنیدید از روغن که با و می‌کنند و در من می‌کنند
و کینه و کینه کاسنی و بیست و نهم در نزد او و در همه

ان شاء الله تعالی و یوسی ام در نزد حضرت سید الشهدا در روز
 فرمود چه نام داری و جای تو در کجا میباشد گفت
 نام من زکریا است و جای من در خانه میباشد و بر من
 مردم است که خود را مردم افکنم تا از من بپرسند و بگویند
 علیج کونکر نام است و بگو گفت روزی که در پیشگاه پادشاه
 و در پیش دو چکانند و کشیز و پوستار و جواهرها را در دو
 در بزرگ او دو گشته اند پادشاه آمد تا و یوسی بکنز در نزد
 حضرت سلیمان آوردند فرمود چه نام داری و مکان تو کجا
 میباشد و از دست تو کمره است و بگو گفت نام من ناموس است
 و منم من در میان حیوانات دیدی من است که سائ
 خود را بر سر مردم افکنم تا بپرسند و بپرسند و بپرسند
 گفت علاج او چه باشد و بگو گفت زهره ماهی باروغ کاه
 گرم کنه و در پیشی حکا بخند و مورخ بپسند و در نزد افغان
 شفا یابد ان شاء الله تعالی و یوسی چه نام نزد حضرت افکنم

در دیوانه تو صحبت و مکار تو کیست و چه اذیت مردم
 دیو گفت نام من مرال است و مکان من در سبزه
 و بر من است که گوی طاهر را که درم که زبان زبان
 و در دل پیدا کند سلیمان گفت علاج او چه باشد و دیو گفت
 و کلاه باد بپوشان و ممر سر در زیر دام او حوشتند و این دعا

بخود دل و شفا یابد ارضت مغفرت من صل
 وای و نور که آنه علی اله ابه تبارک و تعالی

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا اَنْتَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
 وَنَحْمَدُكَ اِنَّهُ مِنْ سَكَمِيَّانَ وَاِنَّهُ لِيَتِمُّ اَللّٰهُ اَلْحَمْدُ
 اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا اَنْتَ اَلْحَمْدُ

از عیب تو چه نام و داری و مقام تو دور کی باشد و بی
 تو چه باشد و دیو گفت نام من دشنام و دیو است و بی
 در کورستان نایاب و بی من این نیست مردم را و دیوانه
 سنگ تمام ایشان پیدا کند سلیمان گفت علاج او

اوج پسته و بونگفت و بونگفتی بار و غن کا و در منی
 اوجی که به سبزه و رنگار در زیر دامن که کند و انور
 بر خورند و تفایید آید طاهره و عید نقی
 مند حی ملا حاله ما اسوا حد بد صلا
 ۱۱ هبوط صحیح طوها لها لعل طاح جلت طوه
 خاطوم بنان حفظ ادوی اسد بودالی
 و مددی بدایی بکل ملهم سا طاح انا
 و بوسی صبارم و نر و حضرت سلیمان آورند و غن
 نام تو صفت و مکان تو کیست و در تو با طیف که ام است
 و بونگفت نام من طفل است و مقام من در هور
 و بری من است که چون طیف کبر بر پنه کنده هم خدا است
 بر او را طبع بخیر نم که بهوش شود و نمک بر و بونگفت
 بونگفت علاج اوج پسته و بونگفت با نسی الله رزده جسم
 و ملک طهر رزده مار و با کل سر و کونک و بار و غن و سینه

همه را بهم گشتند و بچوشتانند و در سر که منجم سر او را کشیده
 پوست او را پاک منجم بالند و در آخر سه ماه را بکشم
 سوزانند و در غم کوکبه و نیت تازه در و کنند و بر سبزه
 و میخی چشم نزد حضرت سلیمان او روند و فرمود که این
 نام نوبیت و کلمه نوکی است و هر نوکه ام است و یو
 مقام من در خانه باشد و نام من قهرس است و بر من
 رستند و در هر خانه که نام خدا باشد و ناز و روزه کنند
 من در این نظر کنم و خود را نزد ایشان در درم ناند عذرت
 و در بایستد و کار بکنند علاج او چوب نیل و چوب
 بعنبر هر شب بعد و روزه بکنند و امید عار و رفته
 این کلمه یا دعا بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انی
 بیکه و در ذوقه و نوبه قتل الموت یا هادی کا
 یا معالی یا ارحم الراحمین یا ولید المومنین یا

المستوی

المستعین العتی دوی ششم نزد حضرت سلیمان
 فرمود نام تو چیست و مقام تو کی باشد و بر تو چیست
 یابی و مقام من در کوهها و یا باغها باشد و نام میرال دوزخ
 بی من اسکنه کی که نام هذا بیعکله نبرد و اورا بیدار کنم و کعبه
 بنام علاج او در بخوس و مغز نارام و تخم خور و آکو با تخم
 جزر و عمل آب بنیه گرفته و چینه بخورند سم دلاغ و بوش
 با ناضن دست و پا در زیر دانه چکند نافع است
 دوی هفتم در نزد حضرت آوردند فرمود که یا دوی
 تو در کی باشد و نام تو چیست و ضرر تو بر آدم شلو چگونه است
 و یو گفت یا نبی الله نام من سذر و سست و جای من
 در راهها میباشد بی من است که چرخ فرزند آدم
 باشد و به خرد و نام هذا بیعکله باشد من خود را بد و نام
 ناخرد و بجزر و سلیمان گفت علاج او چه باشد و یو گفت این
 طعم را با خرمخغ نوشته در سر جا راه در میان کند

The first of these is the
 fact that the system is
 not self-sufficient. It
 requires a constant
 supply of raw materials
 and energy. The second
 is that the system is
 not sustainable. It
 requires a constant
 supply of capital and
 labor. The third is that
 the system is not
 equitable. It requires a
 constant supply of
 wealth and power.

لا بقصر من دیو بی منم در خدمت حضرت آوردند
 فرمود که از ملعون چه نام در در و مقام تو در کیست
 و بگو گفت یا نبی که نام من کلجوج است و مقام من در در
 جاها باشد سایه خود بر سر مردم افکنم چنانچه بخواهد
 که کند علاج او برکت ریزه و سیاهانه در زیر داف او
 حاکم کند و امید عار ایاک نه زندگیا بدست آوردن

یا مدعی یا صید یا ملاء اهلها سترها صیاد
 اله سئدای یا چنین ایدلام دیو صیاد نزد حضرت
 آوردند فرمود و دیو نام تو صیاد و مقام تو کیست
 و در زیر تو مردم چه نوع است و بگو گفت نام قهران دیو است
 که مردم را بخود ریزم کنم و وزن و مرد را زدهم میرم
 میل بدست آورده کند و عید از آن صا و رنجو علاج او در
 کاسی با مور که در خانه حاکم کنند با خود دارد و نادرشتر
 درین است که عمو فیل لا اله الا الله محمد رسول الله

عليه ولي الله الحجة الجبار واعوذ بك من الدنيا

والآخرة ٨٢٢٢ ٤٤٤ ٩٤٤ ١١١ ١١٢ ١٢٢ ٢٩٢

وچون بگویم در نزد حضرت آمد فرمود چه نام ددی و مقام
کی هست و چگونه ضرر میرانی دیو گفت نام من من قطان
و مقام من در کوچه ها سیئه و بدی من است که زن بد را
بسته گردانم تا سخن بگویند و خواموش باشند و خنده
کنند فرمود علاج او چیست دیو گفت جز دل خراش
و لاله کو هر سه در زیر دامن ایشان دد و کشتن
و اندی لایا بود در زنی شفا یابند ^{هیا} ^{هیا} ^{هیا}

هیا هو ٨٢٢٢ ٤٤٤ ٩٤٤ ١١١ ١١٢ ١٢٢ ٢٩٢

و چون دوم نزد حضرت رسیدیم حاضر کردند حضرت
و فرمود کی بابشی و نام تو چیست و مقام و بدی تو
بر آدمی چگونه است دیو گفت حاجی من در خانه
بسته و نام ملوک است و کار من امنیت حکم ^{هیا}

که هر جا زن خانه بنم نفس خود را اودم تا فرزند
 در شکم خط کند و هم آن طوره بکشد و شکم کف کند
 او چه باشد و بگوید و بگوید بانی اندامی عاقل بود
 و در دستها باید یا حی یا قیوم یا اله الا انت
 عنهما مهما اهیا اذونی اصباح ال
 سدی سدی و تنزل من القرآن و
 و در صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر

تعلیم و علی القوی مسلمین و در صبر و صبر
 و در صبر و صبر و در صبر و صبر و در صبر و صبر
 و مقام تو کی باشد و صبر و صبر و صبر و صبر
 بری من و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر
 بر این دست با هم و دست بر این و صبر و صبر و صبر
 و در راه و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر
 صبر و بگوید و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر

مضمون لکھن واک طیر العبادات استدی
 استاد اعلیٰ ۱۱۸۴۴ ۱۱۸۴۴ ۱۱۸۴۴ ۱۱۸۴۴ ۱۱۸۴۴
 ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱
 حضرت سلیمان فرمود ای دینو نام تو صفت و مقام
 تو کجاست و ضرر تو بر مردم چگونه است و تو لکھن
 یابنی دله نام من مرقود است و لکھن و مردم و مرقود
 است چمن مردم و دین و مرقود است چمن مردم و دین
 رف و مردم و دین و دین و دین و دین و دین و دین
 چنانکه از ہم پرند شوند گفت علاج چه باشد مرقود
 گفت ریو و جو صندل سفید و زعفران و ادویه
 کنند و امیزد عا رازن اجود و ادویه شوند
 انہ من سلیمان و انہ لکھن
 ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱
 الا تفلوا علی اتونی مسدین
 دین و مضمون در نزد حضرت آوردند حضرت سلیمان

اور دند مانند غرور سر دوست یک سر مانند
 و سر دیگر مانند مرغ فرسهای ملعون نام توصیف
 و جای نو در کی باشد و بری نو بر مردم چه باشد
 و یوسف یاسنی الله نام قمری است و جای من دریا
 باشد و مدی من است که عقل از مردم کم گشتم
 سیدنا گفت علاج او چه باشد و یوسف منکر در کان
 و مغز هرام و زریه سبزه در هم میخشد کوبند
 بر پوست مار و خار منقلب و زریه را من او دود
 علاج شود و یو هل هشتم در نزد حضرت سلیمان
 آوردند حضرت و یوسف گفت نام توصیف و مکان
 نو کی باشد و سر نو بر مردم چه نوع است و یوسف
 نام من میرا سر است و مکان من در سر بام
 و آذر که بام حذاتیگا باشد چون دد اسیر بام
 را چه من او را بر بوس و حنیه را بکنم تا ز بام

با خود دارد و شفا یابد یا مالک الصدوق
 کبریا که کجای ماست الله صان و لاحول
 ولا حول ولا قوه الا بالله العلی اعظم شهد
 شهد ان لا اله الا الله و شهد ان علیا
 ولی الله یا رب العالمین و یونجی هم در نزد حضرت
 سلیمان آوردند حضرت فرمود نام تو صبت و سلطان تو کجاست
 و ضررت چگونه است و یو گفت نام من شمس دیوت
 و مقام من در رست خانه باشد من رست که آرد
 که با هم نفی اودم تا در رست که مرید کند علی را
 حضرت را در آگینند و آب را در ابرام باشد خوب
 و یونجی ه یکم در نزد حضرت سلیمان آوردند صورت یکایت
 رشت و صبت سلیمان گفت از عیون نام تو صبت
 و سلطان تو کجاست و ضررت چگونه است و یو گفت
 نام من شوش دیوت و بدی من رست که مردم بهم در نزد

نادر مینا زن و سوار هر یک شو سیم گفت کلاه
 او چه شد و یوسف در مینا حبس لاجول و لا قوه الا بالله
 الصاع العظیم بخواند بعد از آن و سفید و روشش شود
 و اسب عمار او را در خانه پنهان کند تا اویم بهر بفرمان آید

الحمد لله الرحمن الرحیم
 و ان یکاد الذین کفرو ان یقولوا با انصار
 لما سمعوا الذکر و یقولون انه لخبیر
 و ما هو الا ذکر للعالمین
 درج 22 ولا کلا لا هو هو ۱۰۰ ۹۹ ۹۸

و بی جایه. دیم و زود صفت سیم آوردند فرستاد
 ای پیر چه نام دردی و کلاه تو کیست و هر چه تو
 چگونه است و یوسف نام فرستاد و یوسف و یوسف
 من است که زخم بدی در بدن مردم بدیدم آدم
 او اسب رنید عمار اسب در عمار بنو شد

دور آب بنورزد و در آن آب بکوبد و قدر بر سرش مالند

شفا یابد ۹۹۲ مجموع ط ۹۶۶ ۹۱۶ ۸۴۴ ۷۷۲ ۷۰۰ ط ۷۴۸

۱۱۴ م ۹۹ ۲۶۶ م ۵۰۰ و یک پاهم در نزد حضرت

سلیمان آوردند حضرت فرمود علقج نام تو صفت و مکان

نور کیست و خزر تو بر دم چگونه است و یونک گفت

من ز کیش دیوت و مکان من در خانه کاه است

و بی من نشد طفلان در زیر سایم نه صندل شایان

کند و سرخ شود علقج و سکه ناخن آدم قوی گوهر طیار

در دیر آگین دو و گشند و ایند عار با خود و در شفا

شراعیاً الی حق اسوة الاول و الاخرین

و انظاطه و الباطن و هو بعد شیء ۱۱۴ م

۹۹ ۷۴۸ م ۱۱۶۶ یونک چهارم نزد حضرت سلیمان

آوردند حضرت فرمود نام تو صفت و مکان تو کیست

و خزر تو بر دم چگونه است و یونک گفت نام من قشر حیدر

مقام من در سر راه باشد و بری من دستگیر
 بر سر مردم انگنم تا بد صفت بر خند و بر ز و بهر
 شوند سبک گفت علاج او چه گونه بود و گوشت به
 روابه باز هر روابه با آب بنهند و در پی بپايند
 و ایند عا با خود در دستها باید اهدا اهدا اهدا

السَّخَّاءُ الشَّافِي لِسَعْدِ بْنِ

حالا ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

دو بی چشم نزد حضرت سلیمان آوردند و در راه دست
 حضرت نمود نام تو صفت و مکان تو کیست و چه
 ب مردم رسانی گفت نام سکه کو است و مقام من در
 خانه نرنگ باشد و هر روز ب مردم سکه مصلی ب مردم
 ب مردم و در شکم با و طاهر نام علی ب سکه صندلی
 و بکت زیتون و مغز ب مردم و موسی که شبانه فرادید
 در زیر دامن بگفتند و این دعا را در زیر بایست

چو دست رخسار و بان بایند و عبادت و طاعت حق تعالی
 نذول این محو گردانم علاج او گمانی را با یابیه هر گوش
 در پستی او بکافند و امید عار را با خود دروید بگویم
۱۱۶۳ هـ ۱۱۶۴ هـ ۱۱۶۵ هـ ۱۱۶۶ هـ ۱۱۶۷ هـ ۱۱۶۸ هـ ۱۱۶۹ هـ ۱۱۷۰ هـ

۱۱۷۱ هـ ۱۱۷۲ هـ ۱۱۷۳ هـ ۱۱۷۴ هـ ۱۱۷۵ هـ ۱۱۷۶ هـ ۱۱۷۷ هـ ۱۱۷۸ هـ
 آوردن حضرت فرموده نام درری مقام لوی
 و ضرر نو مردم که نام و علاج او صفت و لوی که گفت نام
 کاسول است و مقام من در سقف خانه باشد و ضرر من
 اسکودم را بر شام که همیشه خائف باشند علاج
 که این علم را با خود دروید یا با الله ۱۱۶۵ هـ
۱۱۶۶ هـ ۱۱۶۷ هـ ۱۱۶۸ هـ ۱۱۶۹ هـ ۱۱۷۰ هـ ۱۱۷۱ هـ ۱۱۷۲ هـ ۱۱۷۳ هـ

و شصتم معبر آوردن حضرت بلبلان آوردن حضرت
 فرمود نام تو صفت و لوی که گفت ضرر تو که نام و علاج
 تو صفت و لوی که گفت نام تو که گفت ضرر تو که نام و علاج

دو یوسفیم نزد حضرت آوردند حضرت پرسید نام
 دوری و مکان تو کیست و در نزد پدرم چه شغل
 داری گفت نام من عباس و یوسف است همیشه مونس او میزادم
 هر روزی که بر ابراهیم آورده ام او را میگویم که زردار
 تراوش کند اگر علاج کند بلکه شتر سلیمان گفت علاج
 چه باشد و یوسف بانی الدین فرزند آکو و رسیده نرس
 در نزد منش جمع کند و ایندی را با خود برد و شفا یابد

۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰

۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷

دو یوسف چهارم نزد حضرت سلیمان آوردند حضرت فرمود
 نام تو چیست و مکان تو کیست و پدری تو چه نام دارد
 و یوسف نام من رکوک است و مکان من در سر خاکوت
 میان خانه است و در زمین است که پری بر پدرم زخم کرده
 شتر و دوزان بهم رسانید علاج گوشت که تخم خربزه و هندوانه

و چوب کز در نیر و من محو کند و ایند عمار با خود و در
شفا یابد و بنور من القوان ما هو شفاء و حجه
المؤمنین و لا یزید الظالمین الا حنارا
و یوسف یحیی و یزید و حضرت آور و ند حضرت مکه
نام تو صبت و مکان تو کجاست و ضرر تو عمر و کمبود
و یوسف نام من سبک است و مقام من در پیش نهاد
باشد و ضرر من آنکه هر که طعام پس مانده بجا کند و
من آب دهن بر آید و از نرم هر که از نو بخور و درج
و بار کھی سید گفت علاج او چیست و یوسف گفت
کز در انزام وی باشد و ایند عمار با خود و در
باید من سکن عمو الزهوا هی ستر هیا
سمی عوا یافین امان
۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
۲۲۲ ۹ ۲۵

حضرت سلیمان آوردند حضرت فرمود نام تو چیست و مکان
 تو کیست و ضرر تو به مردم چه نوع است و کی گفت یا الله
 نام کارم رست و مکان من در خانه پادشاه و ضرر من در
 مورد از سران شاه بر من است و فرمود ایتم سلیمان گفت علاج
 او چه باشد و کی گفت قدر روغن مورد و آب صندل
 بپزوده شخم مرغ با هم بپزند و در سر بالند موی بر و بایند

اول باب بیست و ششم

و کی گفت منم را نزد حضرت سلیمان آوردند حضرت
 نام تو چیست و مقام تو کیست و ضرر تو به مردم چه نوع است
 و کی گفت نام من عراف است و مجاور و منوش الطام
 ضرر من آنست که بخت و طفل از جنت سرایم نور تک
 رز و شمع و هر ساعت رنگ برکت بکشد سلیمان گفت علاج
 او چه باشد و کی گفت یا الله اینخ و عمار بنو نوح

و در روز نهم چه گونه است و یکشنبه بی نام من
 خاص است و مکان من در روز اینهاست و در این روز
 نفس خود را بر مردم بسم نام پستی شوند و دیوانه
 علاج او این است که در میان خود و دیوانه ایستاده و بر طای
 من عین نوبه داشته آب او را بخورند و خوب است

احیای اشیا کیا و کیفایط سوصلانت
 اصانت از غنی و انه من سلیمان و انه السلام
 ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰

و در روز نهم چه گونه است و یکشنبه بی نام من
 نام تو چیست و مکان تو کیست و عدد تو چگونه است
 و یکشنبه بی نام من حسام است و مکان من
 بیانی اداسکه که هر که در خواب بگوید در آرام کنی و
 از صفت من باشد در عالم خواب بی خود را می بینم
 که در راه و در خواب بگوید که من هستم و در خواب

هست مقدر باز هرده اضر و در او غم انداخته اند
 شفا یابد ۶۶۶ ۶۶۶ ۶۶۶ جج جج جج جج جج جج
 کلا ۶۶۶ ۶۶۶ ۶۶۶
 فال نامه

در این فال نام حضرت امیر المومنین ۴ حضرت فرمود
 که هر که نیتی داشته باشد در این فال نامه بگشت نهد
 نند اول حله محمد باقر میوه حاصل شود بخواند و چشم خود
 بر میسد و بگشت نند معلوم خواهد شد نه کمال

مهر	نیمه
اقاب	نیمه
نیمه	نیمه
نیمه	نیمه

اگر ماندگی آن زهره باشد نزار از دوستی که مهره باشد
 اگر عجزی بود از رجا مبارک نماید بر وصال
 اگر خطا کند در سهر قریب باید رفعت و فضل خدا
 اگر میل سفر دندی بود امید خویش خواهد کرد حاصل
 اگر ز انجام خویش جو قریش رخت بانی درو
 ای خداوند فال هر نیتی که کرده بر آورده و خیر که
 اما دول همتی و میل کند که در روز کاری نازد
 و تو پیش خای گرفت و بانی درگاه رنو خای کرد مکن
 که خوب باشد و از غایب عزم و خوشحال شوی در روز
 و جهان امین گردیده اما صدق در ماه نو بایست
 که مصدق رفع کننده عذاب است و اسه موجب
 چه اندر فال تو که مزاج آمد حذر مکن که اینهاست
 حذر مکن ازین نیست که در که مریم ترا در هر روز
 اگر از غایب محبوب جو بر بیان حلاله را این

اگر نوحته او هست قبل و بعد و کفار و بد بود
 ای خداوند فال بران و آگاه باش که حال تو را
 بر پستان می بینم و چند روزی که طالب چیزی هستی
 ناهست روز دیگر ازین منت حذر برد باش و دل
 کند که خرید و فروش اصدا خوب شد اگر کنی ضرر
 و پشیمانی اگر روز برای عقد و نکاح شد میگویند
 و کار سخی تو را در پیش آید که صران بمائی اما
 شخصی سرخ صورت و کوبه چشم خود را بر مهر
 ما در امان خدا بانی طالع اصدا
 چه اگر فال تیر است دل دشمن در منی حرار
 ترا از حلقه می بینم در آغوش طریقت در دست
 اگر خواهی شریک که دوپوند بزود میشود خوش است
 سفر که میکنی اصدا قبل هست آمدی فراوان مال
 ای خداوند فال بران و آگاه باش که این چه کس است

بر تو مبارک و طالع تو در نور و عظم بر آید و بر دوی
 بر طلب خو و خواهی رسید و بناید که با جمع است
 پیش و عشرت خواهی کرد و از بر کنه منفعت
 خواهی یافت و اگر رکبزی درری شفا خود می
 یافت در او از گرمی و خنگی و زرد آب است اگر
 از برای در و در و به پیش و پیش کند که است و الله
 بعد است آید و در شخص سفید چهره میانه ^{عنه} ^{عنه}
 خوش کردی و سکونی بینی در حال
 نه صل آید چه در منت یافت بر عیانت کو با جمله ^{حالت}
 و است گرفته و خواطر برین ^{نداری} ^{دلت} در قوم
 سخن درین منت کردی که نازوی نه بینی روی
 ای خداوند غالب بدان و آگاه باش که ز صل چون یافت
 و ده ساله برزگاست و نعلین بر و بنمندان دور
 و خطایب و امید کی که درری بر دوی بر آمد و خواه

و از هر عشم واده خلاصی طلبی باویت و اگر نیست
 سودی داری بگوست و بیک کند که لذت شخص داری
 که او را ندیده باشی و زمرده او شده باشی و اگر
 از زمره یا کم سنده نیست داری رفو بدست آید
 و اگر نیست شکر و کاری از نو داری بمن که بسیار
 خست و آخر احوال توبه خوب است و هم مشیت
 چه آمد مشری در فال مدبر و صاحب کسری و
 که خواهد دادست حق نیست به خوشی شوی بسیار
 از این مقصود جنتی از دست که تا این شور و گداز
 اگر دل خسته داری نهایی از پنج دشت و دیگر ریاست
 سفرم خوب بپای نه آید به دولت آید و خوشواید
 ای شاه و فال بران و آگاه باش که شتر سوار
 دولت مدان و بزرگان باشد ندغم واده و
 ظاهر شد اگر بپذیرد و نظر داری مبارک است

رند شقی که دوری اور کشید باشی از مرده او
 شوی و اگر کم بگه یا در دیده یا کر کشد باشد بر
 آگاه شوی و جزی جوید
 چه فال خویش در ماه منی تمام دشمن در چاه
 یقین شد سحر است بر او فراموشی از هر
 سجده که در چشم کشید است حقیقت میکند بر حق
 دلت از هر تخیل تمام رسد از غایبی پیش تو
 کماح و عقد بنا آنچه هار که دارد سود و نطفه
 که محبت رفت آمد بسود اگر بیمار و دردی به شوم
 اما خداوند فال بد را و آگاه باش که مالا و سل کند
 که سفر کردن بهار خوب است اگر سفر کنی نبردنی و دانی
 و خیر است و اگر نیست کاری و دل و دل داری
 ناز و زشتی از او جز در شوی و بر او دل بیستی
 دوست با شاد شوی و دلش منی نهاد عطا

چه فال آمد عطا و دوان که باری از خدا رسال تو پیش
 حسودان و تکبران تو مردند ز حسرت در غم تو جان سپردند
 اگر دوری کس غایب شوی بسیار زود از لطف الطهر
 اگر دوری هوای راه رفتن بود مشکو به حاجت بابو
 اگر از شغل میل خستید ^{جونی فارغ شوی} بمن اورا مکن اقبال حیات
 اگر میبوی وصل در دست ^{داری} بزود میشود معصوم جاری
 اگر دوری سوال در دست ^{داری} بهیست آید نزد احدی موشه
 از خداوند فال بیان و آگاه بهش که فال تو بسیار خوب
 و پس کند که در کار خود سبب گردد بایده صبر کن تا بهر تو
 خود برسی و این که کار تو بسیار خوب است ^{فایده} فایده
 چه بینی در دست آید تو فال ^{مزد کن زندها در دل در}
 از بر دست اگر بپوشد فایده ^{مزد کن که در دست}
 اگر در خانه دوری شخص مبارک ^{بصدق بگوید} بسیار
 اگر که غایب دوری بفرست بی دست آنجا بفرست

ای خداوند فال بران و آگاه باش که ذنب و سبیل کند
 که آتش بجائی و غم بسیار حوزی اما کار هر چه هرگز
 ممکن نادرست شد ای حکم کردی و زنده کاری رفته نماند
 دل را آتش دارد و در چشم بد هر روز هر چه شد و گوی
 نظر بندی با خود باید در گشته باشی از هر عیبی از هر بائی

والسلام

صبت کفایت در شرف بنویسد و در کردن این بند
 محبت سازشاده کرد و لا اله الا الله ابخی
 فلیعلم انی اسئلك من الفناء و العتق و
 انفا بیدك لا یملکها من احد عنك منی لله
 خیر خلقه محمد و آله مع الیه و سلم و از دعا و آداب
 روان از او نویسم الله الرحمن الرحیم من محلی
 و هی رمیم و الی العرش العظیم من کان الله
 مکیش محبت بنویسد با خود دارد و ایح بر
 در تمام دعا و آداب
 که نقل کرد

[illegible]

باصباحهم لما سمعوا الذكر ويقولون انه لم نجون

وما هو الا ذكر للعلمين اللهم اني استنبت

يا من له واطف خفي واكادته يا سطره كاشف

استنبت بطلان الخفي الذي انطقت به لعيد

الا كفى ان ترمي هؤلاء امير المؤمنين ^{عليه السلام} ابن

في مناجي جنت دوتی هر که این طسم را بخود داند و نزد

طریق اوزن و مرد عزیز و محترم باشد و دور او است و داند

الحمد لله
۴۰۵۲۳۴۵۶۷۸۹۱۰۱۱۲۱۳۱۴۱۵۱۶۱۷۱۸۱۹۲۰۲۱۲۲۲۳۲۴۲۵۲۶۲۷۲۸۲۹۳۰۳۱۳۲۳۳۳۴۳۵۳۶۳۷۳۸۳۹۴۰۴۱۴۲۴۳۴۴۴۵۴۶۴۷۴۸۴۹۵۰۵۱۵۲۵۳۵۴۵۵۵۶۵۷۵۸۵۹۶۰۶۱۶۲۶۳۶۴۶۵۶۶۶۷۶۸۶۹۷۰۷۱۷۲۷۳۷۴۷۵۷۶۷۷۷۸۷۹۸۰۸۱۸۲۸۳۸۴۸۵۸۶۸۷۸۸۸۹۹۰۹۱۹۲۹۳۹۴۹۵۹۶۹۷۹۸۹۹۱۰۰

منزمت علیکم بقره الله بحق محمد رسول الله و بحق علی

و حق الله و بحق ابراهیم خلیل الله و بحق جبرائیل و میکائیل

و اسرافیل و عزرائیل و بیت المعمور و صلات الله

عمیده و علیه اممین الحمد لله الذي سبحانه الذي

لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد ع ا ه ا ه

ا ه ا ص با ه انك بنو سيدنا م هر که خواهد بر

مع نرسید در زیر نش دفن کند جمع ع ۴۱۲۳۴۵
۴۱۲۳۴۵۶۷۸۹۰۱۲۳۴۵۶۷۸۹۰۱۲۳۴۵۶۷۸۹۰

امروز از قس میرد کف نیام هر که خواه مرده

五五五五五

۱۰۸

و چنانچه کوشیدگی به سبب باشد اگر زن باشد از ماه

داگر مردی باشد از تن این غم غمیب را بر او بنویسد و در روز

انفس و فن کند خاک که بسوزد و ما ترا در طرد می کند و

۱۱ دے ۲۳ ص ۱۱ سے ۵۵ ۱۱ ۹۱۹۱۹۱۱۱۱ ۱۱ سن

۱۱۱ ۹۰۲۴۳۷۱۸ او و نام مدون انفس

[illegible]

فردی که می‌خواهد از زن خواهر که شوهر را از دست خود ببرد

نوشته در زیر کتب که در کتابخانه خان سمرقند

کجاست دین را نه نیست در دین نبرد و اگر خواهی بجای دیگر

میکنند این طبع را است در زیر سه بند و با شش جهت از

وجه در است بنده

در بر سر راه او بریزد

صاف شود که اگر در دست

میل کنند



حساب طالع مرد وزن

در طالع مرد وزن که بهم میرسد باید طالب و مطلوب را

حساب یکدیگر کرد و پنج پنج طرح کند اگر فرد باشد

بهم میرسد و اگر صفت باشد یکدیگر بررسند و عدد کسب

و مطلوب را در آنها را با یکدیگر حساب کند و بعد از آن

چهار ربع را بدو سی طرح نماید پنج باقی ماند برای

و نوع نظر کنند و حکم او را از جدول فراق وصال

ملاحظه نمایند اگر نه پنج طرح در جدول وصال باشد وصال

مطلوب ختم رسد و الا نوبت وصال نخواهد رسید

اسم زن و مادرش را بحباب اکسید بگرد و پنج طرح
 کند اگر ناک باشد پست و اگر صفت ماند دختر است پسر
 که رسیده است العلم عین الله هرگاه که عمارت اندام
 باشد عمارت او خواهد بود و هرگاه که عمارت عین است
 و پسر در نقل ریت ولایت نر و لاوس دارد و طرف صبر
 پسر را پسر زن ترکند اگر با یک فرزند پسر به و اگر پسر
 است بالینه و پسر پسر زن چون بدو باشد اگر چون مرد و
 پسر باشد و اگر پسر است و پسر اگر زن بچای هر صفت
 باشد و لا پسر چون در اول صفت پسر با یک زن و پسر
 بنوشد پسر نو که کند و زن زن هر ماده دختر قضیه که پسر
 دارد و چون زن او ندانم حرج را با زن هرگاه و زن بچند دارد
 بعد از خط صبحا طم آنرا در میان آن زن را فرزند حاکم
 و لا عمارت خواهد بود و عمارت پسر پسر که با پسر زن

هرگاه که عمارت
 پسر را پسر زن
 ترکند اگر با یک
 فرزند پسر به
 و اگر پسر
 است بالینه
 و پسر پسر زن
 چون بدو باشد
 اگر چون مرد و
 پسر باشد و
 اگر پسر است
 و پسر اگر زن
 بچای هر صفت

سوره انعام

سوراخهاست زن بر درو هرگاه صبح بوی سیرند و مان سکن
 طای هر کجی حاضر است بگرخواهد چو بویا بر فرا با صفت
 ساد سائیده در پنی و صر سوط کنند هرگاه عطسه کنند
 باکره است و آلا فلا صبت عداوت و دشمنی
 منقول است در کتاب طبر و حایه چو کوما عرف آید
 مبر سر زنان بگر کنند و مردان را بگر زن آموزد و
 زن بگر نرفت نماید که هرگز با و نظر کنند اگر سر کین بچ
 سیاه کاک را بر در خانه کسی بمالند و در آن خانه حضور پیدا
 شود آن جوان سگ سیاه را در میان طوفان جو و کنند
 در میان آسایش بانی افتد مور سر زن را با و کمال
 میان خدایان بپوشند در آب بکشد و در درخت
 بپزد و زن را آموزد و زن سیاه بکشد و بپزد
 که کمان را در دست و در ساعت میخ میان و کس بر کمان
 برزد از هم جدا شوند و در دم مار و سه درم مغز و

میخ و دودرم با دایم میخ و دایم دانده انکور بعت میخ
میخ و در دنیا کس در تنش نیند و رعایت از هم نفعت که میخ
دوگه بنوسید اینم و عمار را بکاغذ بنویسید و بکش که فایده
با در تنش اندر زور هم صبا شوند عالی علی عالی علی

علی علی علی علی علی علی اه اه اه اه اه اه اه اه

طو طو طو طو طو طو طو طو طو طو طو طو طو طو طو

اس اس اس اس اس اس اس اس اس اس اس اس اس اس

سر هیا بکنر ضعیف لاله لاله لاله لاله لاله لاله

له امر له بنویسید و در روز چهارشنبه در وقت طلوع آفتاب

دور زیرین خانه آتش می کشند و بوزن یک مثقال بنویسند

که نهم سقوی شوند ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱

ط ۱۲۲ ام اندک کوم ۱۲۲ ده ده ده ده ده ده ده ده

ب آب شسته بخورد پیر که خوله دهد و در دنیا این صدا آید

لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا

نوعه کبر نوشته در ریز من نمک دفن کند خوی را
 ولد الوح حج حج حج صفی صی المصطفی و
 فرقه ۲۵۲۵ نوعه کبر بنوید رکوعا نو بنام هر دو دور

اندازنو ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

و ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

بر بنای بنویس نوشته در آب ریوان اندازنو بنام هر دو دور

افند ۸۲ ۸۱ ۸۰ ۷۹ ۷۸ ۷۷ ۷۶ ۷۵ ۷۴ ۷۳ ۷۲ ۷۱ ۷۰ ۶۹ ۶۸ ۶۷ ۶۶ ۶۵ ۶۴ ۶۳ ۶۲ ۶۱ ۶۰ ۵۹ ۵۸ ۵۷ ۵۶ ۵۵ ۵۴ ۵۳ ۵۲ ۵۱ ۵۰ ۴۹ ۴۸ ۴۷ ۴۶ ۴۵ ۴۴ ۴۳ ۴۲ ۴۱ ۴۰ ۳۹ ۳۸ ۳۷ ۳۶ ۳۵ ۳۴ ۳۳ ۳۲ ۳۱ ۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
 اینج آید راست چهار به سه کرک یا حوت سن بخواند بر بکس
 ماله بنظره عمر مثل کرک و فرس نماید و القینا بنهم

و البغضاء الى يوم القيامة قال هذا فراق بنی هیک
 سانبند بناییل مالم تستطع علیه صبر دعا
 نوعه کبر بنوید اینج و بعد از کج غنود بایست بنوید

صحت آینه مدافعه مایه برین کشف نویسی پس ندانید بر
 اودون کور که بر کرده او بنویسند باست که کند

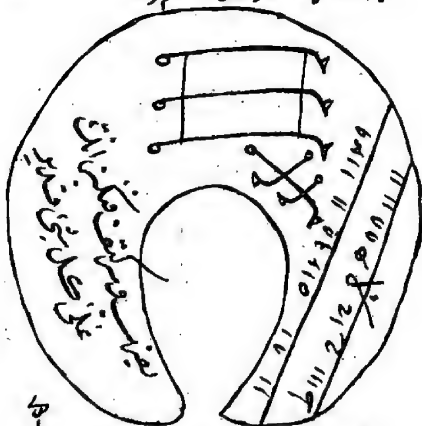
عالم	عالم	عالم	عالم
عالم	عالم	عالم	عالم
عالم	عالم	عالم	عالم
عالم	عالم	عالم	عالم

در مکانم الاطفاق ابر سقا

۱۲	۳	۳۳	۱۲
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۴	۹
۱	۱۲	۱۵	۴

از برای دفع آینه کم پرود
 اودون نقل که رست بهتر
 آنکه به ترست ورق
 بنویسند

هر که خواهد حاضر گشت ابرت



این آیه را بنویسد و در سجده و رکعت نماز کند

یا من حی الحق بکلمات و یقطع وابد له

قوم یا من یحول بین الموم و احبیه الیک همه

سبتن آفت از زرع و گشت ایمن و عمار بنو شد

کوسه زمین دفن نماید آفت سادر و رضی لذت میوه

بوزرند بسم الله الرحمن الرحيم

موی کلیم الہ میی روح الہ محمد ابن مسہد الہ
 در موعیدیکہ با شوم جمعہ در کمر بند و منی طفل
 در و جہاد در کردن طفل بند کی کہ خرم زند
 مینی او آید اند عار او بند و شفا یا بدین بن بست

ص ۳۰۳
 حصہ اول
 بزم یادگار
 در موعیدیکہ با شوم جمعہ در کمر بند و منی طفل
 در و جہاد در کردن طفل بند کی کہ خرم زند
 مینی او آید اند عار او بند و شفا یا بدین بن بست

رند و آب اورا در میان کس رفت بسم اللہ الرحمن
 اموزد بغزۃ امہ و بنور قدرة اللہ و محی
 نور قدرة اللہ بما جابد القدم و محی
 سموات و الارض و طہوا القلوب الحکم شہد اللہ
 اھیا شہادۃ اذونی اصباوت الخالق
 التباری سلام علی نوح فی العالمین اما کذلک
 منجونی الحنین بسم اللہ الرحمن الرحیم


بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

عبده ذكرا طه ما انزلنا عليك القرآن لتشتق
 جمعنى اللهم اغفر لنا جميعا وادعنا جميعا
 سنجا وب ربنا نعمة بما نصطفو وسلام على المرسلين
 والحمد لله رب العالمين برحمتك ارحم الراحمين
 برسر كهوان او بنذر صعد صعد ماما
 ما قصصه برحمتك ارحم الراحمين وما قدر الله
 قدره جميعا قصصه يوم القيمة واسموت طويلا
 يمينه سبحانه وتعالى عما يشركون ادعواكم تضرعا
 وحضيرة الله لا يحجب عن دينه
 الضمك بنوب وورطضل ما يوزد اركزيك شوق وخواص
 لبسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بك رب من غلبة الدين وقهر
 المعاصي اللهم الملك الحق لا اله الا هو رب العرش العظيم
 والعرش العظيم
 اللهم اعوذ بك من الفقر والافقر
 من الفقر والافقر

جهت ناخوشی و ترس و خوف و رخواب با مدار نبوی
و بر طهر بند مکسینینیا مشینینیا میلجادو
نوش و طونس و کسططیوش و قططیه شملینیا
ماشینیا هر نوش و میو نوش شا و نوش و نوش
کسططو قططیه بمم جهت دل دد بر آب گرم نواز
و بخورد یا نوشته که بنویسند یا الله یا الله یا الله
یا رب یا رب یا اله یا اله یا ملک الملک یا سید
السادات استغفر لی بقایک من کل داء و مستقیم
من عبدک و ابن عبدک انقلب فی قبضتک ان
فی ذلک الذکر لمن جان له قلب او اتقی السمع
شهادتک جوید نرسد و بنویسد و یا سید
بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الذی اسرعت لعیبه
سید من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی و اکثروا
لترید من آیاتنا انه هو السميع العليم جهت سرد

بنویسد و بگوید بر سر از جانبی که در میسره اللهم
 انك انت باله استحدثناه ولا رب مبدئ ذكره
 ولا معك شركاء، تفضلوا معك ولا كان ان تدعوه
 وتستغوث به وتضرع اليه ندعك ولا اعانك
 على خلقنا من احد فثبت فيك لا اله الا انت
 وحدك لا شريك لك عاف فلان ابن مفلح رحمه الله
 على محمد وآله الطاهرين ع ۱۱۹۹ ط ط حجت زینکده
 انور تداو که حامله نشود یا شود این آیه مبارکه را بنویسد و بر سر
 و بعد از غسل صحن مرو و زن هر روز بیست مرتبه بخواند
 حامد شمع و بماند فلما انقضت حملت حملا خفيا فموت
 به فلما اتت دعوات الله ربهما لن استنسا صالما
 لنكونن من الساكرين رب لا تزرنی فردا ولنت
 ضوا لوادئین  ایفا
 ۱۱۹۹ ط ط ح ۱۱

لبقاتك وداود بدوانك يا وعد يا ودود جهت
 دفع صرخه وخن بنوبه وريابوي ديوانه يا منصور مع سبند شفايه
 بسم الله الرحمن الرحيم ونفع في الشور مضيق من في السموات
 ومن في الارض الا ماشاء الله ثم نفع فيه اخرى فا
 ذاهم قيا من نظرون واشهدت الارض بيور رها ووض
 الكتاب وصي بالنبيين والشهداء وقضى بينهم بالحق
 وطم لا يظلمون وصادق محمد وآله المحبين جهت دزد
 طسم را در كف دست مطنون نوسيد كبريه كبريه در آيد اير
 اللهم صل على محمد وعلية
 زنه كبري كبري كبري بنوبه وريابوي ديوانه يا منصور مع سبند شفايه
 واذا استقر موسى لقومه فقلنا اضرب اعصابك
 الحجر فانجوت منه اثنتا عشره عينا قد علم ضل
 اناسي مشركين بنوبه وريابوي ديوانه يا منصور مع سبند شفايه
 محمد بن ابي طالب نوبه وريابوي ديوانه يا منصور مع سبند شفايه

حفظ شیرینی در وقت رکعت سوره و غسل در وقت
 کبره هذا لو کید القاصی کتبه هذا الرسول القاصی
 کتبه هذا الغلام القاصی مورچه بان سیرنی نزدیکی
 جد خنده کبر مشت کا که فردا ان عطشیه بیه در سوره
 نهان از دکان بریزد ریشاری خنده کی چری بخوند نوعد کبر
 زبل خرکوش را بچمن را اثر ریزد از حاضرن مجسم صور خالید
 که سبب خنده بسیار باشد هر که بوز این آیه شده باشد
 هر روز در دانه پیله کوبند و در نمشتا کنند و بجاید بوز این
 خوش کند و تشنگی نباشد صبت مثل میزد چار و ایمان
 بنویسد این خدایم در زیر زمین نهاد کشته و چار و اراد در سر او

۲۲۱۹۲	۵۱۱	تغایر است از
۵۰ ۱۱ ۱۱ ۹ ۹	۵۱۱	تغایر است از
۱۱ ۳۰ ۱۵ ۹ ۱۱ ۱۱ ۹ ۲	۵۱۱	تغایر است از

و نیکو کشته چار و اراد بازاید هذا لطف الله ط

توکلوا خدام هذه الاسماء اصبو سارق متاع

۱۱	۹۱	۱۴
۱۷	۱۵	۱۴
۱۴	۱۱	۱۵

بیکه در پیش در خند
نیز این دعا را بر سر
نیز به جاب قنایا و جاب
نیز به جاب قنایا و جاب

چله بریدن بیمار سر کند بر شرم مایه و چهار بار دعا
نخازد و هر بار یک کره بنزد این است **بسم الله الرحمن الرحيم**

سفا لك الله مکتابك لو کلت علیه تادون ما
و مکتوم خیرک العلی فی نظامک عندک ما کوام **بسم**

و مع الله یا محمد و آله اصحاب بهم جد زیر زمین و بالا زمین

فذلک این فذلک **صبت بر سر کوه و در جوب**

و بر در فیر کردن **انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحيم**

لا تعقلوا علی اتوفی مسلمین ولا حول ولا

قوة الا بالله العلی العظیم گو مر که دو غله

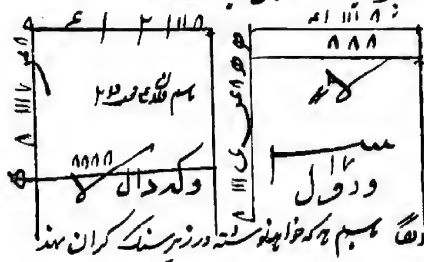
بزرگ و هر دعا در زمین غده نهان کند

[illegible]

چهارم در عجایب کتابت

که یک کلمه مرغ خاکه خام که نازده باشد و بر آن نوزده بار
 باب ذاق سیاه مکر بنویسد کم از چهارم است باز کند نوشته
 درست بر روی صندیه بپاشد که بعد از آن که او را حواس
 باشند هر چند دست بر او زنند محو شوند کتابت النار
 یعنی کتابت که در حرارت آتش طاهر شود و بر سر کند نه آن
 که در کاف و غایب نوشته در باثیر آینه بر او بنویسد که بعد
 نماید چون پیش آتش بر مذقعی سبز بداید و اگر آب برنج
 بر کاف و غایب نوشته در کاف و غایب نوشته در کاف و غایب
 بر آید و اگر بر کاف و غایب نوشته در کاف و غایب نوشته
 رنجه کریم سیاه و حق حروف با هم آینه در خاک
 کند هر سه صلابه بنه هم آینه در حفر کند هر مرغ که در آن
 کوبد و بهوش کشد و اگر خواهر که بهوش آید در زیر آینه
 بهوش آید باب در عقوبات حضرت

در عقد النوم نوع الاول بنوبه بیدار و زغنه در کاغذ مربع
 پس پنج آهمن در خانه کاغذی که در وسطه مسمی را او بند و کعبه خدا را
 بنیم خواب برادر چشم کاغذی که ۲۲ در وسطه مسمی را او بند و کعبه خدا را
 بعد شبانه روز خوابش بینه کعبه



۹	۶	۹	۱۱	ط	۱۹
۹	۶	۹	۱۱	ط	۱۹
۹	۶	۹	۱۱	ط	۱۹

۳	۷	لو	۶
۷	۲	ع	۹

انها در سبب چهارشنبه بعد از وفات بر سر قبر
 بر زبان باری رفته در هر یک بر کعبه و همین در را خوانند و در
 گاه شنبه بر سر هر کس که باشد مدبر کعبه و نجسینام
 انفاطاً و هم وقوف و نفلتینهم ذات الیمین

وَنَآتِ التَّيْمَالِ وَكَلْبُهُمْ بِاسِطٍ ذِرَاعُهُ بِالْوَسِيطِ
لَوْ اطَّلَعَتْ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتُ مِنْهُمْ قَرَارًا وَلَوْلَيْتُ مِنْهُمْ
رَعْبًا بِرَجْمِكَ يَا أَحْمَرَ الْأَحْمَرِ لَوَعْدُ كِبَرٍ مِنْ آيَةٍ رَا
بِكَ نَذَارِكُ نَبْلُ جَانِكُ بَعْدَ كَانِ غَدَرٍ رَسَدِ بِنَامِ هَرِ فَكَلِ
بِسْ أَمَقْدَرُ كَخَوَابِدُ كَرِهَ بِنَزْدِ هَرِ كَرِ كَسْبِ سَبْ كَهْ
حَذَوْهَ فَعَلَوْهَ ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلَوَهُ ثُمَّ فِي سَبِيلِهِ
ذُرْعُهُمَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْكُنُونَ أَرْضًا
بَارِعَةً لَذَائِجِهَا رَهْبٌ وَرُسْتِ أَيْمِ عَزَمَتِ رَا لَوَيْتِ
وَرَأَيْتُ أَفْئِدَةً نَاسَةً عَزَمَتِ ثُمَّ رَزَايَا ثُمَّ كَرِهَ وَبَعِيدِ
ضُفْلٍ مَسَاوِي كُوزِ نَامِ بِنَامِ هَرِ كَخَوَابِدِ خُورِ بَسْ سَبْ كَهْ
عَزَمَتِ عَلَيْكُمْ مَنَاصِفُهُ مَنَاقِدُهُ عَمْدُهُ هَذِهِ بَابُ بَيْتِ
أَهْلَاهُ أَهْلِيًّا شَرِيفِيًّا خَاصِدُ الْعُقَدِ النُّومِ الْوَصْحِ
وَالطَّبَعِ وَلِجَدَاوَتِ الشَّدِيدِ وَالْوَسْوَاسِ وَالْجَنَّةِ
وَالْبَيْتِ ٢٢ ص ٢٢٢ الْحَوَا اِدْبَاهُ أَهْلَاهُ أَهْلِيًّا

اَهْتَا اَهْتَا مَجْتِ سَدِيمَانِ ابْنِ دَاوُدَ بْنِ جَمْرَانَ مَجْدُ
 ابْنِ مَرْعَةَ وَهُوَ اِمَامِيًّا وَمَا عَمَهُ بَا نَا مَوْطِطُ الْوُ
 حُومَتِ تَمَّ فَضْلُ عَقْدِ الرِّجَالِ نَزَعَ اَوَّلُ
 بَرَابَرِ سِيَمِ سَيَاهِ مَعْتَابِ رَجَوَانْدِ وَهَفْتُ كَرِهَ نَبَزْدِ وَبِرَهِ كَرِهَ مَكْنَزِ
 وَهَرِ نَوْبِ نَشِ كَشْدِ وَكُورِدِ سَبْمِ وَكَزَرْدِ وَرُفْرَجِ ۲۵
 وَحَلَلْنَا مِنْ بِنِ اَيْدِ يَلِيمِ سَتَا وَخَلْفِهِ سَتَا
 فَاسْتَحْبَبْنَا هَمَّ هَمَّ لَانَصْرُونَ لَهَا هَمَّتْ بَرَابَرِ سَبْمِ
 كَرِهَتْ اَيْدِ دِمَارِ اَبْرُو خَوَانْدِ وَهَرِ كَرِهَتْ رَا كَرِهَتْ نَبَزْدِ قَتَلَا
 مَا الْكُفْرَةَ مِنْ نَيْحِ خَلْقِهِ مِنْ نَظْفَةِ خَلْقِهِ فَهَقْدُ
 تَمَّ الْبَيْتِلِ تَمَّ اَمَاتَهُ وَاقْبَهُ تَمَّ اِذَا سَاعَ الشَّرِّ
 كَلَّا لَمَّا اَقْبَضَ مَا اَمْرَهُ سَبْمِ وَكَزَرْدِ ۲۶ هَمَّتْ كَرِهَ نَبَزْدِ دَرِ سَبْمِ
 فَضْلُ صَنْدُوقِ نَبَزْدِ وَضَلَّ رَا يَبَزْدِ سَبْمِ كَشْدِ نَوْبِ كَرِهَ مَكْنَزِ
 بَارِ كَرِهَ نَزَعَ تَمَّ رُفْعِهِ حَلَاوِ وَهَفْتُ كَرِهَ نَبَزْدِ وَدَرِ كَرِهَ مَكْنَزِ
 وَهَفْتُ بَارِ قُلُ لَوَا لَهْ وَحَدَّ رَجَوَانْدِ نَامِ وَهَرِ كَرِهَ خَلْفِهِ كَرِهَ نَبَزْدِ كُورِدِ

بیستم ذکر هفتاد این قدر از کد فرج ۲۵ که بعد از این حرکت کنند و بیستم
 صد و شصت و شش رکعت و بعد چهار بار یا سبحان ۲۵ و فرج
 ۲۵ نگاه بطور از غیر گفته قدر هر رکعت رو بید و بکنند و سوره
 بر آن بخواند و آنرا اکل کند و گویند بیستم صد و شصت و شش رکعت با هر
 ۲۵ بر سر فرج ۲۵ الساعة الساعة الساعة الحمد
 الحمد الوحا م هفت بار یا بیستم سرخ یا سبز سبزه
 هفت نوبت سوره ثب را بخواند و در وقت خواندن که بزند
 بگویند ذکر قدر از در فرج ۲۵ در جایی باشد ۲۵
 این روزه صلا بر آن نهم هفت که بر او بزن و بر هر که که زند
 این طعم را بخواند و بگویند ذکر و شصت و عروق ۲۵ و فرج
 ۲۵ بحق خاتم سلیمان ابن داود یا صبیحا یا صبیحا
 صبیحاً ثم سقینا الارض سقاً فانبتنا فيها حباً
 ثم قصباً وقصباً وزینونا ونخله و حدائق غلبا
 و فاحه و یا فاحه سقوا ان طهره و یا

وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَفْسًا عَقْدَ سَهْوَتِ كِه

در هنگام کنج با بد خواند عقدت روحانیه

سَهْوَتِ ۲۴ عَلَى أَجْمَعِ النِّسَاءِ وَعَلَى ۲۵

وَإِخْدَتَهَا بِقُوَّةِ هَذِهِ الْأَدْوَا حِ الرُّوحَانِيَّةِ

بِعَقْدِ الْجِبَالِ الصَّلْبَةِ ۲۶ هَكَذَا يُؤْتَاهُ كَسْبًا كَرِيمًا

حَلَّتْ وَطَلَفَتْ عَنْ ۲۷ عَقْدَ السَّهْوَةِ الْمُعْقُو

لِقُوَّةِ الْأَدْوَا حِ الرُّوحَانِيَّةِ حَلِّ الْأُظْلَمَةِ ۲۸

این کلمات را همواره با بد خواند هم عقد البول

این شکل را بسم کنس که خواهد در میان پار کنند اودن

کند بسم بکشد ۱۵۵۳۳۳۳۳ یگا اگر خواهد

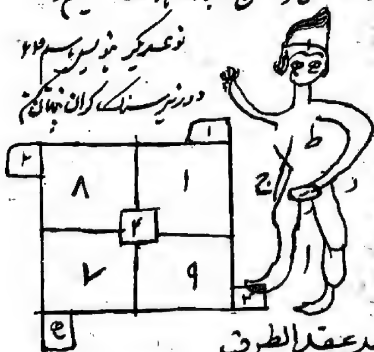
بول کی با بند ی با در دول برکی عارض هم دیگر صورت

بر زمین بر این طریق که الفریس او بر سینه او و ز اور

رست و هم در بهر حسب و الفریس را پای او و

در و چشم و را در ناف و ده مرتبه سورة واسیل را

بخواند هرگاه به لایحه الا سقر الذی نوبت و لولا
 سوزنی را در میان ناف نهشته سده که رشته فرو برد و
 ضایع در و دل و شش مندر و طی هر که ایست
 نوع دیگر مذکور است ۶۶
 در زیر سنگ کران نهان



وضد عقد الطرق

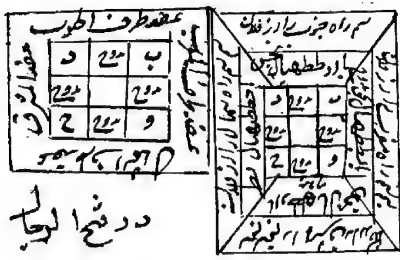
کبر دست روز را هر که آتش بر آید راه خواهر صفت و این را
 بدان نوبت با نام و کس و در چاه پس اندازد مادام که

دران چاه باشد آتش بر این سفر نمواند رفت قالوا امرو

إِنَّا لَنَنصِلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا أَهْبِ أَنْتَ وَرَبِّكَ

فَمَا تِلْكَ إِنَّا هَبْنَاهَا قَاعِدُونَ نوع دیگر

در بین کسی که پنج روزه اینم و مدیع را در میان کاغذ
 حید و نام کنی را در طرآن نویسد و زیر سکه گران



درفش الحیا

بر بهشت بابا اکبر نوشته بخود کت ده کرد سلا کلا
 علا سلید صی سس کس فداک این فدان
 نویدگر بنویسد و بگردن قلا کند و بنا افتد دستا
 و بن قومنا بالحق وانت صوا انا محقق بنو
 یا ارحم الراحمین نویدگر این آیات را بر کف دست
 نویسد که فاستغفر فاستوی علی سوره
 عجیب التذاع لیغفرکم هم الکفارة و بعد الله مسوا

وَعَمْرٍو الصَّالِحَاتِ مِنْهُرِ مَغْفُورَةً وَأَجْزَاؤُهُمْ
بِهَارِ عَدَدِ كَسْمِ مِغْجَكِ نَوَسِيدِ وَبِوَسْتِ اَوْرَاكِنِ هَرِ
بُزْدُكِ دِهْ كِهْ اَوْ فَوْنِ عَقِ وَبَطْرِ كَاكَا نَوَعِيُونِ
۱۴ قَدْ جِئْتُمْ بِهَ السَّحْرَانِ اَللّٰهُ سَيِّطِلُهُ اِنْ اَتَتْ
لَا يَصْلُحُ عَمَلُ الْمُفْسِدِينَ بِهَ اَمَّا سَيِّغُوا كَيْدَ
لَا يَفْجِ السَّاحِرُ صِ ۱۵ قَدْ قَدْ بِالْحَقِّ
مَنْبِدِ مَعْدَا فَاذَا هُوَ ذَا حَقِّ وَلَكُمُ الْوَيْلُ عَمَّا يَصِفُو
لَهُ سَهْ عَدَدِ كَسْمِ مِغْجَا اَبِي كَرْتِ وَبِوَسْتِ كَثِيْلُ
اَيَرَا كَسْمِ اَوَّلًا بِدِيْنُوْتُ حَقِّ اِذَا دَاكِبًا فِي السَّفِينَةِ
عَنْهَا ۱۶ اَوَّلُ مَرِ الدَّيْنِ كَفَرُوا اِنْ اَسْمُوْتُ
اَلْاَرْضُ فَتُفْتَقِنَا هُمْ وَحَدَبْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ اَمْلَا
لَوْ يَصْنُونَ مِ فَا سَتَغْلُطُ فَا سَتَوِي عَلَى سَوَاقِهِ
لَهْ بِنْدَانِ كَيْ كُوْبُوْ وَخُجْرِيَهْ نِيَادِ لَهْ كَارُوْغَمِ كَرَاكَا وَرُوْرِيَهْ
مَالِدِ مَرْدُوْدِ اَلْهَرَمِ رَا بَرْمَانِ حَسْبِيَهْ مَرْدُوْدِ رَزِيَهْ

الحالک صغ

۱۳۷	۲۹۹	۲۹۱	۱۳۱
۲۹۱	۶۶۶	قوله	۲۹۹
۲۹۹	من	۱۳۷	۲۹۱
۲۹۹	۱۳۷	۱۳۱	۲۹۲

دگر خواجه که راز محبت
خود مقرر کند که هر چه بگوید
در سخن تو سپردن رخصه
ایمن نامه را بنویس بگذار

است و فن کن بهم کمر و استش بان رسد زبانش در حق
توبه بکف و در ز قول تو سپردن رخصه اسم عدد ۲۶۶۶

بسم ابد بسم واحون وحنون لبس الویسو
وامیت وانا سی توی سیر لیسو سید

المجد العبد العبد الساعه الساعه الساعه الساعه

الوفا الوفا الوفا بسم مطهر نوشته در زیر آن

کند و دبا و سخن گوید زبان او بسته بکف هر چه بگوید

قبول کند و ت م ت ل م ت د ب ل م ت

و ع د ل ا م ل ل ا ن ب و ل ل ل م ا ت

وَجْهِهِ وَالسَّامِ عَالِ عَالِي مِوَانِ
 وَمِنْ لَنْ عَالِي مِوَانِ دَر مَوْجِ دِوَا خُودِ
 هَمِ زَبَانِ نَذِيرِ كَلَمِ اَوْ سَبْتِ مَكَلَمِ اَمَا بِدِ بَا كِتِ يَسْتِ
 وَبِالْهَرِ رَنْ بِهْ كَسَمِ اَللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا بَرَاءَةٌ
 مِنْ اَللهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِمَا دَامَ مِنْ شَرِّ السَّنِ
 جَمِيعِ النَّاسِ وَفَوَاطِهِمْ عَامَهُ وَمِنْ شَرِّ لُشَانَ
 ۶۶ خَاصَّةً كَلِمَةً يَذْكُورُهُ وَلَا تَكُونُ لِقَوْلِ الْكَافِرِ
 فِي كُلِّ وَقْتٍ لِقَوْلِ الْعِلْمِ سَلَامُ
 وَصَعْبًا مِنْ بَنِ اِدِلْهِمْ سَدًا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًا
 مَا تَنْبِيْهِهُمْ وَفِيمَ لَا يَنْصَرِفُونَ حَسْبِيَ اَللهُ نَعْمَ الْكَوْفِ
 نَعْمَ الْمَوْلَى وَنَعْمَ النَّصِيرُ هَذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُونَ
 وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَسْئَلُونَ مَنْ يَمُوتُ مِنْهُمْ عَنْ
 شَيْءٍ يَرِيعُونَ مَنْ يَمُوتُ مِنْهُمْ لَا يَنْتَكِلُونَ مِنْهُمْ شَيْءٌ
 لَا يَلْبَسُونَ وَصَعْبًا مِنْ بَنِ اِدِلْهِمْ سَدًا وَمِنْ

ومن خلفهم شد فاعلمناهم فهم لا يصرون وحق
 اسم الامم الاكبر وكمالات الله التامات وحق
 نودية موسى والنجدي عيسى ونبوداود وحق قوتا
 محمد بن زبان وکام دشمنان وظهر وجود وعمار
 ودر بیان صاحب این دی ۲۰۲ حق ادم ۲۰۲ حق نوح
 وادریس و نوح و موسی و عیسی و ابراهیم و یوسف و السبع
 و ذی الکفل و حق سب ۴۰ هزار رنفر مرسل بنم
 دشمن صاحب این دعوات حق لا اله الا الله محمد
 رسول الله علیا ولی الله احمد المجدل ۴۰۰۰۰
 طوفه العین باذن الله تعالی حق ی ال الهی
 ۲۰۲ دی الی بن زبان صاحب بیان دشمنان
 وظهر در حق دارنده دعا ۲۰۲ حق هم کلم حق
 لا یحکمون ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی
 البصائر هم غشاة ط ۱۱۱۱ ۱۱۲۸ ۱۱۲۸ ۲۸۸

نزد یک باشند و شنبه جزو شنبه در رسد و شنبه هزار تا
 صاحب خانه را فرزند دهد چهارشنبه و شنبه چهارشنبه در این
 زن و شوهر هر یک یکشنبه رحمت نزد یک بگویند و هر یک
 چه در این روزها یکشنبه و شنبه در و پیش روزگار خوشتر
 حضرت رسول ۱۲ معقول است محسوم باز دهم چهار دهم است دوم
 صفو یکم بیستم دهم و پنج الا دهم چهارم یکم و پنج الا
 بیست و یکم دهم بیستم چهارم الا دهم دهم باز دهم چهارم دهم
 دهم چهارم چهارم دهم و پنج الا دهم دهم و پنج الا دهم
 دهم بیستم بیستم سوال بیستم بیستم و بیستم و بیستم
 دهم بیستم بیستم و بیستم بیستم بیستم بیستم و بیستم
 تر شنبه شنبه و شنبه و شنبه و شنبه و شنبه و شنبه و شنبه و شنبه
 شنبه و شنبه و شنبه و شنبه و شنبه و شنبه و شنبه و شنبه
 چه از روزگار ایستاد باید و احکام او از کوشش کوشش
 در است و در شنبه پیش از نماز روزگار باید و احکام او از کوشش کوشش

یکشنبه پیش از نماز وضو است بعد از نماز وضو در شنبه
 پیش از نماز زیارتی است بعد از نماز تراغ و شنبه روز
 پیش از نماز زیارتی مال بود بعد از نماز نحر است روز چهار
 پیش از نماز ضرور و روع بعد از نماز زیارتی است شنبه روز
 نماز زیارتی اولاد بعد از نماز در مسکنه فایم الله و بعد از جمعه
 نماز نیت فراوان از برای اهل بیله بدید پدایه بعد از نماز و روع
 باشد کوشش چپ شنبه پیش از نماز ضرور و روع بعد از نماز
 یکشنبه پیش از نماز ایمنی بعد از نماز شوی و شنبه پیش از نماز
 ضرور و روع بعد از نماز زیارتی مال شنبه پیش از نماز ضرور و روع
 بعد از نماز وضو و شنبه چهارشنبه پیش از نماز ایمنی بعد از نماز
 زیارتی است شنبه پیش از نماز ضرور و روع بعد از نماز شوی حجه
 پیش از نماز رخصت است بعد از نماز رخصت باید در صحرای
 فصل است که در هفته هر روزی از برای کار یک است
 طلب حاجت کرد و شنبه که در و شنبه است دعا

بروز چیده شود و بعد از آن مناسب باشد و وقت نماز
 بگذرد و در وقت شب که در وقت زهد و صبر است
 به کشیدن با کن زانکه در وقت شب که در وقت زهد و صبر است
 به کشیدن سفر کردن و کشیدن سفر کردن و کشیدن سفر کردن
 اگر خلع می بخت و کشیدن که با عیش و بازی کار است و کشیدن
 اگر در روز و خور و در کشیدن که با عیش و بازی کار است و کشیدن
 آنچه در مغرب است و کشیدن که با عیش و بازی کار است و کشیدن
 روز مرقی و کشیدن و کشیدن و کشیدن و کشیدن و کشیدن
 روز کشیدن چهار کشیدن و کشیدن و کشیدن و کشیدن و کشیدن
 روز کشیدن در بیدار و کشیدن و کشیدن و کشیدن و کشیدن و کشیدن

صفت احوال چهار
 اگر خواهر بداند که چهار به چهار است اسم چهار با یک که چهار است
 و است معبر بر آن بنفراید و بعد و هفت نوزبان زبانه
 مثل چهار روز کشیدن و کشیدن و کشیدن و کشیدن و کشیدن

همچنین در وجهی که ششانی شدی سی طرح نماید آنچه باشد
مانند در هر صورتی نگاه کند

لوح حیات			لوح ۲۴		
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰

نموده میگردانند و این که چهار بار به ششانی نام آورده و کسب میگردانند
بشماره آنچه از ایام بهشت که ششانی و ایام شمار برادر در
خواهد بود و او را بدو به سه طرح کند و در هر دو معلوم بهشت ایام آن
نیز به این طریق حساب کن در روزی که رفته است و در ایام بهشت حساب

۱	۷	۷	۵	۹	۴	۶	۸
۱۱	۱۷	۱۴	۱۵	۲۴	۱۱	۱۲	۱۸
۱۹	۲۱	۲۸	۲۹	۳۰	۳	۲۵	۲۴
چهار بار به ششانی نام آورده	۲۹	التمس کرد و به ششانی میباشد	۳	به ششانی نام آورده	به ششانی نام آورده	به ششانی نام آورده	به ششانی نام آورده

ایضا در معرفت احوال نریض و غائب

و این چهار باب را در جدول
در این جدول مذکور

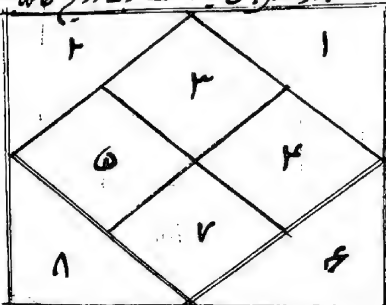
نام چهار باب را بحسب الیحد کبیر معلوم کنند و این را
که در ماه و سمر که نشسته باشند بدو افزایند و سی طرح نمایند و بنا
در جدول طلب نمایند اگر سمر و جمعه چهار سمر و سی باشد
و اگر سمر هر طبع چهار صحت باشد و غائب هر اصعب نماید

۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰

ایضا در این احوال نریض و غائب
و در این معرفت نخست نریض احوال و در زمان سمر

r	q	r
r	o	v
n	i	f

اندرش و چارغاب ای کاه در صف و دست از دکن کلاه
اندک و پنج و نه و شصت و بی در ششم و در سیم کعبه و اول
صد که هرگز از پیش آید از پشت بر که از من خانه اند



۱۷ مدینه روز به شنبه رسید بکات در روز ۱۸ از خجند
در صبح ۱۹ شفا یاب ۲۰ خجند خجند ۲۱ بدلم
چکیت در روز ۲۲ خجند خجند ۲۳ خجند
روز به شنبه ۲۴ بناب بدلم خجند کتبه ۲۵ بدلم
۲۶ بروی خجند در صبح ۲۷ بدلم خجند در صبح
۲۸ مدینه روز به شنبه ۲۹ خجند ۳۰ بدلم خجند
در احوال پارکیب ایام مصلحه نام چهار روز
کباب اکبر کبر حساب کن و سه سه طرح کن و سه
که هر روز چهارشنبه است اگر روز به شنبه چهارشنبه
اگر یک مانده به شنبه و اگر دو مانده چهارشنبه بطل کند و اگر سه
مهر و اگر روز به شنبه چهارشنبه است اگر دو مانده به شنبه
و اگر سه مانده چهارشنبه بطل کند و اگر یک مانده به شنبه و اگر
روز به شنبه چهارشنبه است و اگر سه مانده به شنبه و اگر دو
مهر و اگر یک مانده به شنبه و اگر سه مانده به شنبه و اگر دو

چهارسده است اگر یک باشد به شش اگر دو باشد چهارست
 و در صد کند اگر سه باشد بمقدور اگر در هر جمعی باشد به شش
 اگر سه باشد چهارست بطول کند اگر دو باشد به شش اگر یک باشد
 بمقدور و اگر در هر جمعی چهارسده اگر سه باشد به شش اگر دو باشد
 بمقدور و اگر یک باشد چهارست بطول کند و اگر در هر جمعی
 شده اگر سه باشد بمقدور و اگر دو باشد چهارست بطول کند و اگر
 بمقدور باشد به شش و الله اعلم اگر در هر جمعی احوال معلوم
 و در هر جمعی است و در یک روز می خواند و بعد از آن در هر جمعی
 در هر جمعی است و در هر جمعی است و در هر جمعی است

۶	۷	۴
۱	۵	۹
۸	۳	۲

در هر جمعی است و در هر جمعی است و در هر جمعی است و در هر جمعی است و در هر جمعی است و در هر جمعی است و در هر جمعی است و در هر جمعی است و در هر جمعی است و در هر جمعی است

در احکام فرد در عقب حد ۱۷
 نصف روز ۱۸ نور ۱۳ ۱۴ ۱۵ حوا ۱۶
 ۱۲ سرطان ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸
 سب ۲۹ ۳۰ نصف روز حد ۳۱ میزان ۳۲
 ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰
 نصف روز حد ۵۱ جد ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰
 ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

حایق طه

از حضرت امیر ۳ دوست که هر کدام می آید و خواهد
 که چشمتان بکنند و بداند با بر روز در اسفند و در سن
 و سه طه بکنند و نه شود با بر طریقی که سطر اول
 لذ دوم و ویم در ششم سبتر باشد با بر طریقی

با بر طریقی

اگر یک نماید عشق بر چهره دارد امر مکتوب و بمرد و
 و اگر دو نماید عشق بر چهره دارد و بمرد و از آن منت بر گردد
 و اگر سه نماید عشق بر چهره دارد و قطع نظر کند و مطلق
 شود و نه و اگر چهار نماید عشق بر چهره دارد و مراد یابد
 و اگر پنج نماید عشق بر چهره دارد آن کار ساخته شود و اگر شش نماید
 بعمر عشق دارد و در چهار روز ساخته شود و اگر هفت نماید
 بعطارد عشق دارد و مراد شش بهبل و جی مراد و اگر هشت
 نماید بدین عشق دارد و در آن همه رنج یابد و اگر نُه
 داد و پس نیک به جهات

چون کی کار و مهر باشد و مراد باشد این سکه را در شش
 هفت و نه و چشم بر هم نهند و آن قصه کنند بر یک ازین
 خانه نهند و اگر انگشت بر خانه سر خیز آید در آن
 کار شده و مع کند و اگر بخانه نرسد هر آید و نگذارد کار
 کند که بسیار بر بست بر آورده و از مهر

سوره ۱	سوره ۲۲	سوره ۳۴	سوره ۳	سوره ۳۵	سوره ۴
سوره ۳۵	سوره ۱	سوره ۳۷	سوره ۲۸	سوره ۱۱	سوره ۷
سوره ۴۰	سوره ۲۴	سوره ۱۵	سوره ۳۳	سوره ۱۴	سوره ۲۳
سوره ۱۹	سوره ۱۶	سوره ۲۱	سوره ۲۲	سوره ۱۸	سوره ۱۴
سوره ۱۵	سوره ۲۰	سوره ۱۲	سوره ۹	سوره ۲۹	سوره ۲۰
سوره ۳۱	سوره ۴	سوره ۲	سوره ۲۳	سوره ۵	سوره ۳۲

توضیحات در باب اول

نیز گفته شد

نزد در باب اولت بگفت
 که بگرفت بر این مارا
 اولدور ی غار زمین
 و رجابت کنن نومه را نو
 نایج در زیر بار خویش منه
 کفش در زیر سه نو بار منه

برخ آئینه نوبه دم
 که سحر مهر تو بد بکام
 آئینه به بند و بست
 بنشین و پیش شورت
 سر به کشتن تو خواب بزم
 اخ نقشه اردو را بکرم
 شب در آئینه در خویش بین
 سیر پارچه سبب نشین
 کمر ز یکجه میان وزن
 شاه زن بر پیش خویش
 پای بر ریزه فلم نشینی
 خاک روبرو به بخانه جان نهی
 کنی کار با بعت
 مخبر بر رخ کداحه دو شب
 عورت خفه بر دمان
 شبحه باز خام حوز
 روز بد رخت نو پیش و مهر
 بد کن چون که ملک نتوا
 ملک و بد را نوعا غبت دل
 تو غم غنیت و دروغ
 هر حوز را از بعضی کند شوی
 بر سر بار آینه و مشاش
 سر خور آینه شنبه تو تر شتر
 چهار شنبه مکر تو ناخ
 روز نو از بهمت و رگم
 روز آینه نیز نو را مکن
 دولت از یادیت سحر خضه
 روز نو از بهمت و رگم
 دولت از یادیت سحر خضه
 روز نو از بهمت و رگم
 دولت از یادیت سحر خضه

ہج کنت چہ پنہاز نیست با کھدم خدا را باز نیست

ممت نے لوم انہیں نے عسرا

فیضانِ نبویہ میں شہزادہ سحر من سندھ نامن

وَعَمَّا سَأَلَهُ عَنْ

١٠٠ مائة المائة

[illegible]

سید احمد علی خان

برای این که بتواند در این راه موفق شود، باید به این نکته توجه کند که این راه، راهی است که نیازمند صبر و استقامت است. باید به این نکته توجه کند که این راه، راهی است که نیازمند صبر و استقامت است.

بسم الله الرحمن الرحيم

کتابخانه

چرا اسامی ما را

دانشگاه تهران

عبدالمجید

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحقان به دولت و ملت

سید

والله اعلم

بسم الله الرحمن الرحيم

لوح حیات

ایک	دو	سه
مفت	پانزده	سیزده
چهارم ده	بیست	بیست دو
نوزده	پانزده	هفده
بیست هشت	بیست شش	بیست سه
یكهارم	لوح حیات	پنج
هشت	نه	ده
شانزده	هجده	دوازده
بیست هفت	بیست پنج	بیست نه

شرح دعای امّ الصّیّان

که ز وزیر حضرت رسول^{صلی الله علیه و آله} در مسجد نشسته بود که ناگاه
شخصی مہینگی نزد او آمد و سلام کرد حضرت
جواب باز حضرت پرسید که تو کستی گفت من از شما
امّ حضرت رسول فرمید که تو دروغ میگوئی دیوی
با پیر در این سخن بودند که چه بیک بیامد و سلام
کرد گفت یا رسول الله درود و سلام حق تعالی
بر شما باد بعد از درود و سلام بفرماید که این
شخصی عجیب است از او سؤال کنی که قدرت
حق تعالی^{تعالی} بی حضرت رسول فرمید که نام تو
کست امّ الصّیّان و مقام من نزدیک تو در
کان و زمانست که زانیده باشی و که دکان را
مغلول میگویم و زنان آنجا را مرا آرام و حسته
کنم و در آنکجی و در درود در

و مرضهای عجیب و فریب با بین دهم و هیچکس دوی
 اثر نداشت و علتها بر آنجا نماند و هرگز نه اها عطار این را
 بزرگ کنم چنانکه گویند این چارواست و کسی نداند که این
 چیست و دیگر زمان را ببریم و دل این را به برم جبریم
 این را هرگاه شود و دیگر فضل و علما را و سوسه کنم تا بخت
 و ضرر و غل گشتند در است نبوده باشد و دیگر چشم
 ایشان مشبه بر سر و در طفلان این را نم تا بچنانا
 بپشتند و گویند که ما فقط شد انفعول می باشد و دیگر بر سر
 را بهما و کمر کار عظیم ممکن کنیم و دیگر در خانه از راه
 می برم و در دریا این را غرق کنم و دیگر در میان و دره
 و کوهها مقام کنیم و مردم را غلط اندازد و بی
 سازم و این کار را تمام در دست من باشد و بسیار
 کار را از راه به برم و از غار دور کنم و بقیض اندازم
 حضرت رسول فرمود که یا علی این را بقتل بران جبریل
 عرض کرد

جبریل عرض کرد که یا رسول الله حقت مدام میرسد
 که ما اولاً بجهت کار فریدیم گفتی اورا و انیت
 از رسول کن که دفع او بجهت تو آن که دبی حضرت رسول
 اولاً نزد یک خلق طلید و فرمود که بان فرایم که مرا
 سنی بخلف فرستاده است ضربه که اگر امت می باشد
 تو گرفتار شوند دفع او بجهت تو آن که دام الصبان
 گفت بحقیق آن خداوند که در برابر این بخلف فرستاده
 است که هر کس این به کل با خدا صی در است با
 نگاه دارد اگر نتواند و اندازد من این کرد و در
 دارند این شکل از شد و در و در و در و در و در
 و مقتاد و ملت این به شد و بهیج با اینی که فرستاده
 و دارند این و عا در آب عرق شده و در انش
 سوز و در جمیع و شمس مظهر و منور کرد دبی حضرت
 رسول ان را به جبرائیل و میکائیل که در هر دو میگفت

رقم بگرد و این دعا میان امت منتشر شد

رقم بگرد و این دعا میان امت منتشر شد
الْعَلَامَاتُ لِلْبَيْتِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْإِلَهِ اللَّهُ وَهَذَا
كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَمِنْ
نَفْسِ خَاتَمِ السُّلْطَانِ ابْنِ دَاوُدَ وَ
عَلَيْهَا السَّلَامُ وَهُوَ مَلِكُ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ
وَالنَّبَاتِ طِبْنِ وَكُلِّ بَنَاءٍ وَغَوَّيْ
وَالْإِلَهِ جَمِيعُ مَا فِي الْأَرْضِ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى
وَعَزَّ وَجَلَّ وَيَا ذِيهِ كَانَ يَكُونُ لَهَا حَبْ
هَذَا الْكِتَابِ وَمِنْ أَنْزِلَ وَالنَّوْجِ
وَالْعَدْلَ وَأَنْزَلَ الْعِلْمَ وَالْعَدْلَ وَأَنْزَلَ
أُمَّ الْقَيْمَانِ وَمِنْ الدَّهْشِ وَالْأَبْوَشِ
وَالْأَهْوَشِ وَجَمِيعِ الْأَرْوَاحِ الْحَيَّةِ
لِحَيَّةِ الْحَيَّةِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكُمْ بِأَمْعَانِ

وَالْأَرْوَاحُ أَنْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ أَرْوَاحٍ إِلَهُو
دَيْدٍ فَإِنِّي عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِرَبِّكُمْ وَبَيْنَكُمْ
سَيِّدًا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكِتَابُكُمْ التَّوْرَةَ فَتَبَارَكَ
اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ وَأَنْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ
مِنْ أَرْوَاحٍ النَّصْرَانِيَّةِ فَإِنِّي عَزَمْتُ
عَلَيْكُمْ وَبِرَبِّكُمْ وَبَيْنَكُمْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَكِتَابُكُمْ الْإِنْجِيلَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ
أَحْفَظُ الْخَالِقِينَ وَأَنْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ
أَرْوَاحِ الْيَهُودِيَّةِ فَإِنِّي عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ
بِرَبِّكُمْ وَبَيْنَكُمْ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكِتَابُكُمْ الزَّبُورَ
فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَإِنْ
إِنْ كُنْتُمْ مِنْ أَرْوَاحِ الْمُسْلِمِينَ وَالنَّبِيِّينَ
فَإِنِّي عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِرَبِّكُمْ هُوَ اللَّهُ
وَإِحْدُ الْفَهَامِ وَبَيْنَكُمْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَسَلَّمْ وَلِغَايِبِكُمُ الْقُرْآنُ الْعَظِيمُ وَمُعْظَمَتُهُ
 وَقُرَيْشُهُ وَمِصْرُ الْعَظِيمِ الْقُرْآنُ الْكَلَامُ
 إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا
 وَاحِدًا أَحَدًا وَمَلَكًا فَادِرًا فَاهِرًا وَ
 مَلِكًا عَزِيزًا يَمِينًا مُبْتَدِرًا لَا إِلَهَ
 إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ
 الظَّالِمِينَ فَأَسْتَغْنِيكَ وَأَسْتَغْنِيكَ وَأَسْتَغْنِيكَ
 وَكَذَلِكَ سَجَى لِلْمُؤْمِنِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ الْعَلِيُّ الْمُعْنَى الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْكَبِيرُ
 الْعَلِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْحَنَّانُ الْمُنَّانُ إِلَّا
 حُدَّ الْقَصْدُ الْوَاحِدُ الْقَهَّادُ يَا
 مُنْقِذُ الْفَرْدِ الْمُعْزِ الْكَوْنِ الَّذِي
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
 وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا شَيْءٌ

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي
السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي
يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ
أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ
شَيْئًا مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ
كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ
حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْعَظِيمُ ۝ صَوَّ الْجَبَابِرِ الْقَدِيمِ وَالشَّاهِدِ
الْعَلِيمِ وَالْقَهَّارِ الْقَوِي الْعَظِيمِ
شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَالرُّسُلُ
الْعَلِيمُ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

التَّوَكُّلُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ
 خَتَمْتُ بِهِدَى التَّوَكُّلِ لِسَمِ اللَّهِ
 الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الْعَالِيِّ الْمُتَعَالِي تَعَالَى
 اللَّهُ عَنْهَا يَمُفُونَ وَيَأْتِي مُحَمَّدٌ ﷺ
 وَالْهَ وَكَسَمَ كَسِيلًا كَفِيًّا كَثِيرًا ذَكَرَ وَبِالْهَمِ
 مَنْ خَلَقَ عَلَيْهِ هَذَا صَفِيرًا وَكَثِيرًا ذَكَرَ
 وَأَشْبَهَ حَرًّا وَعَبْدًا وَبِحَقِّ اللَّهِ تَعَالَى
 وَبِحَقِّ خَاتِمِ سُلَيْمَانِ ابْنِ دَاوُدَ وَعَلَيْهِمُ
 وَبِحَقِّ خَاتِمِ أَصْفُ ابْنِ بُرْخِيَا وَبِخَاتِمِ
 مُشْعَبِ النَّبِيِّ وَبِخَاتِمِ بَحْيَا وَبِخَاتِمِ يَتِيمٍ
 وَدُكْرِيَا إِنَّا نَبَشِّرُكَ بِعِلَامِ الْمُهْدِ
 بَحْيَا لَمْ يُجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا وَبِخَاتِمِ
 مُوسَى ابْنِ هَارَانَ وَبِخَاتِمِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ
 وَبِخَاتِمِ مُحَمَّدٍ وَبِحَقِّ مَا تَكُونُوا أَرْبَعُ نَشْرَةٍ

سُورَةُ وَائِي

سُورَةٌ وَأَيَّةٌ وَحُرُوفًا وَكَلِمَةً وَأَمْرًا وَ
تَهْمًا وَنَاسِيخًا وَهُوَ صُسُوحًا مِّنَ الْقُرْ
بِآدِ الْحَلَالِ وَالْكَاسِمِ وَالْجَمَالِ وَآ
لِيَهَاءِ أَخْفِظْ عَبْدُكَ وَفِي عَبْدِكَ
مِنْ هَذِهِ الْآيَةِ الْقُصْبِ وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ
وَمِنْ شَرِّهِ وَمِنْ كُلِّ آفَاتِ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَمِنْ جَبَلِهَا وَسَهْلِهَا
وَحَرَّتِهَا وَعُمُرِهَا يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِ
يَا حَاسِرَ الْمُسْجِنِ يَا دَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ
يَا دَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ وَيَا مُرَبِّعَهُ الْمَلَائِكَةِ
لِمُسْلِمِينَ وَبِحَقِّكَ إِنَّكَ مِنْ سُبُلِهَا وَآلِكَ
لِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَحْمِلُ إِلَّا تَعَالَى
وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ يَا إِلَهَ الْإِلَهِ
نَتَّ سَلَامَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْغَالِبِينَ

يَا إِلَهَ إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الدَّيَّانُ لِيَوْمِ
الْقِيَامِ يَا إِلَهَ الْوَلِيِّينَ وَالْآخِرِينَ بِحَقِّ
السَّعْيِ نَسُجُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ
إِلَهَ الْعَالَمِينَ بِحَقِّ كَهْلِهِمْ
حَمْدُكَ وَطَهْرُكَ وَلَيْسَ وَفَوْقَ وَفَوْقَ
إِلَّا الْوَاحِدُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ الَّذِي
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
كَفْوٌ أَحَدٌ بِسْمِ الَّذِي لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَانَتْهُمْ يَوْمَ
يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَسُوا إِلَّا عَنِيَّةً أَوْ ضُجْجَةً
كَانَتْهُمْ يَوْمَ بَرَوْنَهَا مَاعْدُونَ لَمْ
يَلْبَسُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ بِلَاحٍ فَهَلْ
يَهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ يَا
مُخْلِصِي عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ خَلِّصْ مِنْ عَذَابِ
عَلَيْهِ هَذَا

عَلَيْهِ هَذَا الْكِتَابُ بِسْمِ اللَّهِ وَبِأَمْرِ اللَّهِ
 وَمِنْ اللَّهِ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ
 مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَإِذَا
 نَاقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ فَرَسَ
 لَوْ لَمْ تَشْفَقْ عَلَى السَّمَاءِ بِالْهَمَاءِ وَنَزَلَ
 الْمَلَائِكَةُ نَازِلًا لِلْمَلِكِ يُومِنُونَ
 الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ إِنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ
 شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا
 حَبًّا وَعَبَا وَغَضَبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَ
 حَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مِمَّا
 عَمَّا لَكُمْ وَلَا تَعْمَلِكُمْ فَاذَا جَاءَتْ
 الصَّاعَتُ لَبِسْمِ اللَّهِ إِلَى تَحْتِ الْأَرْضِ
 إِنَّا نَحْنُ لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيُفْلَسَ لَكَ
 مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ

وَبِسْمِ نِعْمَتِهِ عَلَيْكَ وَيَمْدُكَ بِوَاطِئِهَا
وَبِشْصَرِكَ اللَّهُ تَصْرًا غَيْرَ رَأٍ أَوَّلٍ
بِرُّ النَّبِيِّ كَفَرُوا إِنَّ السَّمَوَاتِ وَلَا
رَضَى كَانَتْ أَرْثَقًا وَفَقْنَا هُمَا وَجَعَلْنَا
مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا السَّمَاءُ
عُاشِقَتْ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ
وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَأَلْقَتْ مَا
فِيهَا وَتَخَلَّتْ وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ
وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي
نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ
فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَبِهِ يَسْمُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

كُلَّ حَائِبَةٍ فِي الشَّجَرِ وَالْمَرِّ وَالْبَرِّ وَالْبَحْرِ
 أَعْمَى أَوْ عَرِيٍّ أَوْ فَصَحٍّ أَوْ ثَائِمًا أَوْ قَاعِدًا
 أَوْ ثَائِمًا أَوْ نَفْصَانًا صَاحِبَ الصَّابِ
 أَوْ سَاكِنَ الظُّلُمَاتِ بَلَّغَ مَا بَلَغَ الْمُبْلَغُ
 خَطَانًا وَجَعَلَ بِهَا وَثَقُلَهَا أَعْيَدُ بِذَلِكَ
 مَنْ عَلَنَ عَلَيْهِ كَيْفَانِي هَذَا أَهْوَى وَخَطِي
 صَبْتُ كَانَ وَصَبْتُ مَا كَانَ أَوْ كَانَتْ
 مَا كَانَ وَاللَّهُ يُعْزِزُهُ وَاللَّهُ وَلِيُّهُ
 وَحَافِظُهُ وَحَارِثُهُ وَغَافِيهِ حَائِبُهُ
 مُحِبُّ أَوْ نَفْصِي أَوْ مَرِّ أَوْ ثَائِمًا شَامًا لِلَّهِ
 لَا تَوْفَى إِلَّا بِمَا شَاءَ اللَّهُ الْعَظِيمُ بِأَمْرِ اللَّهِ
 فَخَسَّ قَبْلَ اللَّهِ حَمْنٌ وَأَعْيَدُ بِاللَّهِ
 الْآخِرُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ لَهُ
 بِكُنْهٍ كَفَوًا أَحَدٌ وَأَعُوذُ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

مَنْ سَرَّ

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَائِبِي إِذَا
 وَجَبَ وَمِنْ شَرِّ نَفَاسَاتٍ فِيهَا لَعْنٌ وَمِنْ شَرِّ
 حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وَأَعْيُذُ بِرَبِّ النَّاسِ
 وَمِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي
 يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ
 الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اللَّهُمَّ حَقِّ هَذَا الْقُرْآنِ
 الْعَظِيمِ حَقِّي مُحَمَّدٍ وَعَبْدِكَ وَرَسُولِ
 لِكَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ عِنْدَكَ وَصَدِيقِي
 وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَأَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ
 وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا دَائِمُ الْأَبَدِ الْخَيْرَ
 أَبَدَ عَدَدِ مَنْ فِيهِ يَلِدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ
 وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ لَفْوَ أَحَدٌ يَا
 اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ

يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ
يَا مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ يَا قُدُّوسُ
يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيَّمُ يَا غَرِيْبُ
يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ بِقُضَايَاكَ يَا رَحْمَنُ
الْوَحْدَانِ اللَّهُمَّ احْفَظْ حَامِلِي هَذَا
الْمُهَيْكَلِ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَالْمَرَضِ وَالْعِلَلِ
وَالْجُنُونِ وَالْوَسْوَاسَةِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ
وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ آفَاتِ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ بِحَقِّ آيَاتِكَ الْعَظِيمَةِ وَمِنْ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
أَعَدُّ لَهُ الْهَاءُ وَاحِدٌ مَدٌّ فَرْدٌ وَرَّاحِبٌ
فَوْمًا دَائِمًا أَبَدٌ بِيَدِكَ الْخَيْرُ وَ
هُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِحَقِّ
أَسْمَائِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُكْشِفَ وَتُبْرِئَ مَا بَيْنَ يَدَيْ هَذَا الْعَبْدِ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ بِمَا شَاءَ

شرح دو عارضین مغربی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
روایت میکند ائمہ بحق امام جعفر الصادق که
از رسول خدا که هر که سوره یسین مغربی را باین
طریق بخواند جمیع مرادات دین و دنیا و فرزند او حاصل
شود بتوفیق الله تعالی و اگر کسی هفت مرتبہ این
سوره بخواند و بر سنگ آسیا و مد پیرانه الله تعالی
سنگ آسیا بپاشند و اگر کسی این سوره را آب روان
بخواند و بر آن آب وضو سازد و دو رکعت نماز بخواند
و هر رکعت یکبار این سوره بخواند اگر همه عا
لم را آب بکشد آن شخص در روز آفتاب
المربور نزد فرمان الله تعالی و اگر این
سوره را هفت بار بخواند و بعد از آن بگوید
که خداوند کسی را بخواند سخطا نراند

من بیاید در حال حاضر کرد اند بقل رت خدا نشانی
 و اگر این سوره را هفت بار بخواند و بر کاغذ پاکیزه که با
 طهارت با آن بنویسد و در یقه کند و هفت بار
 دیگر پسوسته بخواند با اعتقاد درست انگاه کاغذ را
 بگردن بندد عجایبها بیند که وصف در است نیاید
 و اگر کسی این سوره را بنویسد و در بازو راست
 بندد دوست و دشمنی همه خدایق منور گردند
 و اگر کسی خواهد که بخت دولت بر او گشاده گردد
 دو رکعت نماز بخواند و هر رکعت یکبار این سوره را
 بخواند و آن نماز را روز سه شنبه یا پنجشنبه یا جمعه
 بگذارد که بخت دولت بر او گشاده گردد
 انشاء الله و این مجرب است و اگر از صفت غایب
 این سوره را بخواند بیست یکبار آن غایب بر
 او برسد و اگر سوره را بر کاغذ بنویسد

و عجم کرد و در بازوی گیرد بنهند و عجاای پهلایند و در نزد
 قلابی غریبه و کرامت باشد و اگر در اندر زود و خراش کند بکشد
 از دشمن بخواند که اکثر عظیم دارد و هر که این کور را در
 ثبات روز یکبار بخواند با هفت بار بخواند چنان باشد که قسم
 خزان کرده باشد و پیوسته درون حق تعالی پناه باشد
 و اگر این تمهت بار بخواند روز فراخ شود و اگر متاع فرد
 خشنی داشته باشد که فریدار نباشد این کوره را هفت بار
 بخواند و بران دم و باز آری پیدا شود و همه بسیار
 بیند و اگر مردی گیسو بسته باشد که بهیچ وجه
 ده نشود باید که هفت روز این کوره را بنویسد
 و بخورد کن ده شود و انشاء الله و هر عظمی که در
 درون در باشد دفع شود و اگر کسی در دست تنگ
 و پیوسته باشد بعد از نماز فتنی این کوره را یکبار بخواند و
 طوالت بر حضرت رسول داشته و تعجیل آن و خدای روز بروز

بر در ضایح گردانند و غنی گردد که لا یحتاج ابد و اگر کس
 همسرش آنکه چاره افانند این سوره را بخواند و کلاب
 بنویسد و بشوید و بخورد دل فرزند و هر چه بپوشد بپوشد
 و فراموش نکند و اگر آن سوره را بنویسد و بر در ضایح بپاشد
 بپاشد و کلاب باغ زرد و در خانه که آن سوره باشد و در
 و جن و انس و کزنده آسیب نرسد به اهل خانه و اهل خانه
 الله تعالی و اگر کس از زنده بپوشد بپوشد و غانند این سوره را
 بنوعان و کلاب بنویسد و در موم بپوشد و در آب اندازد و زنا زن
 آب بخورد و شوهرش بخورد نگاه در باز در رایت بند و با شوهر صحبت کند
 فرزند بوجه آید نهان الله تعالی و اگر کس همسرش آید با عقدا در
 بخواند و شک نیاید در ساعت شتر از آید رکنه الهی مرادش حاصل
 شود و مقصودش در دل دارد و پدید و که از کار بسته بماند و اگر
 کسی فایده کسی که جلد پر و جن و انس مسخر و کرد در صبح به
 مرتبه بخواند مراد حاصل گردد و اگر کس از او و عقب بپوشد

هفت بار این سوره بخواند و در آب زند و آب این بخورد
 ثنایا بند و اگر کسی نتواند بخواند بگوید بر پشت آویزان
 دارد و سجده فرزند بر سر زنند و اگر خواهد که زبان بر زبان
 بسته شود خاک از دو کور کند بر دارد و یکبار این سوره بخواند
 و آن خاک را کلی کند و در آنگس زند یا بیاورد و زبان آنگس
 بسته شود و بر نتواند گفت و اگر کسی هزار یا متاعی
 داشته باشد که فریدار نباشد و کل داشته هفت بار
 این سوره را بخواند و در آن دود بارشینی رواج کرده و همه
 فروخته شود بفرمان خداوند تعالی و خاص این سوره
 بسیار است از هزار یک تعلیم نماید و منحصر کردیم
 تا خواننده یا نویسنده را تسبیح نماید و الله اعلم
 بالصواب و علیه توکل و الله متاب
 هذا دعا یسأل الله الخیر
 بسم الله الرحمن الرحیم
 ۱۹۷

وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ
عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ تَنْزِيلَ الْكِتَابِ مِنَ
الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الَّتِي
كُنَّا نُنزِلُكَ بِهَا وَتُحْكَمُ مِنْ قِبَلِكُمُ
وَالْكِتَابُ الَّذِي نُنزِلُكَ بِهِ تَحْكُمُ بِهِ
فِي أُمَمٍ نَسُوا الْكِتَابَ الَّذِي نُنزِلُكَ
بِهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ مُعْتَدِلِينَ تِلْكَ
آيَاتُ الْكِتَابِ الَّتِي كُنَّا نُنزِلُكَ بِهَا
وَتُحْكَمُ مِنْ قِبَلِكُمُ وَالْكِتَابُ الَّذِي
نُنزِلُكَ بِهِ تَحْكُمُ بِهِ فِي أُمَمٍ نَسُوا
الْكِتَابَ الَّذِي نُنزِلُكَ بِهِ وَكَانُوا
عَلَيْهِ مُعْتَدِلِينَ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ
الَّتِي كُنَّا نُنزِلُكَ بِهَا وَتُحْكَمُ مِنْ
قِبَلِكُمُ وَالْكِتَابُ الَّذِي نُنزِلُكَ بِهِ
تَحْكُمُ بِهِ فِي أُمَمٍ نَسُوا الْكِتَابَ
الَّذِي نُنزِلُكَ بِهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ
مُعْتَدِلِينَ

وَالشَّمْسِ وَنُجُومِهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَيَّهَا وَآلِهَاتِهَا
 إِذَا جَلَّهَا وَالْبَلِّ إِذَا نَعَشَاهَا وَالْأَسْمَاءِ
 وَمَا بَيْنَهُمَا وَالْأَلْسِنَةِ وَمَا تَحْكُمُهَا وَفِيهِ
 وَمَا مَسَّوَاهَا فَاعْلَمُوا أَنَّهُمْ أَهْلُهَا فَجُودَ مَا دَا
 تَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ ذَلِكُمْ وَقَدْ خَابَ
 مَنْ دَسَّهَا كَذَبَتْ تَحْمُودُ بِطَوَائِلِهَا إِذَا
 اسْتَعَثَّ أَشْقَاهَا وَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ
 نَاقَةُ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا فَكَذَّبُوهُ فَفَقَرُوا
 فَدُودَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ يَوْمَ يَكُونُ لَهَا
 يَوْمُهَا وَالْأَسْمَاءِ عَقِبَاهَا وَأَقْبَمَتْ رَهْوَ
 قَا وَأَقْبَمَتْ عَلَيْكُمْ بِالْكَطَفِ مِنْ سَائِلِ
 اللَّهُمَّ سَخَّرَ لِي قَلْبَ فُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ
 عَلَيَّ بِحَبْلِي بِحَبْلِي بِحَبْلِي بِحَبْلِي بِحَبْلِي
 بِحَبْلِي بِحَبْلِي بِحَبْلِي بِحَبْلِي بِحَبْلِي بِحَبْلِي
 بِحَبْلِي بِحَبْلِي بِحَبْلِي بِحَبْلِي بِحَبْلِي بِحَبْلِي

كَجَعَلْنَاهُمْ نَارَ لَهَبٍ وَاتَّخَذُوا صُحَابَ الْأَرْبَعَةِ
 إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ إِذْ أَمَرْنَا آلِ إِبْرَاهِيمَ
 أَنْ هَبْ لِي مِنْ بَنِيكَ بِذُنُوبٍ قَدْ أَفْلَحَ لَوْ
 إِنَّا لَبُكْمُ مُرْسَلُونَ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا
 بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ إِلَهِكَ مِنَ الشَّيْءِ
 مِنْ شَيْءٍ إِلَّا تَكْدُبُونَ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَهُكُمْ
 لَمُرْسَلُونَ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ
 فَزَعُونَا لَا تُعْبُدُوا شَيْئًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا أَنْتُمْ
 عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنْ عَابِدُ مَا يُعْبَدُ
 ثُمَّ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ
 بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ الْكَافِرُ يَا أَيُّهَا
 الْبَشَرُ إِنِّي عِزُّكُمْ وَأَنْتُمْ عَابِدُونَ يَا جَلِيلُ يَا جَبَّارُ
 يَا جَوَادُ يَا جَاعِلُ يَا اللَّهُ أَجِبْ دَعْوَتِي

يَا جَبْرَئِيلَ أَنْتَ وَخُذْ أَمْرَكَ مِنْ أَيْ حَافِيَةٍ
 وَالْعُلُوبِيَّةِ الْأَمْرِيَّةِ وَأَنْتَ أَمْرُهُ سَمِيحًا
 بَصِيرًا مُطِيعًا بِحُجْرَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَبِحَقِّ سَعْدُونَ الْعَطُونِ الْمَلِكِ الْوَكِيلِ
 الْقَائِمِ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ هُوَ وَبِحَقِّ مُهَيَّيْلِ
 وَقَدْ مَنَّا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ مَبَاءً
 مَشُورًا وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا بَهْطَلًا بِلِ
 اللَّهُمَّ سَجِّدْ لِي قَلْبَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 مِرَاثَ وَقَلْبَ فَلَانِ ابْنِ فَلَانٍ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 بِاسْمِ الْعَظِيمِ وَبِحَقِّ حَوَاءَ وَبِحَقِّ مَدِينَةِ
 بَيْدُغِي مَخْطُوبَتِي إِيَّا نَجْنًا بِاللَّسْعِ وَ
 الطَّاعَةِ وَتَحَنُّنًا قَالُوا إِيَّا نَطْهَرُ نَاكِمًا
 لَيْتَ شَقُّو لَنَا حُكْمًا وَلَيْسَ لَكُمْ مِثْلُ عَذَابِ
 أَلَيْهِمْ قَالُوا طَائِفٌ كَرِهَ صُلْحَكُمْ أَمَّا دَرَكْتُمْ

بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا مِنْ لَا تَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرٌ وَهُمْ هَدَىٰ ذُنُوبًا وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ أَأَتُخَلِّفُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنِّي بَرِّيَنَ إِلَى السَّحَابِ يُفِئِدُونِي مُمْرِسًا عَنْهُمْ شِفَاعُهُمْ شَيْءٌ وَلَا يُنْقِذُونَ إِنَّهُمْ إِذْ لَفِيَ ضَلَالٌ مُّبِينٌ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْعَمْنَا عَلَى الْكَافِرِينَ فَجَلَّ لِي سَمْعُكَ وَنَحْنُ وَإِنَّ شَاقِبَتَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ مَا لَكَ يَوْمَ الدِّينِ بِمَا قَلَّبَ الْقُلُوبَ حِجَابٌ يَا شُعْبَاهُ بَلْ أَنْتَ وَخِدْمَتُكَ مِنَ الْحَابِئَةِ وَالْعُلُوبَةِ الْأَرْضِيَّةِ وَأَنْتَ يَا رَحْمَنُ يَا مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ مُجْرِمَةٌ الْمَلِكُ الْغَالِبُ عَلَيْكَ أَمْرٌ حَظِيٌّ وَبِجْرَمَةٍ قَهْرٌ عَظِيمٌ فَإِذَا جَاءَ

وَعَدُ رَبِّي حَقًّا وَقَسَمْتُ عَلَيْكُمْ لَنُبَلِّغَنَّكُمْ
بِئْسَ اللَّهُمَّ سِرِّي قَلْبَ فَلَانِ ابْنِ فُلَانٍ
عَلَى صَحْفَةٍ مَحْرُومَةٍ سُورَةِ لَيْسَ وَحَرَمَةٍ إِلَّا
سَمِ الْإِلَاسْمَ عَظِيمٍ وَبِحَقِّ حَرَمَةِ نَبِيِّكَ
طَلْحِيوْنِي إِلَى أَمَتِكَ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ
قَبْلَ أَنْ دَخِلَ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ
مَا عَفَّرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمَكْرُمَاتِ
مَا أَنْزَلَ لَنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جَدِّ
مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مِنْ لَيْسَ إِنْ كَانَتْ
إِلَّا صَحْفَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ
يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ
مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ
وَأَن لَّمْ يَرَوْا كُرْهُنَا فَاتَّبَعُوا
مِنَ الْقُرُونِ إِلَيْهِمْ لَئِيْلَ

يَرْجِعُونَ وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جُمِعَ لَدُنَّا مُحْضَرٌ
 وَنَ وَآيَةٌ لَهُمْ الْأَرْضُ مَرْضَى الْمَتَةِ أَجِيَا
 هَا وَآخِرُ حَتَامَتِهِ حَتَامَتُهُ بَاتِلُونَ
 وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَابَاتٍ مِنْ تَحْتِهَا وَاعْتَنَاهُ
 وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِكُلِّ أُمَّةٍ مِنْهُمْ
 وَمَحَلَّةً لِيَدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ
 سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا
 مِمَّا شَاءَتْ الْأَرْضُ مَرْضَى وَفِي أَنْفُسِهِمْ
 وَمِمَّا يَعْلَمُونَ وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ
 مِنْهُ أَلْفَهُمَا سَرَّ فَإِذَا هُمْ مُظْلَمُونَ وَ
 الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُنْقَرٍ لَهَُا ذَالِكُ
 تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرُ قَدْ
 رَأَاهُ قَلِيلٌ حَتَّى غَارَ كُلُّ الْقَرَارِ
 الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ تَنْبَغِي لَهَا

لِيَا كُتُّ

أَنْ تُدِيرَكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ
 الْفَجْرِ وَكُلُّ فَنِي فَلَيْكَ يَسْحُونَ وَآيَةُ لَمْ
 الْأَحْلَاءُ ذُرِّيَّتُهُمْ فِي الْقَلْبِ الْمَسْحُونِ وَ
 خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا جَرَّ كَبُودِهِ وَإِنْ
 نَشَاءُ نُفِثْهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ
 يُنْقِذُونَ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَى
 حِينٍ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِي
 بِكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَمَا
 نَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا
 كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ
 انْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالِ الَّذِينَ
 كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ
 أَنْفِقُوا إِنَّ أَكْثَرَكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللَّهِ
 الْحَمْدُ الْحَمْدُ الْحَمْدُ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ

وَالْفَتْحَ وَسِرَّ آيَتِ النَّاسِ بِدُخْلُونِ فِي
دِينِ اللَّهِ صَبِيحَ مُحَمَّدٍ سَرَّ بِكَ وَأَسْفَهَ
أَنَّهُ كَانَ كَوَايِمَ آيَاتِكَ وَإِيَّاتِكَ كَسَعَيْنِ
بِأَمْرِ نَجِّ بِأَقْرَبِ بِأَمْرٍ أَجَبَ وَأَنْتَ يَا
بَرْهَانَ سَامِعًا جَرَمَةَ إِيَّاتِكَ تَعُدُّ
وَأَيَّاتِكَ فَتَنْعَيْنِ وَتَحْرُمُتَ تَمَسُّرُ
لَهْرِيَّتِ الْمُعْبُودِ الْمُتَعَانِ يَا صُكَّائِيلُ
أَنْتَ وَخَدَّ أَمَلِكُ مِنَ الْوَحْشَانِيَةِ وَالْعُلُوِّ
بِهِ الْأَرْضِيَّةِ وَجَرَمَةَ الْمَلِكِ الْعَالِي
عَلَيْكُمْ أَمْرٌ تَكَلَّمْتُ وَتَحْرُمُتَ فَهَطَّ هَلْ
قَالَ مُوسَى مَا حَسَمْتُ بِهِ لِسِيَّ إِنَّ اللَّهَ
سَيَبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُطْلَعُ عَمَلُ
لُفْسِدِينَ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ بِأَمْسَدِ
بَرْهَائِيلُ أَللَّهُمَّ سَحَرْتُ لِي قَلْبَ فَلَانِ إِلَى

ابْنُ طَالٍ عَلَى مِجَنِّ حِجْرَةٍ سَوْرَةٍ لَيْسَ
 وَحِجْرَةٍ مَبْدُوكَ تَسْتَجِبُ طُحْبُوشٍ وَ
 يَقُولُونَ مِثْلَ هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
 دَقِيقَ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَحَّاحَةٌ وَاحِدَةٌ
 تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ظَالِمًا لَبِيبًا
 رَؤُوسُهُمْ وَلَا إِلَهَ إِلَّا الْإِلَهِ أَهْلَهُمْ تَرْجُو
 جِئُونَ وَيَفْخُ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ
 مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ
 قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا
 هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ
 إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَحَّاحَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا
 هُمْ جَمِيعٌ لَدُنَّا مُحْضَرُونَ فَالْيَوْمَ لَا
 نُظَلِّمُ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا نُنْجِزُ وَلَا
 لَأَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ

الْيَوْمَ فِي شَتْلٍ فَأَكْهَوْنَ لَهُمْ وَأَذَوْجَهُمْ
 فِي ظِلَالٍ عُلْمٍ إِلَّا رَأَيْتَ مُتَبَكِّوْنَ
 لَهُمْ فِيهَا فَأَكْهَهُ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ سَلَامٌ
 فَسَلَامٌ مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ سُجَّانَ الْمُنَظَّرِ
 عَنْ كُلِّ مَدْيُونٍ سُجَّانَ الْمَفْرَجِ عَنْ
 كُلِّ مَحْزُونٍ سُجَّانَ الْخَالِصِ عَنْ كُلِّ
 مَسْجُونٍ سُجَّانَ الْعَالِمِ بِكُلِّ مَكْنُونٍ
 سُجَّانَ الَّذِي مَجْرَاءُ الْمَاءِ فِي الْبَهَارِ
 وَالْعُيُونِ سُجَّانَ مَنْ جَعَلَ ضَرَاءَهُ
 نَيْنَ الْكَافِ وَالنَّوْنِ سُجَّانَ مَنْ إِذَا حَا
 أَسْرَدَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
 فَسُجَّانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَمْلُوكُ كُلِّ شَيْءٍ
 وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ سَرَبْنَا افْتَحْ بَيْتَنَا وَ
 نَيْنَ قَوْمَنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ
 مُحَمَّدٌ صَادِقُ الْأَمِينِ وَصَلَّى اللَّهُ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ
 أَلْفُ نَجَّةٍ فَلَانِ ابْنِ فَلَانٍ لَا فَرَّ لَهُ
 لَهُمْ وَلَا أَكَلُ لَهُمْ وَلَا نَوْمُ لَهُمْ
 لَهُمْ وَلَا حُظْوَةٌ لَهُمْ وَلَا سَـ
 حَةُ لَهُمْ إِلَّا خِيَابُ عَيْدِي وَحَقِّ
 هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الْعِظَامِ وَحَقِّ مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
 إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا إِلَهِي وَيَا
 سَيِّدِي يَا صَدِّيقِي مِنْ عَيْدِكَ مَدَدِي
 عَلَيْكَ مُتَعَمِّدِي يَا أَبَاكَ تَعُدُّ وَأَنَا
 لَكَ تَسْتَعِينُ يَا نَاصِرُ يَا مُبِينُ حَقِّ يَا
 تَعُدُّ وَيَا أَبَاكَ تَسْتَعِينُ أَعِزَّنِي عَلَى

[illegible]

وَيَحْزَنُهُ الْمَلِكُ الْغَالِبُ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ
تَسْتَعْفِضُ وَيَحْزَنُهُ قَهْقَرُهُ طِيلَ إِنَّهُ كُنَّا
عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلُ مَنْ حَكَمَ حَسْرَةً أَفْهَمَهُ
عَلَيْكُمْ لَا كَلَاغَ فَتَهَا بَدَأَ اللَّهُمَّ سِرِّي
قَلْبَ ظَانَ إِنْ فُلَانٍ عَلَيَّ مَحَبَّتِي بِحُزْنِهِ سَوَاءٌ
لِي وَبِحُزْنِهِ لِسَيِّدِكَ وَلَاغَ دُونَ دُونِ
وَإِنْ أَعْبَدُ وَنِي هَذَا صِرَاطُ مُسْتَقِيمٍ وَأَقْلُ
أَقْلَ مِنْكُمْ جِيلَ كَيْسَرٍ أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ
هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ أَصَلَوْهَا
الْيَوْمَ لَمَّا كُنْتُمْ تُكْفِرُونَ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ
وَبِكَلِمَاتِنَا أَيْدِيهِمْ وَشُهُودُهُمْ لَحْمِهِمْ
لِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَمَسْنَا
عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصَرُونَ

وَلَوْ شَاءَ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا
 السَّطَاعُونَ مُضَيًّا وَلَا مَرْجِعُونَ وَتَمَّ لَهُ
 تَشْكِيهِ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ وَمَا عَلَّمْنَاهُ
 السِّعْرَ وَمَا يَنفَعِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
 لِلَّذِينَ آمَنُوا بِبَيِّنَاتٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَكُنْ
 لَهُ كُفُوًا شَيْءٌ لَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا شَيْءٌ لَمَّا
 أُنْزِلَتْ عَلَيْهِمْ عَمَّا يُشْرِكُونَ يَا حَكِيمُ
 يَا عَلِيمُ يَا عَلَّامُ الْغُيُوبِ يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ يَا هَادِي إِلَى الْغَايَةِ وَأَنْتَ أَسْمَى
 سَائِمًا مَطْمَئِنًّا وَبِحِرْمَةٍ مِنَ الَّذِينَ يَنْفَعُونَ
 عَلَيْهِمْ وَبِحِرْمَةٍ مِنَ الْعَالِمِ الْحَكِيمِ وَبِحِرْمَةٍ
 الْحَلِيقِ الْغَالِبِ عَلَيْهِمْ أَمْرُهُ قَرِيبٌ

وَبِحِرْمَةٍ

وَبِحَجْرَةٍ مِمَّ هَظْطُ طِبْلٍ إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ
الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الطَّالِبُ وَأَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ
يَا كَعْبُ تَقْطَأُ بَيْتَ اللَّهِ سَخِي نِي ثَلَاثَ
فُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ عَلَيَّ حَبِي نَحْرِي مِمَّ سَيْدُ
مَكْهُيُونِي لَيْتَنِي سَمَنْ كَانَ حَيَاؤُكَ يَحْفَ
الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِي أَوْ لَمْ يَكُنْ أَنَا
خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا
هُمْ لَهَا مَالِكُونَ وَدَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا
رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَهِيَ فِيهَا مَنَاسِكُ
مَنَافِعُ وَمِنْهَا رِبُّ أَفْلَا شَكَرُونَ وَأَخَذُوا
مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهَةً لَعَلَّهُمْ يُفْقَرُونَ
لَا يَسْتَطِيعُونَ نَفْعَ هُمْ وَهُمْ لَهُمْ حَبْدُ
مُحْضَرُونَ فَلَا تَجْنِ نَفْسُكَ لَهُمْ إِنَّا نَقْلَمُ مَا
يَسِّرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ أَوْ لَمْ يَسْ أَلْهَانُ

اِنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نَظْفَةٍ نَزَاذًا هُوَ خَصِمٌ مُبِينٌ
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ اَعُوْذُبِعْ
 الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ مَا
 سَبَقَ اِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ
 فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ
 غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الظَّالِمِ
 اٰمِیْنُ یَا قَاهِرُ یَا غَرِیْبُ یَا مَالِكُ
 یَا مُتَوَكِّلُ یَا مُهِیْمُ یَا ظَاہِرُ یَا بَیْرُ
 اَجِبْ یَا کَاشِفُ الْبَلِّ اَنْتَ وَحْدَ اَمَلٍ
 مِمُّوْنَةٌ سَامِعَاتٌ تَجْرُ مِنْهُ غَیْرُ الْمَعْظُوْمِ
 عَلَیْهِمْ وَلَا الظَّالِمِ اٰمِیْنُ وَجْهٌ
 اُخِذَ صُطْبَعٌ لَا وَجْرَ مِنْهُ طَهْ طَهْلُ
 الْمُفْجَلِ فَوْقَ الْحَقِّ وَبَطْلُ مَا کَانُوْا یَعْمَلُوْنَ
 وَاقْتَمَتْ عَلَیْکُمْ یَا بَرَّ جَلْجَالُ اَلْکَلَمِ

حقیقت تو به بنویسد تا کند و در هر روز یکی از اینها بخواند

بسم الله
بسم الله ارحم الراحمين

بسم الله ارحم الراحمين
بسم الله ارحم الراحمين

بسم الله ارحم الراحمين
بسم الله ارحم الراحمين

بیرون شمس و لا زهره در میان هر وقت
عزیز اختیار اینها باشد حب طفل بدو کرکس بار
کند و در هر روز بنویسد و بر سر او بپاورد بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی
بسم الله لا یضر مع اسمه شیء الا رضی و لا
فی السماء و هو السميع العليم کما فی ذکره

اِيْكَتَابِ الْمُبِيْنِ وَبِحَقِّ وَالْقُرْآنِ الْحَمِيْدِ
 وَبِحَجْرَةِ وَالطُّوْبِ وَكِتَابِ مُسْطُوْبِ
 فِي رَقِيْ مُشَوْبِ وَابْتِثِ الْمَعْمُوْبِ
 وَالْحَيِّ الْمُسْجُوْبِ وَبِحَقِّ مَعِيْنَ
 وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُوْنَ وَبِحَقِّ مَعِيْنَ
 رَحْمَةُ الْقُرْآنِ اَلْعَظِيْمِ الْكَرِيْمِ الْقَدِ
 يُمِ الشَّانِ الْمُبِيْنِ وَتَكْنِي رَحْمَتُ الْقُرْآنِ
 مَا هُوَ شَفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُسُوْمِيْنَ
 وَلَا بَيِّنُ الْمَطَالِمِيْنَ الْاِخْتَا
 لَكَ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْحَسَنِي الْمَعْلُوْمَةِ
 الْمَكْرَمَةِ الْمُطَهَّرَةِ الْمُفْلَسَةِ الْمُنَوَّرَةِ
 وَبِحَجْرَةِ الْعَرَشِ وَالْكَرْسِيِّ
 وَالْمَلَائِكَةِ الْمُفَرَّقِيْنَ وَبِحَجْرَةِ
 سَبْعِ الْاَسْرَافِ وَالْكَوَالِبِ اَلْتَّحِيَّةِ

نسخ
 کتاب
 المبین
 و
 بحق
 القرآن
 الحمید
 و
 بحق
 الطوبی
 و
 کتاب
 مستوی
 و
 بحق
 المشوی
 و
 ابیت
 المعوی
 و
 بحق
 المسجوب
 و
 بحق
 معین
 و
 القلم
 و
 ما
 یسطرون
 و
 بحق
 معین
 و
 رحمة
 القرآن
 العظیم
 الکریم
 القدیم
 و
 تکنی
 رحمة
 القرآن
 و
 ما
 هو
 شفاء
 و
 رحمة
 للمسوی
 و
 لا
 بینه
 المطالین
 الاختا
 لک
 و
 بحق
 اسمائک
 الحسنی
 المعلمة
 المکرمة
 المطهرة
 المفلسة
 المنورة
 و
 بحق
 العرش
 و
 الكرسي
 و
 الملائکة
 المفترقین
 و
 بحق
 سبعة
 الاسراف
 و
 الکوالب
 التحیة

دُعَايَ بَاطِلِ السَّحْرِ مَجْرَبٌ فَأَلْقَى السَّحْرَ
 السَّاحِرِينَ فَالَوْ آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ
 رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ بَطَلْتَ
 بَطَلْتَ السَّحْرَ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
 بَطَلْتَ السَّحْرَ جَمِيعَ السَّحَرَاءِ وَكُلَّ سِحْرٍ
 يَسْحَرُونَ بِهِنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ
 عَلَى صَاحِبِ الدُّعَايِ بِرَحْمَتِكَ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
 الرَّحِيمِ الْقَالَ أَرْسَلْنَا السَّيِّئَاتِ عَلَى
 الْكَافِرِينَ تَتَذَكَّرُ لَهُمْ أَذْأَنْتُمْ تَحْمِلُ
 عَلَيْهِمْ أَمَّا نَعْدُ لَهُمْ عَذَابٌ أَوْحَى
 إِلَيْنَا أَكْثَرَ السَّمْعِ نَفْسٍ مِنْ أَلْفٍ فَقَالُوا
 إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الْبَرِّ
 سُبْحَانَ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَكَرَى نُنشِرُكَ بِرَبِّكَ أَحَدًا

الْبَرِّ فَهَلْ

اگر زن یا شوهر بگوید
 این دعا را از آن بگوید
 در میان دین و دنیا
 و در هر روز
 این دعا را بخواند
 این دعا را بخواند
 این دعا را بخواند
 این دعا را بخواند
 این دعا را بخواند

دعا رطلی کردن هر که در عمر خود یکبار این
 شکل نظر کند آتش دوزخ بر او حرام گردد و اگر
 روز نگاه کند محتاج خلق شود و اگر ماه زیند

بانی شکل نظر کند آن
 ماه را بخوبی و عیش بگذراند
 و در این ادابت

هلمی الدعاء از حضرت امام رضا منقول است
 که هر روز سه مرتبه این دعا را بر سر بیمار بخواند این

بیمار را حضرت بار تعالی بخفاد و ملو از آن مرض خلاص

می یابد ان شاء الله تعالی اللَّهُمَّ قَدْ نَجَمُ اَدَّ
 لِيَّ بِالْاَذَى لَيْتَهُ لَا يَنْتَسِلُ لِيَرْفِكَ يَا اَرْ
 حَمَّ اَلْحَمْدُ

بول بندی اگر بول کسی
 که زرد باشد بپوشد و بیاورد و بنظم بر غیر و میان او را

خالی کند این طرفه در حیوان آن تخم نهفت و این اوله
 عموم حکم که در میان آن پنهان دوی صبح و شب

در میان دین و دنیا
 و در هر روز
 این دعا را بخواند
 این دعا را بخواند
 این دعا را بخواند
 این دعا را بخواند
 این دعا را بخواند

حد رسول الله
 با بقا با علما
 مستقام و مستقیم

باشند بول باشند بول اگر کسی بولش نباشد
 باشد نوشته بر آب زند و آبش را بخورد شفا
 یابد و الله لبسم الله الرحمن الرحيم ما
 انزلنا عليك القرآن ليشفي قلوبنا
 ممن خلق نفع الله محبت از استاد کامل
 مرد بود در ولایت شام تفحص کرده به پادشاه
 فرمود که او را بدار کنند و او را بقتل رسانند چون
 بدار کشیدند هر چند نبردینه و شمشیر راوردند
 کار نکند بعد از او را با تنش انداختند بوقت مردم
 گفتند که سار خواهند بود با دعا سینه کی همراه دارد
 پادشاه از او پرسید گفت بی دعا سینه کی از نام
 حق تعالی همراه دارم اگر هم عالم دشمن شود هیچ
 بر من نتواند کرد پادشاه گفت از سر طرد تو در کشم
 و اینها دعا را نوشته با خود داشت هر چند بزرگ این دعا

ظفر میافت یا قاصت السکوان والاک
 امر وشیئا ان یكون له کما یتکون یا من
 ممیک السماء عن یقطع علی الا
 باذنه من امر قبطان الذی یدیه مملو
 من کل شیء و الیه ترجعون یا الله
 یا الله ایها یا الحق و جهد الکفر
 یا ذا الجلال و الاکرام یا من یتک یا من
 حم الی حیث ایضا مردیست از شیخ محمد
 عبد الله در کده بلاد مینی یادش هر کشتن پی
 کنارش ره فرمود هر چند تیر بندند نمیکند اگر
 الا تیر باران کردند چرخ تیر اندازان تیر انداختند
 باز بر پشت و بر نیز اندازیدند رو پادشاه فرمود که
 اگر مرا از سر آگاه کنی ترا نکشم گفت اسمر هله
 منت کز اباد و اجلا بمن رسید و منت ببر کفان

از جهت کزنده گان از مار و عقرب و رطله و سایر کزنده

کاین بچاوند لعله مرثیه این منظره دوست بهمن زند
مهر نیست منظر کنکانه کثکونده کتبه کتبه

شرح مهر بلوآت از حضرت امیرالمؤمنین

بر دست که فرمود که هر که مهر بنویسد با او

گاه از جیب پدانا محفوظ باشد در پناه دشمن

نبرد و بسته کرد و هر که در صبح باین مهر نظر

کند از روز بهیم بلا نیی گرفته شود هر که در اول

ماه بر او نظر کند امانه بسیار روشی بگذرد

و دازنده این مهر از دنیا بیرون نرود تا آنکه زنده

شود و در هفت عشر رشت جابر خود را ملاحظه کند و هر

و هر که آنرا در دکان کند یا در آن الله تعالی مهر تو

است



فان تامل کن و در هر روز این دعا را بخوان
 و در هر روز این دعا را بخوان
 و در هر روز این دعا را بخوان

دعا نظر بندر خط امام حسن ع

۱۱۱۱۱۱۱۱
 ۱۱۱۱۱۱۱۱
 ۱۱۱۱۱۱۱۱

م	م	م	م	م
م	م	م	م	م
م	م	م	م	م
م	م	م	م	م
م	م	م	م	م

باب طفلی که دیر راه افتد این ایات در هر روز
 صافی نوشته و بشوید و قدر از آن بوی خوش باشد و قد
 را بر بدن در خوشی مالند و دعا را بخواند و دارد
 روز براه افتد این است اَسْ كُفِّيْ بِيْ جِلْدِيْ
 مُنْتَمِلٌ بَارِيْ دُشْرَابِ كُلِّ دَائِيْ يُمَاؤُنِيْهِمْ
 مَنْ يُمْنِيْ عَلَيَّ اَسْ جَلَسِيْ وَمِنْهُمْ مَنْ يُمْنِيْ
 عَلَيَّ اَسْ يَجْ خُلُقِ اللّٰهِ مَا يَشَاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمُ
 قَدِ فَرَّقَ بَيْنَهُمْ تَب لَسْ بِرَسْمٍ يَارِجِيْ يُوْب بِيْد

خوب پدید بنویسد و در زیر دامن برین در کند
 اول اساهون طاهون طاهون ها هون دوم
 طاهاهون ابراهون طاهون طاهون سیم
 طاهون طاهون ها هون ابراهون سیم تب
 و در زنان این فدان اکس خواگی بدانی کردن
 را چه افتاد است یا نه نام زن و مادرش را بحال
 ایجاد کند و دوازده دوازده طرح کند
 اگر طاق چله افتاد است و اگر چفت باید چله شفا
 حجت زکات بنویسد و در میان زراعت میا و بند
 بعد از بیم خبر خافط و هو لا یا و ده حفظها
 و هو العلی العظیم یا دم از من یا رب العالمین
 باب طائب مطلق اسم طائب و طو
 ب و بحال ایجاد طیس در آوردن پنج
 طرح کن هرگاه یک روزه بماند میرسد هرگاه در

[illegible]

اصحاب کھف با خود دارند در نزد کھف
 عزیز باشد و غنی نفع از همه صفت و لذت
 زن بر زن چب بسته و از برار کریم اطفال
 در زیر طفل گذارد و بر چوب نمیدان چوب
 را در میان زراعت بپا دیزد آن زرع از آفت
 محفوظ ماند و این نافع کھذا مثلینا
 مثلینا تمییزا بر لوشی سر لوشی ن و لوشی
 مرطوسی باب دهم هر کس این آیه بخواند یا
 با خود دارد از سگ دزد آسب نیابد و طلبهم
 باسط ذریعہ با الوصل نوع دفع زہ
 پیہ ہذا پوست کوکنا و سرکین از غ با ہم بچو
 شد مثل ضارب سر بند و تاجی در جام بشوید
 بہ نوع دیگر رسیان کہو در ہفت کہ صر
 در ہر سہ یکبار این دعا بخوان و کوان

فرمان شریف

آن که ناسیرت به ابحال او نگشت

به الا رضی او حکم به به انموثالیا

الله الا من حیجا وکجوید بنم نش نه ظانط

کجن محمد واله انه لطا هنی و سوره انیکا

در بخواند باب کرم و ملیح اگر فاهرس

و ملیح از زراعت بازدار این شکها بر چهار

پاره زرف آب ندیده بنویس بر چهار طاق بنیان

یا زراعت پنهان کن

هسی مروسه دعا ی سر حجه بنویس

این طلسم را درست راست طفل بندد

باب برای کثرت زرف

با فله دارد که مجرب است

باب اگر فاهرس را می

کود نه به پیشو یانه اول حد و سوره اطله

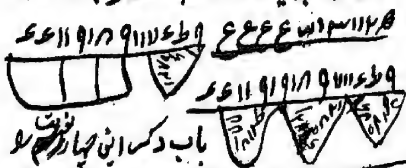
۱۳	۲	۲	۱۵
۱	۱۱	۱۵	۵
۱۲	۱۱	۵	۹
۱	۱۱	۵	۳

ط ۱۱

میلان بادی فرزند	عقربا بار فرزند	قوله البی فرزند
۱۰۱۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰
حدی خاک فرزند	دلو بار فرزند	حرف یکی فرزند
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰

[illegible]

باب باب کو دیکھی کہ در شہر ہا کہ بہ بند این
 و عاود در زیر سر او نہند کہ خواب کند و اجعل ا
 علی کینا و نغزل من القرآن ما یحوشنا
 و مرحۃ للمؤمنین و لا ینرد الطالحین
 الا خیارا باب اگر دختر بد خواستہ باشد
 صاحب دخترند بد این اسم بگو بر کف دست
 دل ال بنویسد و در خاتم مطلوب فرستد عجب
 ۱۱۲ اسم دہ ع ع ع ع ط ع ۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱۱ ۱۱۱ ع



بنویسد در زیر دامن صاحب از خود کند بخت
 چہیزہ چہودہ و چہا ہیز چہا ہیز
 باب طالع کسب کردن اگر سائلی سؤل کند
 کطالع من در یہ کب خوبست بکنم اسم او

و مادر او

در پیشانی میان زنان دوزخ که با هم بدینند
 بنویسد در موم ببرد و بآب برآورد و بخورد
 ایشان نهد که محبت در میان ایشان افتد
 که یک لحظه سی هم ذکر نمایند اللهم
 بحق و القیت عليك محبتی
 ونضع علی عینی و اوتمنی حنك
 فقول اهل اذا اكرم علی من یلقیه
 محو بکم تحت نقاب آیین آند
 هباز بین الناس وجه السموات
 السماء و بین قناطیر المقصود فی
 الذهب و الفضة و الخیل المسومة
 و الا تمام و الحیث ذالک متاع
 الحیوة الدنیا و عند النجاة سبک
 طبقه از جهت طبقه گوشتان پوشند

مخبر الامير
بجانبه
نور محمد
بجانبه

م	م
۱۱	۹

در موم کبر و بر آب بر آورد و در میان کوفته
ن آتش اند و این دعا را که درین کوفته هفتین
سرتی بنیدارد **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ
وَ الْاَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ
س ثُمَّ اَلَّذِي يَكْفُرُ وَ يُعِدُّ لُنَا لِقَاءَ
خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ ثُمَّ اَسْتَعِثُّ
عَمَّا سَوْفَ وَنَ خَارِكُ اِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى
رَبِّكَ وَنُتِبَ بَابُ رَأْدِ قَدْرِ سَبِيحِ رَدِّ قَدْرِ
بُرْخُ مَالِدِ نَافِعِ اسْتِ بَا خَبِ سِ طَفْتِ وَ لَوْ جَا
النَّاسِ اِحَا زَتْ قَهْ فَرَا هَانِ كَافِي بِي مِّنْ
عَقُوْبِيَا سِ حَسْبُكَ اَلْحَمْدُ اِسْرَحْمَ قَبْدُ وَ نَدَا
اَنْتَ بَرْدُ دَاكُ دَرْدِ مِيكَنْدِ بَكَارْدِ اِنِّي اَبُو
هَفْ نَحْوَانْدِ نَفَا بَا دِهَوُ الْاَنْجِ اَنْتَا كَرُ وَ جَعَلَ
كَ اَكْمَرُ السَّمْعِ وَ الْاَبْصَارِ وَ الْاَفْئِدَةِ قَلِيلًا
مُحَمَّدِ كَرِيْمِ زِيَادَتِي**


فَخَافُ مَا وَقَعْنَا ابْوَابَ السَّمَاءِ مِنْهُمْ
يَا اَسْرُحْصِمِ الْاَيْهَيْنِ تَرْلَه بِنْدِرِ اَنْكَسِ
که نزله داشتند باند سر باید که چهار چرخه بخورد سبزه
روغن زرد مقرر کرد و کوفت میشی منج این
که کار کرده باشد بیاورد این دعا را سه بار آن میخ
خواند و بخیرا رود رفت بسد بگوید کُلُّ الدُّعَا
بِسْمِ اللَّهِ الْمُتَعَفِّي نَسْمُ الْكَافِي بِسْمِ اللَّهِ
الْمُتَعَفِّي بِسْمِ اللَّهِ الْكَافِي لَا يَضُرُّ
مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي
السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ يَا قَلِيلُ إِذَا السَّمَاءُ نَزَلَتْ
بِسْمِ اللَّهِ بَادِ اسْمِ بَادِ اسْمِ بَادِ اسْمِ بَادِ
وَهُمْ بَادِ سَبَّاهُ بَادِ كَبُودِ بَسْمِ حَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
حَقِّ نُوْرِهِ مَوْسَى وَانْجِلْ عِيسَى وَزَبُورِ دَاوُدَ

چهار

چله بریدن کاو

قَبْلَ رَكَّ اللَّهُ احْتِصَانًا لِّلْقِيَمِ هَٰذَا لِكُلِّ عَمَلٍ
 بَعْدَ دُرُومِ هَمَارْتَنَه بِرَحْمَتِ سَبَاهِ نَوَاشْتَه دِرَافِ
 بِسْمِ اللَّهِ مَا صَبَّحَ نَشْرَه كَذَا شَبَّه بَابُ دُورِ سَبَاهِ سَرِشَ
 بَه نَهْدَنَد وَهَزَاه نَابِكْ آرِشَان كَشَد هَلْ نَبِهْ طَنْطَفَا
 مَن طَطْفَتَنِي اَسْكَن لَقْد رَقَّ اللَّهُ وَلِهَيْتَ اللَّهُ
 تَسْكُنُ بِجَلَالِ اللَّهِ اُسْكُنُ بِجَمَالِ اللَّهِ بِحَقِّ لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَبِحَقِّ عَلِيٍّ
 وَلِيِّ اللَّهِ بِتَمِيمِ بَتَمِ بَادَنَزَلَه وَدُرُومِ بَرَوَانِ
 ح دَبَاو دَاغ دَبَاو رَح دَبَاو رَح دَبَاو رَح دَبَاو رَح
 وَكُلُّ فُلَانِ ابْنِ فُلَانِ اَسْتَبْحَقُّ سَلِيمَانَ ابْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

چله بریدن کاو سوز بکلمات النامات اَنَا اَعْطَا
 تِ الْكَرْمُ وَصَل لِي بِكَ وَنَصْرًا لِّشَايِكَ هُوَ
 اَلَا بَشَرُ بَرِيْدٍ جَلَدُ غَدِ فُلَانِ كَسْبِحْ اَنْ تَخِي السَّلَامَانَ وَرَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ


جهت زمانه که هذا دعای هفت پرستان

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَدَقَ مَا نَبَأَ عَنْهُ فَزَنْدِشِ بِاَبْكَرِ
وَاَزْهَتْ عَاقِلَتِ فَرْزَنْدِ حَجَرِ بِتِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عَزَمْتَ عَلَيْكُمْ يَا مَنْزِلَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ
إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْقُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمُومِ
وَالْأَرْضِ فَانْقُذُوا وَلَا تَنْقُذُوا إِلَّا
سُلْطَانَ قَبَائِلِ وَأَوْدِيَّتِكُمْ تَكُنْ بَانَ
أَفْجَحْ بِأَذْنِ اللَّهِ الَّذِي وَرَاةَ الْإِلَهِ
هُوَ الْعَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَبِحَقِّ أَنَّهُ مِنْ أَسْلِمَانَ
وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تَعْلُوهُنَّ أَوْحَى سَلِيمِينَ ۝

فِي التَّوْرَاتِ وَبِكُلِّ نَهْيٍ فِي التَّوْرَاتِ وَ
 بِكُلِّ صَرَكَاتٍ وَسَلَكَاتٍ فِي التَّوْرَاتِ
 أَضْرَحَ بِإِذْنِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 لِعَالَمِ الْغَيْبِ وَالنَّهَارَةِ وَهُوَ الْقَمَرُ
 أَسْمَ اللَّهُ ۝ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِاعْتِشَارِي
 لَا يَجِلُّ وَبِكُلِّ آيَةٍ فِي الْأَجَلِ وَبِكُلِّ مَنِيَّةٍ
 فِي الْأَجَلِ وَحَرْفٍ فِي الْأَجَلِ أَبْهَأَ الْمَرْضَى
 وَالْعَبْلُ وَالْهَوَاءُ الْحَنِي وَالْجَمِيعُ الْمَرْضَى
 الْمَرْفُوعَةُ عَنْ بَدَنِ هَذِهِ صَاحِبَةُ الدُّعَا
 بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى أَضْرَحَ بِإِذْنِ اللَّهِ الَّذِي
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَالِمُ الْغَيْبِ وَالنَّهَارِ
 رَبِّهِ وَهُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

رَابِعًا وَهُوَ اللَّطْفُ الْخَبِيرُ ۝ اَسْمُ
 ۞ عَزَمْتُ عَلَيْكَ فِي الصُّفُوفِ
 وَبِكُلِّ حَرْفٍ فِي الصُّفُوفِ وَبِكُلِّ اسْمٍ فِي
 وَبِكُلِّ كَلِمَةٍ فِي الصُّفُوفِ وَبِكُلِّ حِسْنَانٍ فِي
 لَصُفُوفِ وَبِكُلِّ آيَةٍ فِي الصُّفُوفِ وَبِكُلِّ
 عَهْدٍ فِي الصُّفُوفِ وَبِكُلِّ تَهْنِئَةٍ فِي
 لَصُفُوفِ اُفْرَجَ بِاِذْنِ اللَّهِ الَّذِي لَا
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اِنْبَهَا
 الْمَرْضَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَارْحَمِ الْمَرْجُومَ
 الْمَرْضَى الْمَرْفُوعَ عَنْ يَدِهِ حَامِلَ دَعَائِهِ وَابْنِ
 صِرَ اللَّهُ تَعَالَى ۝ اَسْمُ ۞ عَزَمْتُ
 عَلَيْكَ فِي الْقُرْآنِ وَبِكُلِّ طَلْعَةٍ فِي الْقُرْآنِ وَبِكُلِّ
 اسْمٍ فِي الْقُرْآنِ وَبِكُلِّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ

وَبِكُلِّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ وَبِكُلِّ أَضْرَاجٍ أَبْهَى
الْمَرَضِ وَالْعِلَلِ وَالْهَوَاءِ الْحَيِّ وَالْجَمْعِ
الْمَرَضِي الْمَرَضِيَّةَ عَنْ بَدَنِ حَامِلٍ هَذَا
الْمَرَضِ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَافْرَجَ بَادَهُ
اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَالَمُ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَاتِ وَهُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
سَمِ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
بِالْإِيمَانِ وَبِحَقِّ اللَّهِ مِنْ سَلَامَانَ وَاللَّهُ
سَمِ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالَمُ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَاتِ وَهُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
فَإِنْ كَانَ يَهُودِيًّا وَنَصْرَانِيًّا وَعَقِبَ

و بحق داود و خليفه عليه السلام و ذرية
 و وصيه و اتباعه و اشباعه و ان كنت نصر
 نيا و بحق موسي عليه السلام و بحق
 عيسي روح الله صمد عاز و اذ انبه
 و اتباعه و ان كان يهوديا و بحق محمد

ص و آله و سلم و آله اجمعين
 هذا دعاء چهار ماهه پانزده روز

يا مخلصنا يا من شططنا يا عجز يا ملطفها
 يا ملطفها يا شلي ما يا صر يا شمسنا يا
 نفا ضنا يا حشنا يا بليتنا يا مور شمسنا
 يا كرا و خطط حجت يا مشي ما يا مولاهم
 يا طو نظني ما شلي يا شمسنا يا ملطفنا
 يا عجايبنا يا مانع يا شمسنا يا طبعنا

بِأَعْيُنِ بَاطِنٍ بِأَبْصَارِ بَاطِنٍ
 اللَّهُمَّ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى اللَّهِ نَعَا
 فِي دَفْدُسِ الْأَسْمَاءِ وَاللَّهُ وَكَتَبَ
 عَنْ رَبِّكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ
 فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ
 يُغْشِي اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يُطْلِبُهُ حَشِيئَتَا
 وَالشَّمْسِ وَالنَّجْمِ سُبْحًا وَبَارِئًا عَلَى
 لَهُ الْخَلْقِ وَالْكَافِ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ
 الْعَالَمِينَ ادْعُوا رَبَّكُمْ خَوْفًا وَحَقِيقَةً لَا
 يُحِبُّ الْمُتَكِبِينَ وَلَا تَقْسِدُوا فِي الْأَرْضِ
 مِنْ أَصْلَابِهِمْ وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ
 وَرَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

بحق وزن کلاه

جهت دفع شر جن و دیو پری و شیطان

بسم الله الرحمن الرحيم
شماره ای دیوان دای بریا که میا داریل
و مرغابند و قمرابند و علای کنبه و زرد
و نه در بدار و زرد و زرد و در شب و در نهایی
دارنده دعای فلان ابن فلان این دعا را بخوان
سلیمان ابن داود و یحیی موسی و یحیی عیسی
و یحیی جبرئیل و یحیی میکائیل و یحیی عزرائیل و یحیی
اسرافیل و یحیی لوح و قلم و عرش و کرسی
و یحیی حاملان کتب و بیان و یحیی محمد مصطفی
علیهما که وسلم و یحیی علیا و لی الله و یحیی

وَبِحُجِّي دَوَارِهِ اِنَامَ وَبِحُجِّي قَرْنِيَّتَا وَبِحُجِّي تَحْنِيَّتَا

وَبِحُجِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَافُ الْخَنَّ الْبُهْنِ الَّذِي
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَبِحُجِّي نَقْشِ خَاتَمِ سِرِّكَ وَبِحُجِّي بَيْغِزِ
وَبِحُجِّي السِّرِّانِ وَزَمِينِ وَبِحُجِّي نَسِ وَالْقِيَانِ
الْحَكِيمِ وَبِحُجِّي صَدْرِ بَيْسْتِ ^{جَوَارِ} عَمْرَانَ مُرْسَلِ وَنَزَلِ مِنْ
الْقِيَانِ مَا هُوَ شِفَاءُ رَوْحِ رَحْمَةِ الْكَافُ صَنِئِ وَلَا
يَبْدُ الظَّالِمِينَ الْاَوْحَسَا اِطْلُ ظَهْرِي مِنْ
كُلِّ اَنِيَّةٍ وَبَيْكَةِ بَقْدُ سِبْهِ السَّلَامِ لِلَّهِ الْاَمَرِ

هَذَا دَوْعَايَ اِلَهِي مَعْيَانِ وَفِي شُعْبَةٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَهَذَا كِتَابٌ
مِنَ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَمِنْ نَقْشِ خَاتَمِ
مَكِّيَانِ ابْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ

الْمَلِكِ الْحَبِيبِ وَالْأَمِينِ وَالنَّبَاتِ طِينِ كُلِّ
 نَبَاتٍ وَغَوَاصِ إِلَى جَمِيعِ طَائِفِ الْأَرْضِ لَهَا
 هَذَا كِتَابٌ مِنْ دَلَالِ الْأَزَلِ وَالنَّبَوَاتِ
 وَالْفِيلَانِ وَآمِ الصَّبَّانِ مِنَ الدِّجْنِ وَ
 الْأَرْكَضِ جَمِيعِ الْأَرْوَاحِ الْمُحْتَشَةِ الْفَجِيشَةِ عِندَ
 مَتِّ عَلَيْكُمْ بِأَمْعَاشِ الْأَرْوَاحِ أَنْتُمْ أَنْ كُنْتُمْ مِنَ
 الْأَرْوَاحِ الْمُصَوِّدِينَ فَافِي غَزَمَتِ عَلَيْكُمْ
 عَيْسَى وَكُنَّا بِكُمْ لَا نَحْمِلُ فَبَارِئُ اللَّهِ أَحْسَنُ
 الْحَالِ الْفَسْرِ وَأَنْتُمْ أَنْ كُنْتُمْ مِنَ الْأَرْوَاحِ وَالْمُطْلِقِينَ
 فَافِي غَزَمَتِ عَلَيْكُمْ نَبِيُّكُمْ مُحَمَّدٌ ﷺ وَاللَّهُ
 وَكُنَّا بِكُمْ الْقُرْآنَ بَابِدِ وَأَقْبَنَ وَحَرْفٍ وَحَرْفٍ
 وَكَلِمَةٍ أَنْ لَا تَقْرُبُوا لِصَاحِبِ هَذَا الْكِتَابِ

وَلَا تَنْفِرُ الْفِرَ وَالْأَنْفِ الْخَفَرِ وَلَا تَنْفِرُ
 الْحَبْلُ وَالْأَنْفِ الْهَارِ وَالْعِيدُ وَالْحَقُّ
 وَانَّهُ وَالْأَنْفِ وَالْمِنْ الْعِظَمُ الْقَرَأْتُهَا
 وَقَدْ أَدَّتْهَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
 لَهُ الْهَاءُ وَاحِدٌ أَدْلَكَ عَزِيَّ الْبَصِيرِ وَغَيْرُ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
 مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَابَ لَهُ رُوحُنَا
 مِنَ الْغَمِّ كَذَلِكَ تُكَلِّمُ الْمُؤْمِنِينَ نَحْمَدُكَ
 مِنْ قَبْلِ سَمَاءٍ وَنَحْمَدُكَ مِنْ قَبْلِ عَمْرِانَ
 وَنَحْمَدُكَ مِنْ قَبْلِ مَرْيَمَ وَنَحْمَدُكَ مِنْ قَبْلِ مُحَمَّدٍ الْمُطَهَّرِ
 رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَنَحْمَدُكَ مِنْ قَبْلِ

عشره سوده و آياتها و حروفها و كلمتها
 و خوار عضا و قرنها و اميرها و نصيحتها
 يا ذوالجلال و الاكرام و البهاء احفظ
 عبدك و ابن عبدك العظيم تمام شديداي

سلطان محمد قرقوي خندكس و حكيم
 فرمود هر چند شمير رايش ن ميزند غير دناي
 اين دعا را از كردن ايش ن باز كردند و از فر
 هند بياتر ما نيد بر كردن كودند نيدند و نبع رايشان
 بكشاند و قدرت حق تعالى ندهد نماند دعاي
 تبع نيد اين است اللهم لك الحمد
 اعوذ بالله لا اله الا الله محمد رسول
 الله علي ولي الله اللهم سلك

بِاسْمِكَ الْحَسَنِ الَّذِي نَدَعُكَ بِأَنَّهُ مِنْ

أَفْضَلِ الْأَسْمَاءِ حَقِّ الْحَقِّ وَيُبْطِلُ الْبَاطِلَ
بِأَنَّهُ مِنْ أَفْضَلِ الْأَسْمَاءِ بِحِفْظِ أَحْسَنِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
هُوَ رَحْمَةُ هُوَ وَهْلِيلُ اسْمِهِ أَوْ رَحْمَتُهُ
بِسُودِهِ أَطْلَعُوا مَعَهُ الْأَحْيَاءُ هُوَ حَرَمُ الْكَافِرِينَ
الْمُسْتَمِينِينَ عَمَّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَهُوَ حَرَمُ مَوْتِهِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَهُوَ حَرَمُ مَوْتِهِ
وَنَحْنُ حَرَمُ حَرَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

باب جَدُّ بَرْدَنِ أَطْفَالِ ابْنِ دَعَا نَوَاشَةِ عَجُومِ كَرْدِ جَدِّ دَرَادِ
بَقْدَةِ دَرِ بَرِ طَفْلِ بِنْدِ دَعَا ابْنِ اسْتِ لَسْمِ لَسْمِ الْوَقْفِ
الْزَّجْمِ الْكُفَّاسِ بَرِ بَرِ وَالْقَادِ بَرِ بَرِ وَالْقَادِ

والقائمين والمُتقين والمستقرين بالاسمحات
 شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واد
 لو العلم قائماً بالقسط لا اله الا
 هو العزيز الحكيم قل اعوذ برب
 الفلق ومن شر ما خلق ومن قاسق
 اذا ذهب ومن شر النفاثات في القبر
 ومن شر حاسد اذا حسد وقل اعوذ
 برب الناس الله الناس ملك الناس
 من شر الواسوس الخناس الذي
 يوسوس في صدور الناس من الجنة
 والناس قل اعوذ بك من همز في الشياطين
 انه محض دين يامر بك بحق من جامع القرآن وعقوبة
 يمين القرآن الحكم وعقوبة ن والقلم وما سطره

بِسْمِ جَلِّهِمُزَادِ اَزْدَارِنْدُهُ دُوعَا اَزْجَنِ اَنَسِ پُورِی

وَ اَزْجِوَانَاتِ عَلِی عَلِی عَلِی عَلِی عَلِی
نَسِ نَسِ نَسِ نَسِ نَسِ نَسِ نَسِ
نَسِ هِیَا هِلَه هِلَه هِلَه هِلَه هِلَه هِلَه
هَیَا هِلَه اَهْیَا اَهْیَا اَهْیَا اَهْیَا
اَهْیَا اَهْیَا اَهْیَا قَدْ وَسْ قَدْ وَسْ قَدْ
وَسْ قَدْ وَسْ قَدْ وَسْ قَدْ وَسْ قَدْ وَسْ
لَهْ لَهْ لَهْ لَهْ لَهْ لَهْ لَهْ لَهْ لَهْ لَهْ
اَزْجَنِ دَانَسِ وَ اَزْجِوَانَاتِ وَ بَجَقِ اَنَهْ مِنْ سَلِیْمِ
وَ اَنَهْ لَسْمِ اَللّٰهُ اَلْوَحْدُ الْوَحْدُ الْوَحْدُ
عَلِی وَ اَلْوَحْدُ الْمُسْلِمِ وَ بَجَقِ مُحَمَّدٍ وَ اَل
مُحَمَّدُ هِیَا هِلَه هِلَه هِلَه هِلَه هِلَه هِلَه
بِسْمِ اَللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۹۳

باید در بیان ناخته گرفتن چنین امتحانی که هر که در روز
 شنبه ناخته گیرد بسیار او دراز گردد هر که روز یکشنبه ناخته
گیرد مال او زود تلف گردد هر که در روز دوشنبه ناخته گیرد
 او در روز سه افتد و عشا که شبهه روز سه شنبه ناخته
 گیرد مادام در جنگ و غوغا باشد هر که روز چهارشنبه
ناخته گیرد بچشم خالایق عزیز و گرامر گردد هر که
روز جمعه ناخته گیرد رونق روزی او زیاد شود
 بدانکه روز شنبه پیش از نماز اگر خواهد در طلب هر کاری
 بسیار خستد و روز یکشنبه بعد از نماز در طلب هر حاجت
 که خواهد بود که بر آید و در روز دوشنبه پیش از نماز تفر
 و بعد از نماز نقیصان در طلب باشد و روز سه شنبه در هر وقت که خواهد
 از بیرون رود در طلب هر کار بود دارد چهارشنبه
در هر کار صبر کردن بهتر باشد که باز یافتن پنجشنبه
پیش از نماز در هر معامله که با هر کاری مقصود دارد روز جمعه در هر
پایه دار باشد دیگر حاجت هر کار عیب ندارد

بسم الله الرحمن الرحيم

باب چله بریدن زمان اینست ا ب ج د ه و
ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ض ق ک ح ط ی
ت ث خ ف ض ط ی ع ل جله نه که خواهر حامله
طالع او را بگیرد نام او را و فاده او را بحباب امجد بگوید
هفت هفت طرح کند تا چند باقی بماند اگر یک و سه
پنج بماند تا هفت بماند چله او فاده است اگر دو چهار
و شش بماند چله او فاده است باید برید و اگر هفت
بچه او فاده است باید سه رگت بر ششم یا دهم
کلمه دعا بخواند کرده زده بر داکتر چهار بماند چله چنان
فتهاده است این دعا را بر سر پاد کاغذ بنویسد هر چهار
شنبه بگوید در آب اندازد چهل کاسه آب بر سر ریزد تا سه
چهار شنبه بفرمان خدا رتقا و الله عظم انشاء الله نکلا
دعا اینست ا ب ج د ه و ن ح ط ی ک ل م ن

باب در حمد مغربی بسم الله الرحمن الرحيم از برادر
کافی که اولاد با نمیکرد یا نرسیده یا نرسیده نمی ماند
حمد مغربی را بنویسد و سه بخش در تمام برده دو
طاس آب و عاثر سر بریزد و طاس در دست چپ
و طاس در دست راست بعد دو عالم با فهم دارد
اولاد برور با کیر و لبسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمین یا حی یا قیوم یا
أَجِبْ یا عَسْأَسْئَلْ عَمَّا تَسْأَلُ قُلُوبِ
جَمْعِ مَخْلُوقَاتِ الْوَحْدَانِيَّاتِ مِنْ عُلُوقَاتِ
وَالسُّفْلِيَّاتِ سَمِيعًا مُطِيعًا الْحَقُّ الْحَمْدُ
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الْحَقُّ الْحَقُّ الْقِيُومُ وَ الْحَقُّ
مَلِكُ الْمَلَكِ الْمُرُوكِلِ بِقَائِمَةِ الْعَرْشِ وَ الْحَقُّ
هُوَ وَفَّ أَجْبَدُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مَرْحَمُ يَا رَحِيمُ
يَا تَرْوِفُ يَا غَفُورُ أَجِبْ يَا جَبَّارُ سَلِّ عَلَى

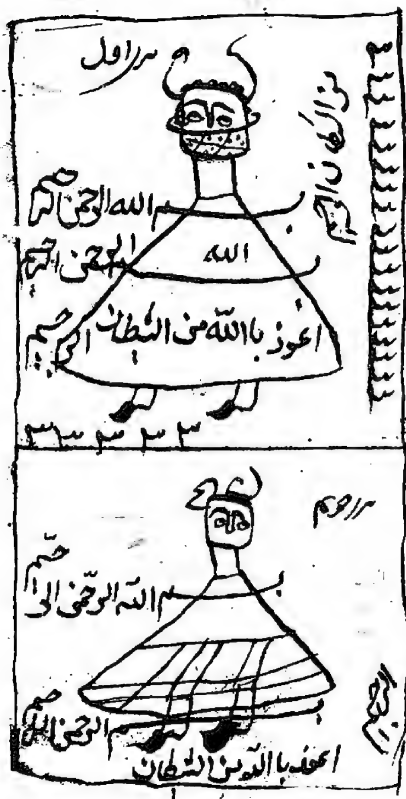
مَا تُشْجِرِي قُلُوبَ فَخْلُوتِ الرَّوحَانِيَّاتِ مِنَ الْعُلُوبَاتِ
 وَالسُّفْلِيَّاتِ سَمِيحًا مُطِيعًا كَبْنِ رَحْمَنٍ رَحِيمٍ وَكَبْنِ رَوْفٍ
 عَطُوفٍ لِلطَّيِّفِ وَبِكُنَى الْمَلِكِ الْمُسَوِّكِ وَبِقَائِمَةِ الْعَرْشِ
 وَكَبْنِ حُرُوفٍ هَوَازِ حُطًى مَا لَكَ لَوْمُ الدَّيْمِ يَا مُقَبِّبَ
 الْعُقُوبِ أَجِبْ يَا مُسَائِلَ عَلَى مَا تُشْجِرِي قُلُوبَ فَخْلُوتِ
 الرَّوحَانِيَّاتِ مِنَ الْعُلُوبَاتِ وَالسُّفْلِيَّاتِ سَمِيحًا مُطِيعًا
 كَبْنِ مَا لَكَ لَوْمُ الدَّيْمِ وَكَبْنِ مُقَبِّبِ الْعُقُوبِ وَكَبْنِ مَلِكِ الْمُسَوِّكِ
 بِقَائِمَةِ الْعَرْشِ وَكَبْنِ حُرُوفٍ طَبِيعُ آيَاتِكَ نَعْبُدُ وَإِنَّا لَبِ
 نَسْلَعُوكَ وَكَبْنِ يَا غَمَزِي يَا قَدِيمَ وَكَبْنِ أَجِبْ يَا غَمَزِي لَأَسْئَلُكَ
 مَا تُشْجِرِي قُلُوبَ فَخْلُوتِ الرَّوحَانِيَّاتِ مِنَ الْعُلُوبَاتِ
 وَالسُّفْلِيَّاتِ سَمِيحًا مُطِيعًا يَا سَرِيعَ يَا قَرِيبَ يَا مُعِيبَ
 يَا مُسْتَعَانَ أَجِبْ يَا مُبْكَاسِدَ عَلَى مَا تُشْجِرِي قُلُوبَ
 الْخُلُوتِ الرَّوحَانِيَّاتِ مِنَ الْعُلُوبَاتِ وَالسُّفْلِيَّاتِ
 سَمِيحًا مُطِيعًا كَمَا يَا نَعْبُدُ طَائِفَتِي

نُسْتَعِينُ وَبِحَقِّ سِرِّ الْحَسَابِ سِرِّهِ وَالْقَرِيبِ
بِأَمْرِهِ بِأَمْسَلِهَا يَا اللَّهُ وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الْمُؤَكَّلِ بِقَاعِمَةِ الْعَرْشِ
وَبِحَقِّ حُرُوفِهِ أَحَدِنَا الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ يَا ثَانِدَ سِرِّ بَاقِيَتِهِ
أَجِبْ بِنَاصِرِكَ عَلَى مَا تُخْرِجِي قُلُوبَ الْخَلُوقَاتِ الرُّوحَانِيَّاتِ
مِنَ الْعُلُوبِيَّاتِ وَالسُّفْلِيَّاتِ سَمِيعًا بَعِيدًا مُطِيعًا بِحَقِّ إِهْدِنَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَبِحَقِّ ثَانِدِ سِرِّ مُقَدِّمِ وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الْمُؤَكَّلِ
بِقَاعِمَةِ الْعَرْشِ وَبِحَقِّ حُرُوفِ نَصْرِ صِرَاطِ الدِّينِ انْعَمْتَ
عَلَيْهِمْ يَا اللَّهُ يَا عَلِيمَ يَا حَكِيمَ اجِبْ بِأَعْيَانِكَ عَلَى مَا تُخْرِجِي
قُلُوبَ الْخَلُوقَاتِ الرُّوحَانِيَّاتِ مِنَ الْعُلُوبِيَّاتِ وَالسُّفْلِيَّاتِ
سَمِيعًا مُطِيعًا بِحَقِّ صِرَاطِ الدِّينِ انْعَمْتَ عَلَيْهِمْ وَبِحَقِّ مَلِكِ الْمُؤَكَّلِ
بِقَاعِمَةِ الْعَرْشِ وَبِحَقِّ حُرُوفِ شَهِيدِ شَهِيدِ شَهِيدِ
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الْغَالِيينَ وَبِحَقِّ بَاقِيَتِهِمْ يَا مُنْزِلَ قُرْآنِ
الْمَلِكِ الْمُؤَكَّلِ بِقَاعِمَةِ الْعَرْشِ وَالْأَمَلِ وَالْأَقْوَاتِ الْإِلَهِيَّةِ الْعَظِيمِ
يَا مُنْزِلَ الْقُرْآنِ وَالْمَوْلَا وَنُورِ الْقُدُّوسِ وَنُورِ الْقُرْآنِ مَا جَعَلَ
شَفَاعَةً إِلَّا وَجْهَهُ لِلْكَوْثَرِ وَجْهِي عَلَى قَدَرِ مَا أَنْزَلَ لِي الْأَرْوَاحَ

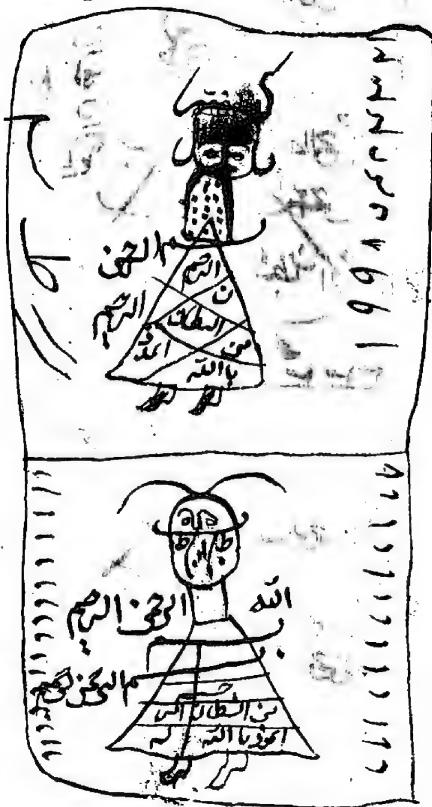
باب دیگر از برای تشخیص نانی که اولاد بر دریا بگیرد یا نکند در
لحم صلیع کند باید آنکه اول از حرام بر سر نکند زن و هم مرد
باید آنچه حرام میباشد ز خورد چرا که اولاد جنایات از حرام نطفه
بسته میشود و علامت آن است که حرام است باک نسکه
حرام بخورد خوش هم در محبت و چه در بازی چنانچه از
حرام بر سر ناید که نطفه از حلال بسته شود و دیگر آن
نزوی می کنند و اولاد بی همت میشود چرا که بنجر و غیره
که حرام و فاکند و هر چیز حرام با در آن نشاید بسوزد
با در آب اندازد غرق نشود یا آنکه جنایات است
تخلیل میدهند و سیاه و کبود میگردند و ضعیف میشوند
و تخلیل میروند باید تا آنرونی که آن طفل را شیر دهند
حرام خوردن آن عاقله و تعالی فرزندها را کرامت فرماید
و هیچ آیه پور نرسد والله اعلم
بالحق

حضرت سیدنا محمد و آلش و پیغمبرین را در بند کرده و دوازده نام
 حبس اختیار جنین که داشتند قسم یک کعبه که هر کس از
 و عا دوازده پر را با هم دارد و پنج اسب بوی نرسد
 اگر چه زن باشد و چه مرد باشد تفاوت ندارد و الله تعالی

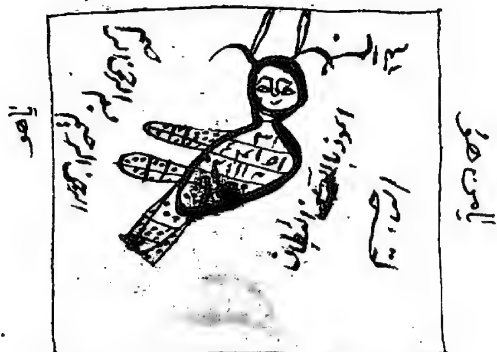
بسم الله الرحمن الرحيم
 لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة
 ولا نوم له ما في السموات وما في الارض من ذنوب
 ينفع عنه الا باذن يعلم ما بين ايديهم وما
 خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء
 وسع كونه السموات والارض والابنودة حفظها
 وهو العلي العظيم يا عبا العظيم وصلى
 وسلم اللهم صل على محمد و آل محمد
 ما هو شفاء و رحمة للعوالم و لا تنفد
 الظالمين الا حشرنا



بسم الله الرحمن الرحيم



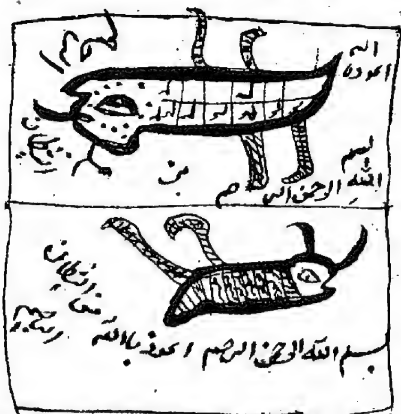
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

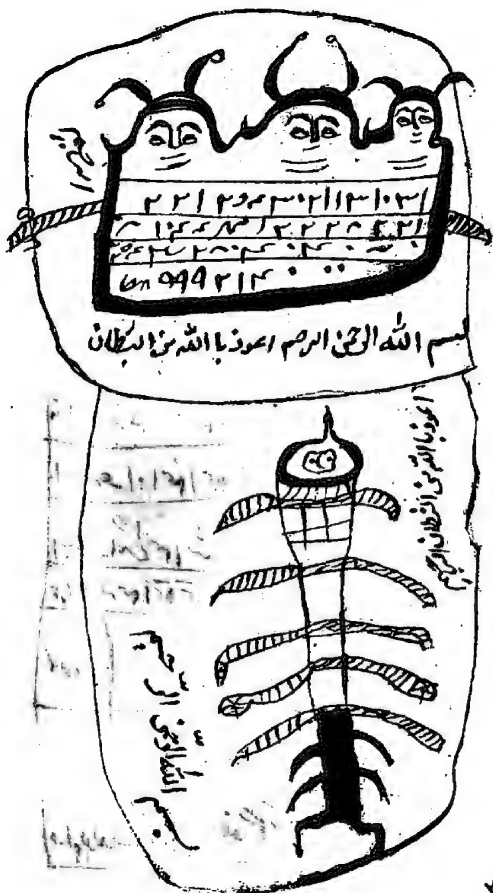


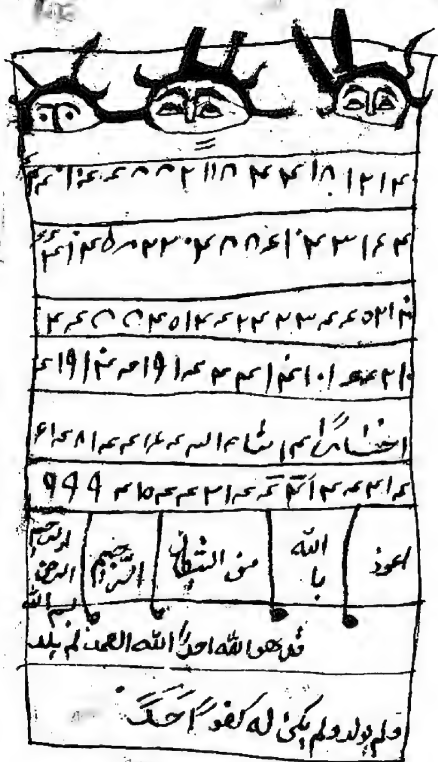
۱۲۵۵

۲۷۵

بسم الله الرحمن الرحيم



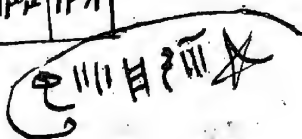




و د خواص سلام قول من رت ارحم
 در شرف شمس این مربع مونسو لید اگر نشود و بخت و طالع
 و زعفران بکاغذ زرد صد یک خاصیت در این
 مربع نوشته اند من جمله از برای سرس و خف و کرب
 اطفال و مصروع و تب و دفع مار و عقم و بیا و طاعون
 و اگر هر روز ۸۱۸ مرتبه بخواند بعد از آن صد و شصت و نه
 صلوات فرستد و بدین عمل مداومت نماید مستجاب
 الدعوه شود و مربع افست و ۱۱۸

سلا	قولا	منوت	رحم
۲۹۳	۲۸۷	۱۳۲	۱۲۶
۲۸۶	۲۹۰	۱۳۹	۱۳۳
۱۳۸	۱۳۴	۲۸۵	۲۹۱

شصت و
 هجده مرتب



مال مطابق اسم جعفر را مطلب خود
 اول زکوة اسم سونک لک بلیست و پنج هزار مرتبه
 بدید بعد از آن یکصد هزار نماز بعد و خودیش
 بخواند اما زکوة سوچهل قسمت نمودیم هر قسمی
 ۱۲۸ ۳ سه هزار و صد و بلیست و پنج
 مرتبه است بعد از اتمام زکوة همیشه اوقاف
 ۹۷۴ یا نصد و هفتاد و چهار مرتبه
 همیشه بخواند دیگر آنکه مربع را از آرد شرف
 قرین انکشتن نقه نقش نماید در انکشتن نماید
 آنکه اگر هر یوم یکصد مربع نوشته باشد و زعفران
 و کباب در عمامه نگاه دارد روز دیگر باب دهد
 و مربع آنرا نماید بهتر است لکن در خواندن
 اول و آخر صلوات بفرستد و اگر بخیزد نماید
 بهتر است و اسمها اینست یا الله یا احد
 یا حی یا قیوم یا معمر ۹۷۴ مرتبه

هزار بار صلوات بر الله علیه و آله و سلم

ختمه این نور از برای انکشاف و تنور قلب
 و در عالم خواب کشف در چهار رابعین
 بخواند و وقت خواب اربعین اول چهارده
 مرتبه این نور را وقت خواب بخواند سیزده
 در اربعین دوم چهل و هشت مرتبه این را
 بخواند و در اربعین سوم دولست و دو مرتبه
 بخواند در اربعین چهارم دولست و پنجاه
 و شش مرتبه این را بخواند مقدم در اول چهارده
 صلوات بفرستد و آخر چهل صلوات بفرستد
 و هر شب بعد از نماز مغرب چهار صد و هفتاد
 و سه مرتبه معصوم عشق که بعد خودش
 بخواند و هر وقت که آب می خورد یک مرتبه این نور را
 باب بخواند و بخورد مسموم

دعای در درسی بسیار مجرب است و هفت مرتبه هفت
 اسم بزرگان هند را بخواند البته رفع در دیشود
 سَلَسُو بَلَسُو جَا ط م جِی کَ چِی رُو
 پِی رُو حَشِی ه از برای فتوح
 سَوْن لِس مَوْن و از جَوْن بایز سلام قولاً فتح
 من رب رحیم برسد ۱۴۸۸ تکرار نماید
 و بعد سوره یونانم نماید ریاضت سوره
 لیس را بخواند اول صغیر که دویست و سی
 کبر صغیر ده هزار مرتبه و وسط چهار هزار
 مرتبه کبر نود هزار مرتبه یا شرا بط و ترک
 حیوانی و بخور و صوم لشجر ملائکه مقربین در
 اینست از برای وسعت رزق هر روز
 هزار مرتبه یا باسط بخواند

اول سالت را بخواند شکریه و در دفعه دیگر بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بگوید

پانصد و هفتاد و چهار مرتبه هشت اوقات بخواند
بعد از هر نماز و صوم ایستد و قضا ۸۷۴

۱۴۳	۱۴۶	۱۴۹	۱۳۶
۱۴۸	۱۳۷	۱۴۲	۱۴۷
۱۳۸	۱۸۱	۱۴۴	۱۴۱
۱۴۵	۱۴۰	۱۳۹	۱۹۰

عدد صغیر برای
فتوحات عدد

وسیط برابر
مطالع عدد

کبیر برابر
کبیر از کبیرات

عدد گذشته مال
بعبارت نماز

صغیر بود و سیط ایستد ۸۷۴۰۰

عدد کبیر ایستد ۸۷۴۰۰

بسم الله الرحمن الرحیم و هفتصد و چهل مرتبه ایستد است
مال کبیر بنجاه و هفت هزار و چهار صد مرتبه

لا اله الا الله و غیر لازم است
در کبیر صوم و بخور و ترن حیوانی لازم است
اگر در ازین اول شد تکرار نماید تا مطلب حاصل

از جمعه حامله شدن زن هرگاه حامله نشود این عمل را
 بنا آورد که اگر از جمعه حامله خواهد شد و تفصیل
 آن اینست که زن روزه جمعه بعد از نماز صبح بدون
 تکلم یا صدی سصد و سی و شش مرتبه یا مقصور و همچنین
 بعد از نماز صبح تا هفت روز که روز بیستم میشود

^{۷۸۴}

۷۴	۹۱	۸۶	۸۳
۸۷	۸۲	۷۷	۹۰
۸۱	۸۴	۹۳	۷۸
۹۲	۷۹	۸۰	۸۵

و این طلسم را هم حمل
 کند در وقت نوشتن
 و قوی بخور عود لبون
 و اینست طلسم

اذا اردت ان تعرف
 المریض من سحر او رخصه جنون او غم فخذ عمامه ان كان
 رجلاً و القناع ان كان امرأة و اسير شراً جداً و تلفه
 فی بطنك و تغزم علیه بهذه الغزمية انما فان زلات
 فهي نظره من الجن و ان نقص فهي من سحر و ان سبوت
 فهو مرض من الله و الغزمية فهي هذه
 بسم الله الرحمن الرحيم و الصافات صفا فالزاجرا
 زجرا فالنالكات ذكر ان الحكم لواحد رب السموات
 و الارض و ما بينهما و رب المشارق انما زينا
 السماء الدنيا بزينة الكواكب و حفظا من كل
 شیطان

شیطان فاردا لیسیمون الی الملاء الاعلی و یفدون
 من کل جانب دحورا و لهم عذاب و اصاب الی
 من خطف الخطف فانه شهید شهاب ناقت شرا هیه
 القزع و رب النار و النور و لقد سبقت کلینا
 لعیادنا المرسلین و ما قدر و الله حق فذکر و الاض
 جمیعاً قبضته یوم القیة و السیما مطویات
 بیده سبحانه و تعالی لیرکون شرا هیا
 و رب النار و النور و الطور و کتاب مسطور
 و بعزت الله و سلطانه و بحق سلیمان ابن داود
 الا ما بلیت ما بصاحب هذا الامراض عم
 در میان دعوت فل هو الله قال کتاب خود شما در روز یازدهم
 شانزدهم هزار مرتبه نوشته است تقسیم این باید نمود در آن روز
 بعد از هر نماز سه هزار مرتبه در مضاعف هزار مرتبه بخواند
 دیگر دعائی که عند کبر آن هزار و صد و یازست و یکبار نوشته
 در یک مجلس خلی صبح است بهتر است که بعد از هر نماز در وقت
 مرتبه در نصف صبح صد و بیست و یکبار بخواند و اگر در یک روز
 برآورده نشود نکرار نماید تا برآورده شود در یکبار برای شوی
 چهل و یک شب بعد از نماز عشاء هر شب چهل و یکبار سوره
 و اللیل را بخواند چون بایر و ما لاحد من نفع تجزئ برسد
 مرتبه نکرار نماید و بعد بانی سوره را تمام نماید عم

هر که ایند عارا با خود دارد تفنگ باو کار کنند
اگر شواهد بسیار باید به کوفه مرغ بنشیند

بسم الله الرحمن الرحيم
يا حفيظ يا حفيظ سب سب ابرسا
سارسا وللهون واللدون
اربسون وكم لا تخاف دركا ولا
خشيته انت مولانا فاضلنا على
القوم الكافرين

عیسی و ذبور داد و فرقان تحمل مصطفیٰ و بحق طه
 و یس و هم و عسق و بحق که منتهی است و الفلم
 و بحق برائیل و صیگائیل و اسرافیل و عزرائیل
 و بحق اهیگا شرهبا و بحق اسمائیک العظیم العظمیٰ باده
 الساعه باد و سه بار از یحی و در میان طعام کنند
 تا هر دو بخورند که با صلاح ایند بقدرت خلایق
 دو سه میلانه ایشان یکانه باشد لیکن خداوند
 قوه داد و طبع ایشان موافق آتش بود چنانچه خواهی که میان
 ایشان محبت پیدا آید نوشته بنویسد و در میان
 کله نور خرد و در آتش دآن دفن کنند یک شبانه روز
 چنانچه مردن آورد بشکنند و آن را بریدن آورد و بشویند
 اولاد در طعام کنند و بخورد و انکس دهد اینست
 یا معشر الحی و الارواح بین القیوم و بین النفس عینا
 عیلبون اهیگا شرهبا ادو فی اما و فی عیا او یاسر

عنه

غوباعاصو ۱۱۲۲۲۲ // ۸۳۳۸۱۲۲

۲۲۲۲ علی حبیب فلان بن فلان الخجل س بار الساعه الساعه
دو دهنه هر دو موافق باشند و طبع راست
هر اوجت شاید ۲ و ۵ هیچ سود ندارد ۲ و ۵ در میان
جنگ و خصومت افتد گاه گاه و لیکن در نزاع و جنگ
و انزک نمودن نذر و کار باشد ۲ و ۵ اول
دوست باشند و آخری نلارد و انزک علاج توان کرد
۲ و ۵ الله اعلم میان ایشان موافقت نباشد
۲ و ۴ دوستی باشد و خلوت طلبند بحیث
ندارد دوستی ایشان گاه باشد و گاه نذر علاج سود
۳ و ۳ و ۴ ظاهر دوست باشند و آیه هیچ سود ندارد
۳ و ۵ هر دو مشفق باشند و هم طبع صحابه توان کرد
خاصه ذن ۳ و ۵ هر دو موافق باشند و دوستی
ذن

ذن باشد که قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی تا آخر
 آیه بنویسد و با خود دل دارد و بباد و راست دزن به

نا تبونی میگوید که پیغمبر را که در نزد تو است و الله تعالی را

باز و چپ ۳ و لاهر دو موافق باشند و لیکن

مرد را محبت زیاده باشد چون خاها که دوستی
 کند غایب نماند که نقش کرده باشد در شبق

در موم گیرد در ساعت سحر بنام انکس در زیر آستانه

خانه انکس پنهان کند که دوستی پیدا شود

۳ و ۸ هر دو یک یک بگرد دوست دارند اما نظا

نمودار در این علاج و فائده دارد ۳ و ۹

میان ایشان موافق باشد مشک افسون کرده

لحم و قل هو الله احد آیه الکری می بخواند چون

بوی خوش بایشان در دل محبت عظیم پیدا شود

دال عم و عم گاه محبت و گاه نفاق است اما

بحر فراوان باشد تا بعد از نگاه دارند محبت

باشد

باشد چنان دست بردارند علوت اقل ۵
 هر دو دست دار باشد طبع ایشان باشد نزد یک
 ۲ برو قوی اثنی عشر دارد ع و ع ازین موافقت
 ۵ و ع میان ایشان موافقت تمام باشد از افسون
 توان صحت جهت موافقت ایشان که چهار
 طبع نزدیک است ع و ا یک دیگر اعتماد نند
 در شل اقل از یک دیگر نتوان کرد و حجت بیشتر
 از مرد باشد علاج باشد توان کرد ع و ا میان
 ایشان دو ستر تمام باشد بودی مثل افسون کرده
 نیکو به الهاء ۵ و ۵ هر دو یک دیگر دوست
 دارند حجت کردن در میان ایشان دیونگی آورد
 ۵ و ا میان ایشان بغایت دوستی بود چنانکه به
 یکدیگر صبر نتوان کرد ۵ و ا یکدیگر دوست دارند
 علاج خواهر بکن و خواهر بکن ۵ و ۹ موافق باشند اما
 موافق باشند اما عاقبت بحدی افتد الزام ع و ۵

ع و ع بغایت محبت باشد خواه کنی و خواه نکنی
ع و ا محبت باشد و علاج کلم گفتن و از یکجانب بود
ع و ا بغایت موافق باشد ع و ا دوستی ایشان
زیاده از عداوت باشد و افسون با صلاح آورد
السلامه و ا هر دو مخالف نمایند مگر افسون

کنند و در آب این آوند و به خود دهد و دهند لاد ا
هر دو و ستار باشند از دوستی زیاد و یکدیگر را دوست
ندارند لاد ا دوست باشند علاج چشمه و دایم ایشان
تعویذ آفتی باید نگاه دارند ا کاء ا و ا
میان ایشان رشک بسیار باشد تعویذ بمشک
و زعفران بنویسد بغایت نیک باشد و مشک
افسون کرم با خود دارند ا و ا میان ایشان علی شوم
ندارد و کینه اصلان به عاقبت عداوت پیدا شود
الطافه و ا هر دو مخالف نمایند و متخاصم ایشان
نیکه

نیکو به خاصه بر بجان به ستانه و این افسون بروی
 خرمن اینت $\text{نَکَرَقَا طَرَقَا یَا مَوَدَّ شَقِیتْ هِیَا هِیَا}$
 آذونی آصداوَت ال شِل ای افسون کر بنام خدای
 دود سوختی افکنند از ۴۴۴ در بخان ۲۲۲ هَلَا هَلَا
 $\text{هَلَا هَلَا هَلَا هَلَا العِجْل سَارِ الوَحَالِیْهَا وَ مَرَدَا زِیْن}$
 حمال آفت که میان دود حلال اگر خصوصیت باشد
 حساب کن اگر موافق است مطابق کن و است
 از برای ای اختار مطلوب این مرتبه در شاعت عمل بروی
 در ۱۵۸۳۹ دود دیگر نفع این عمل میکند

۱۶	۱۰	۹	۳	۵۴۵
۴	۱۵	۱۱	۵	۵۴۵
۱۲	۴	۱۵	۱۸	۵۴۵
۱۵	۱۹	۱۳	۷	۱
۸	۲	۱۵	۱۵	۱۴

۳۹۲	۳۹۵	۳۹۶	۳۹۱
۳۹۶	۳۹۵	۳۹۹	۳۹۹
۳۸۹	۳۹۹	۳۹۳	۳۹۶
۳۹۸	۳۹۹	۳۸۸	۳۹۲

بنویسد یا تشعرو ثایا شقیضا بخورند و در آسمان
 هیچ هیچ با ملک الجن و الشیاطین هیچ هیچی قلب فرم
 علی حبث فرم فرم العمل العمل الوحا الوحا الحرق
 الساعة الساعة الساعة الحرق الحرق الحرق
 النار النار النار بعد در زیر آتش گذارد و طلب
 حاضر شود و در وقت که ناز گذارد قدر کند و جاور
 و مصط و میسر سائل و نبات در آتش ریزد و مداد آن
 سرخ نبات و صمغ عربی است

جهت خواب دیدن این اسم را بود است چوب نوبس و آن
 نکوید و بخواب رود هر نیت که کرده باشد در خواب بیند

مارد و س خار و س با سما هم مرسل
 صفهای اسم یاد روا اگر تر حاجتی باشد و
 خواهی که بدانی آن حاجت روا خواهد شد یا نه مشق
 از حیوانات بود از کرم یا جویا برنج و نیت کن
 حاجت خود رو و بعد از نیت از آن برده شود
 بهست طرح کن اگر یک بماند از ذره باشد و حاجت
 زود روا شود

و اگر دو بجاند از مزنج باشد و حاجت روا نشود و اگر
 سه بجاند از مشتری باشد حاجت روا شود و اگر چهار
 باشد از زحل باشد حاجت روا نشود و اگر پنج بجاند از
 اذفتاب باشد حاجت روا شود و اگر شش بجاند از ماه
 باشد و حاجت زود روا شود بجمیع جنات و تمام اشخاص
 که در سفر باشند نبوی صلی الله علیه و آله و این طالع را هر کس که
 یا کلوغریاک بنزد و در جاه آب اندازد که بزیار رود در
 کوش و در هر گاه اصل از غنچه میاید بر صحت باشد و بگاه صحت
 شمعون این مرده باشد **بسم الله الرحمن الرحيم** یا قوم انما هذ
 الحیوة الدنیا متاع و ان الدار الاخرة هی دار القرار فعمل
 حزم ذکر او انش و هو شومس ~~عمره ۱۱۹۱۱۹~~ ~~عمره ۱۱۹۱۱۹~~

حیات حیات مات رضی اسم رضی الله عنهما و اسم مادر او
 و اسم روز و اسم عدد ایام ماه و وقت و یک احسان غنچه و بیسی
 طرح نماید اگر لوح حیات زنده و اگر در مات نماید مرده است

س

و در می باید بود چنانچه
 تازانده می شود
 بکسر می شود
 عدد و ضابطه



بَارِسْوَلُ اللّٰه
 صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْكَ



جل کبیر

اب ح د ه و ز ح ط
 ۲۱ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹
 ی ک ل ص ن س ع ف ص
 ۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰
 ق ر ش ث ت خ ذ ض ظ ع
 ۱۰۰ ۱۱۰ ۱۲۰ ۱۳۰ ۱۴۰ ۱۵۰ ۱۶۰ ۱۷۰ ۱۸۰ ۱۹۰ ۲۰۰

وسیط

اب ح د ه و ز ح ط
 ۲۱ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹
 ی ک ل ص ن س ع ف ص
 ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹
 ق ر ش ث ت خ ذ ض ظ ع
 ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

منه جفده ددل کیم بیا و ددل جفده
 بحشم کنده جی بند

جمل صفیر

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک
۸ ۳ ۲ ۴ ۵ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۸

ل م ن س ع ف ص ق ر ش
۷ ۴ ۲ ۱۰ ۸ ۶ ۴ ۸ ۱۰ ۸

ث ث خ خ ذ ض ظ غ
۴ ۸ ۴ ۴ ۸ ۴ ۴ ۴

ا یغ بکر جکش دمت نصت
۱۱۱ ۲۲۲ ۳۳۳ ۴۴۴ ۵۵۵

د سغ ذ عن حفض طفض
۶۶۶ ۷۷۷ ۸۸۸ ۹۹۹

نیم سوره و التشمیس روز و هن از مرتب بخانه
صبح روز و ک آفت حتم سوره و التشمیس از مرتب از کرات
و التشمیس فات چهل نیم یا تر کن حیوانی و کبر و صوم اول طلوع
آفتاب مقابل آفتاب و وقت غروب مقابل آن بخواند
صبح از مرتب و وقت غروب آفتاب از مرتب بخواند

از برای لشکر افواج و عوام و آتشمن
 هفت روز هر روز و نیست مرثیه بخواند
 اگر بخواند در یک مجلس بخواند بسیار
 صعب است پنج قسمت نمودیم هر قسمت
 چهل مرثیه بعد از نماز پنج گانه بوسیله
 هر قسمت را بخواند مع شرایط از بخور
 و صوم و خلوت و ضد و ترک جوانی
 شرح یاس مرغی باین غزل است

بسم الله الرحمن الرحیم مروست از امام بحق
 ناطق بوضوح القنادق که از رسول خداست روایت کرده
 است که این سوره نو را در جایین نماز شام و نهفتن بخواند
 از جمیع بلاها محفوظ ماند و مردان دیندار و اخوان و جاهل
 گردد و اگر این سوره را بخواند و بر آب روان دم و بعد از آن
 وضوء بپاشد و در کف نماز بکند و در هر رکعتی
 بحد.

بجز از حمل این سون و آنجوان و بر خود دمل اگر همد
 عالم را آب بکشد و او در دروازه باشد هیچ المی
 با و نرسد بفرمان خدای تعالی و اگر این سوره را در
 ساعت سحر بنویسد در بازوی راست
 خود بنهد دشمنان دوست او کردند و هیچ غلا
 یقین صحر او کرد و اگر نخواهد که کبریا عاشق
 خود کرد آن پناه یقین کس از او نگیرد باین
 سوره را چهار سنه دین بخون و در کوزه آب
 ندین اند و در سر کوزه دعوای بگوید و در انکس
 خانه حمام دفن کند انکس از عیش ببقیاد کرد
 و اگر نخواهد ابواب بیرونش تو کشاده گردد باین
 دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمل

لین

این سوره را بخواند و این عمل در روز شنبه یا پنجشنبه
 یا هفتم بجا آورد اجواب دولت برده و او کشته شده
 شود و اگر فواهی میان دو کس جلالت و دشمنی افکند
 این سوره هفت مرتبه بخوان بر دو پارچه نان
 و بسک ده و اگر مرد باشد بسک نوبه تا بخورد
 چنان شوند که هرگز یکدیگر را نتوانند دید
 و اگر زن باشد بسک ماده و اگر فواهی که دشمن
 خود را هلاک کنی بیاور یکصد عشت خام و در پیش
 خود بخورد و بکن دو صلحکار بخوان
 این سوره را در هر مرتبه که تمام شود یک خط بخورد
 تا صد بکش تا صد دیگر تمام شود و نگاه
 خشت را چنان کنی و نماز میت بر آن
 بکن

بکن از درون شخص دشمن را بنظر در آورد و بعد از آن
 چنانچه در عقب سر خود در آب اثل زد چون آن
 پشت در آب ضایع شود آن شخص نیز هلاک
 شود اما زینهار این عمل را کسی و بجهت بازمان
 غائب این سوره را بیست و یک مرتبه بخواند بنیت
 غائب یا غایب هر روز بیست و یک مرتبه بخواند
 را بر کاه غن بنویسد در صحنه آید و در بارش
 راست خود بندد عجایب بسیار مشاهده نماید
 و در نزد خلائق عزیز و محترم گردد و اگر خواهی که
 دو روز پیش لعل پیش فرشتگان بکند بخواند باشد
 که هفتاد و هفت قرآن کرده باشد و همیشه در حفظ و آیه
 حق باشد و اگر خواهی که عقل انسان کنی بکند
 هفت روز و هفت کمر بران و بر هر کس هفت

باد

۳۰۵

باد این سوره را بخوان و در پیش خانه انکس
 دفن کن لسان انکس بستانه کرد و اگر خواهی کسی
 اموریان خود کنی بکبر چهل عمل در سنت دین هاست
 و سنت رینه ها را در کوزه آب نریزی بکسی بزد
 کوزه را بموم بکسی و در کرباب تمام دفن کنی و بعد از آن
 عجاایب خواهی دید و بیم آن بید که دیونه گردند
 شود و اگر خواهی که کینه اطمینان و فرمان ببرد خود
 کرده بیاد بر قریب نشاد در دهفت این سوره
 بر آن بخوان و بر آن نشاد بدم و در خانه انکس
 دفن کن که مطیع و فرمان ببرد و از دوقی
 قرار شود و اگر خواهی که در عقل اللسان کنی
 بیا و حیات خشت خام و بیک و مکار این

سوره

این سوره بعد از خشت بخوان و بدم و با کسی سخن
 مگوید هر دفعه که سوره تمام کنی خطی بر روی خشت
 بکشی چون تمام شود آن خاک که بر روی خشت
 جمع شده باشد برداشته و کل غرده دبور روی
 همان خشت بمالد و آنرا در کوزه کهنه دفن
 کنی و بگویند بسم الله فلان ابن فلان را اینها
 بسیماد حیرت داشتند و اگر کسی را بسمه باشد مثل
 که علاج آن نتوان کرد باید که هفت در این
 سوره را بخواند و باب دحل و بخورد کفاده
 کرد و علی که را شرم باشد دفع شود نوحه بد
 این سوره را بنوازد مشک و زعفران
 و کلابه بشوید و بخورد چهل و اگر کسی دست
 تنگت باید که چهل از نماز منضم این سوره
 لیکن

را بیکبار بخوانند و حاصل مرتبه صلوات بر سر من حق تعالی
 در روزی او بکشانید و توانگر گردید و اگر
 خواست که میان جلالت اندازی بیاید و سنگی که بزرگ
 یکس باشد با ذباده و پهل یکبار این سوره را
 بر آن سنگ بخواند و بدم و در خانه که سرد باشد
 بکشد و در حال در میان ایشان و شمع می شود
 و از بیکدیگر جدا شوند و اگر خودی که با عاقل
 و بی عقل خود گردانند این سوره را بر سنگ بخوانند
 و در روز یکشنبه پیش از نماز با صلوات بر سر من از آن
 این ایام را بخواند که وضو نمائید و نسوخته
 قال من حی النظام و هو رعیتم کل حیها الذی
 انشاها اقل مئه و هو بکل خلق علم ما یحی
 مرتبه

مرتبه و بگویند دل و جان فلان ابن فلان
 را بخت و عشر فلان ابن فلان در جهان
 شود که اگر بگوید تو را نبیند دیوانه شود
 و اگر کسی این سوره را بر زعفران و کلاب بنویسد
 و بشوید و بخورد دلش قوی گردد و هر چه بشنود
 یاد گیرد و فراموش نکند و در هر خانه که سوره
 باشد دیو و سری و جتی و الت و کنیز و اسیبی
 بآن خانه نرسد و اگر کسی فرزند نباشد
 یا بشود و نماز این سوره را بنویسد بر عظم
 و کلاب و در صوم گیرد و باب اندزد و مردی را
 از آن آب بخورد و بصدان در بازوی چپ
 یاد است به بنود و بهتر است که مرد باری
 مقارب نماید البتة فرزند حاصل شود
 یفرمان حق تعالی اگر

اگر خواهی کسر عا شق و بقیه خود کرد از بکر
 چهار دیگر نه فلفل سفید و برهانه یک تبار
 سوره را بخوان و بزم و هر دانه دارد صبان صویر سیاه
 نه و هر دانه بر آتش بسوزان پس آن برد که آن شخص
 دیوانه شود از بهجت محبت کسر این سوره ده هفت
 پنج این بخوان و در آتش اندازد تا سرخ شود آن
 شخص از عشق بفراد کرد و از محبت دیوانه شود
 اگر خواهی زبان جماعت را به بندگی بیاورد قاری
 ارد جو و خیر کن و پهل و رنگ کلوه کن و هر یک یکبار
 این سوره را بخوان و آن خیرها بدم و در آب
 اندازد تا نام هر کس که خواهی زبان آن جماعت بپوشد
 شود که هر کس بدی نتواند گفت و دیگر اگر

خواجه کرم کبیر اعلا شوق و محب خود کردانی بیای
 چهل و یکصد سنکیر نه و این سوره را بر آنها بخوان و
 هر دانه یکبار بدم و سنکیرا در کوزه آب نذیده سنکیر کن
 و در جانی که دائم گرم باشد نهان کن عجاایم با بینی که
 هرگز نذیده باشی و جمله دیو و پری و جن و انس مستحضر
 خود کردانی و دیگر اگر کسی این سوره را سه مرتبه صبح
 بخواند مردی حاصل گردد اگر خواهی کسرا عقد الله
 کی بیاید و پاره و سیاه کند و خرنایان و شقه باشد و سه مرتبه
 این سوره را بران بخوان و بران بدم و سه مرتبه هم بران
 و در خواندن کس نهان کن زبان آنکس بسته گردد بدی نتوان گفت
 و دیگر اگر کس را مار یا عقرب گزیده باشد این سوره را هفتاد
 بخواند و بر آب مدوان آب بخورد شفا یابد و اگر کسی نتواند
 خواند بر پوست آهونو بسید و با خود نگاه دارد از او هیچ
 گزیده با و نرسد و اگر صد خون کره باشد کسی دشمنی
 نتواند کرد و اگر همه عالم دشمنی می شوند یکجور
 نتواند رسانید و اگر خواهی میان دو کس جدائی

اندازی بیاورد پاره خاک چهار راه را و این سوره را
 بخواند و بران بدم و در روز پنجشنبه این عمل را کند
 در ساعت صبح و در خولیا نکس اندازا بقدر از یکدیگر
 جدا شوند بنوعیک هرگز یکدیگر و انشان دید و اگر
 از عیش خود بفرام کردانی و دوست و محبت خود کردانی
 و پنجشنبه در ساعت هر یا ششم این سوره را هفت بار
 بخواند و بر شکر دهد و بانکس بخوراند در روز شنبه یا
 چنان محبت و شود که بی اوارام نداشته باشد دیگر اگر
 خواهی که بر امطیع و فرمان بردار خود کردانی بیاورد پاره خاک
 آنکس را و یکبار این سوره را بران بخواند و بدم بران و در آن
 اندازا آنکس چنان شود که یکدم بپتو ارام نکند و شرح این سوره
 بسیار است بدین اختصار کردیم که خواننده و نویسنده را
 ملال نکند و رحمت در نوشتن کند
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 يٰۤاَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ
 عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ تَنْزِيلُ الْقُرْآنِ الرَّحِيمِ لَشَدِيدٌ
 قَوْمًا

قَوْمًا مَا أَنْزَلَ آبَاؤُهُمْ هُمْ غَافِلُونَ لَقَدْ هَوَّنَ
 الْقَوْلَ عَلَى كَثِيرِهِمْ فَهُمْ لَا يُوْمِنُونَ إِنَّا جَعَلْنَا
 فِي أَعْنَاقِهِمْ غَلًّا لَا تَهْتَفِئُ إِلَى الْأَذْقَانِ هُمْ مُتَحَوِّنُونَ
 وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا
 فَأَغْشَيْنَاهُمْ هُمْ لَا يَبْصُرُونَ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ
 أَعَذَّرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْشِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّمَا
 تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْعَظِيمَ فَكَيْفَ
 بِمُغْفِرَةٍ لِجُرُومِهِمْ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ
 مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ
 وَبَعَثْنَا سُبْحَانَ الْمُبْرِجِ عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ
 سُبْحَانَ النَّفْسِ عَنْ كُلِّ مَشْهُونٍ سُبْحَانَ الْمُسِرِّ عَنْ كُلِّ مَدْبُونٍ
 سُبْحَانَ الْعَالَمِ بِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَازِنَةً
 بَيْنَ الْكَافِ وَالنَّوِي سُبْحَانَ الَّذِي إِذَا أَرَادَ شَيْئًا
 أَنْ يَقُولَ كُنْ فَيَكُونُ فَيُحْيِي الَّذِي سَيِّدُهُ مَلَكُوتُ

كُلُّ شَيْءٍ وَالْبَرِ تَرْجِعُونَ سُبْحَانَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ
 وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ فَبَسْجَاتِ اللَّهِ حِينَ تَسْجُونَ
 وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحُكْمُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ
 وَعَسَى أَنْ تَمُوتَ وَحِينَ يُظَاهِرُونَ فَجُحِ الْخِي مِنَ الْمَيْتِ
 وَجُحِ الْمَيْتِ مِنَ الْخِي وَجُحِ الْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا
 وَكَذَلِكَ يُخْرِجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا
 وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 سورة فاتحة الكتاب براهنه وبعده از ان بگوید اللَّهُمَّ يَا مُبِينُ

يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ اسْأَلُكَ بِحَبْلِ اسْمِكَ الْأَعْظَمِ
 وَبَنِيكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

الْكَرِيمِ الْمَكْرَمِ إِنْ تَفْعَلْ لِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

بعد از آن حاجت خود را سؤال کند

وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ

إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ إِذْ أَرْسَلْنَا

إِلَيْهِمُ

إِلَيْهِمْ أَتَيْنَ فَلَدُّوا بِهَا فَمَنْ نَاسِئَاتٍ فَقَالُوا
 إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا
 وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا نَكَادُ بُوتَ
 قَالُوا رَبَّنَا لَعَلَّكُمْ لَمْ تُرْسَلُوا وَمَا عَلَيْكُمْ
 إِلَّا السَّلَاحُ الْمُبِينُ وبعدين دعا راجعاً
 سُبْحَانَ الْفَرَجِ عَنْ كُلِّ خَزُونٍ سُبْحَانَ النَّفْسِ عَنْ كُلِّ شَوْءٍ
 سُبْحَانَ الْمَيْتَرِ لِكُلِّ مَدْبُونٍ سُبْحَانَ الْعَالَمِ لِكُلِّ مَكُونٍ
 سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ خَرَّائِيَةَ الْكَافِرِ وَالنَّوْنِ سُبْحَانَ الَّذِي
 إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ سُبْحَانَ الَّذِي
 يَسِدُّ الْمَلَكُوتَ كُلَّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ سُبْحَانَ
 سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ فُسُبْحَانَ اللَّهِ
 حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحُكْمُ فِي السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

خَرَجَ الْحَيَّ مِنَ الْمَيْتِ وَخَرَجَ الْمَيْتَ مِنَ الْحَيِّ وَخَرَجَ
 الْأَرْضَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَكَذَلِكَ تَخْرُجُونَ مِنْ بُحْبُحَاتِ
 رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى
 الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و سوره حمد را تا آخر
بخواند و هر حاجتی که دارد از خدا استوال نماید البته برآورده میشود
و بعد از حاجت این دعا بخواند اللَّهُمَّ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ
 اسْأَلُكَ بِحَقِّ اسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ وَبِكَ
 مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْكَرِيمِ الْمَكْرَمِ
 أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَبِرَّ قَالُوا إِنَّا نَطِيرُ بِكَ
 بِكُمْ لَنْ لَمْ نَنْتَهُوا لِنَرْجَمَنَّكُمْ وَلَمْ يَسْتَنْكُمُ مَنَاعِدُ آبَائِهِمْ
 قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ إِنَّ فِي كُفْرِكُمْ بَلًا أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ
 وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْأَمْرَ
 اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ
و بعد بگوید

وَيَكِيدُ سُبْحَانَ الْمُرْجِ عَنْ كُلِّ مَخْرُوجٍ سُبْحَانَ

الْمُنْفِيسِ عَنْ كُلِّ مَسْخُورٍ

سُبْحَانَ الْمُبِيرِ لِكُلِّ مَذْبُوحٍ سُبْحَانَ الْمُخَالِصِ عَنْ كُلِّ

مَشْغُورٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ لِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ

مَنْ جَعَلَ خَرَاتِمَهُ بَيْنَ الْكَاوِ وَالنُّونِ سُبْحَانَ

الَّذِي إِذَا ارَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

سُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ

تَرْجِعُونَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى

عَمَّا يَصِفُونَ سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ

تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحُكْمُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

وَعِشْيَا وَحِينَ تَظْهَرُونَ خَرَجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ

وَخَرَجَ الْمَيِّتُ مِنَ الْحَيِّ وَجِيءَ الْأَرْضَ

بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تَخْرُجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ

رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَبِهِ رَوْحُ الْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ

ودر حاجت که خواهد بخواند که ان شاء الله برآورده است و بعد از آن این دعا را بخواند
 اللَّهُمَّ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ اسْأَلُكَ بِحَقِّ الْعِظَمِ
 الْأَعْظَمِ وَبِكَيْفِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَسَلَّمَ الْكَرِيمِ الْكَرِيمِ أَنْ تَفْعَلَ بِي طَائِفَةَ أَهْلِهِ
 وَبِعِدَا جَبَرِ سَطْوَتِهِ وَبِكُرْبِهِ وَمَالِي لَا أَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ
 فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تَرْجِعُونَ وَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً
 إِنْ يُرِيدِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَأَنْفِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا
 وَلَا يُنْقِذُونِ إِنْ أَرَادَ الْفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ
 إِنْ أَمْسَتْ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُوا قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ
 قَالُوا لَيْسَ قُوَّةٌ لَنَا أَنْ نَعْبُدَ رَبَّنَا فَغَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي
 مِنَ الْكَرِيمِينَ وَحَاجَتِ خُزُرِ الْجَاهِدِ بِرَبِّكَ يَا طَالِي الْمَلِكِ
 يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الْهَئَا وَالْهَئَا وَالْهَئَا وَ
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ اكْرُمْنِي

مِنْ بَعْضِ جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَفْعَلْ لِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ
 فِي الدَّارَيْنِ وَلَا تَفْعَلْ لِي مَا أَنَا أَهْلُهُ بِسِوَا جَارِدِهَا
 أَوْرَدَ وَكَرِيمِ أَجْتَنِّبُ وَسِيئَتِ ذُنُوبِ كَرِيمٍ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ
 اقْضِ حَاجَتِي وَبِجَدِّ ذُنُوبِ كَرِيمٍ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمٍ
 مِنْ بَنِيهِمْ مُوجِنِينَ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ إِنْ كُنْتَ
 إِلَّا صَحَّحَهُ وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ يَا حَسْرَةً عَلَى
 الْعِبَادِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ مِنْ رُسُلِهِ إِنْ كَانُوا بِهِنَّ يَنْتَهِرُونَ
 أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ الْقَوْمِ الَّذِينَ أَنْهَى اللَّهُ
 عَنْهُمْ أَنْ يَكُونُوا مِنْكُمْ وَلَئِنْ كُنَّا نَحْضُرُونَ
 وَإِنَّ لَهُمُ اللَّاحِظِينَ الْمَيْتَةَ أَخْبِئْهَا وَآخِرُ جَنَّا
 مِنْهَا حَبَائِمُهَا بِأَكْلُونِ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ
 مِنْ تَحْتِهَا وَعُتَابٍ وَفَجْرًا فِيهَا مِنَ الْعُتُوبِ
 لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَنْ تَتَبَيَّرُوا
 سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا انْزِلْ مِنَ السَّمَاءِ
 وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يُسْمُونَ وَإِنَّ الدَّيْلَ شَلَحُ

مِنْهُ النَّهَارُ يَأْذَنُ لَهُمْ مَظْلُومُونَ وَاللَّيْلُ يُخْرِجُهُمُ لِيَسْتَقِرَّ
 لَهَا جَارِدُهُ مَرْتَبُهُ كَبِيرٌ ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ
 جَارِدُهُ مَرْتَبُهُ كَبِيرٌ يَا قَدِيرُ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا زَوَّادَ مَرْتَبُهُ كَبِيرٌ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْكَرِيمِ
 وَالْعَزِيزِ وَالْمُهَيِّمِ وَالْمُتَوَكِّلِ وَالْمُتَوَكِّلِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي
 تَدْرِكُكَ مَنْ يَخَافُكَ مِنْ خَلْقِكَ صَمَّ الصُّوَرِ وَالصَّلَابِ وَخَفَعَتْ
 لَهَا بَنِينَ وَعَمَرَتْهُ رَأْسِي الْجِبَالِ الرَّاسِيَاتِ وَجَاءَ
 بِقَدَرْتِهِ حُرُوفًا ظَهَرَتْ أَثَارُ الْعَجَبِ وَالْعَجَابِ
 سَلَفًا سَلَفًا عَجَلَانِيَّةً أَبْهَوِيَّةً بِهْ إِهْ إِهْ هُوَ اللَّهُ
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْفَرْدُ الْوَحِيدُ الْقَدِيمُ دَوَّارُهُ مَرْتَبُهُ كَبِيرٌ
 حَتَّى قَيُّومٌ يَا زَوَّادَ مَرْتَبُهُ كَبِيرٌ فَقَسَّحْتَ شَاخَ إِلٍ إِلٍ حَمَلَلِ
 مَطْبَعُ لَكَ يَا الْبَاحِي يَا قَيُّومُ أَهْيَأْ شَأْنَهُنَّ أَذْ وَفِي
 أَصْبَاوِي إِلٍ رُسْدِي الرَّحْمَنِ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى
 رَبِّ هَوِجٍ دَنِيَّةٍ وَكَلِيلِ كَهْوَلٍ كَلِيٍّ يَا صَعَصَعَاتِ
 يَا صَعْمُوتِ أَهْوُتِ أَهْوُتِ أَثْ هَلَمْ تَعْلَمْ

لَهُ سَمِيًّا الْحَيُّ الْقَيُّومُ حَيًّا قَيُّومًا يَأْذُو الْجَدَلَ وَالْإِكْرَامَ
اینده عار یازده مرتبه بخواند یا بدین اسموات الارض هَلْ أَنْ تَوْصِفُ
ذَلِكَ يَذَلُّ اسْمَكَ بِمِثْلِهِ مِنْ أَجْلِ هَيْبَتِكَ وَ
كَفَيْتَ لِعُقُوبٍ حَتَّى خَدَعْتَ فَالَسَ حَتَّى حَمَلْتَ
وَإِخْطَاكَ الْإِبْصَارُ وَالْأَفْكَارُ تَنْقَلِقُ بِذِكْرِكَ
وَالْقُلُوبُ تَنْطَوُّ بِسُؤْرِكَ إِنَّ الَّذِي عِنْدَ رَبِّكَ
لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَهُ يُسْجُدُونَ
اللَّهُمَّ اعْطِفْ عَلَى قُلُوبِ عِبَادِكَ لِهَيْبَتِكَ الْحَبِيبَةِ
وَيُعْطِفَكَ الْعَظِيمُ فَإِنَّهُ لَاعْطِفٌ بِأَمَالِكٍ فِي الْجَدَلِ
وَالْإِكْرَامِ بِسُجُودِ خُورِ الْخَوَاهِدِ وَتَمْرِبَةِ أَيْنِدِ عَارِ الْخَوَاهِدِ
بِاسْمِكَ اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذِي الْجَدَلِ وَالْإِكْرَامِ
بِدِينِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَسُبُّكَ
وَالْقَمَرُ قَدْ رَافَاهُ هَذَا حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ
لَا الشَّمْسُ يَنْفَعِي لَهَا أَنْ تَذُرِكَ الْقَمَرُ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ اللَّيْلِ

وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ وَقَدْ مَطَّلَبَ مَزْدَهَ بَكْرِيَّةَ وَلَا يَكُنْ
لَهُمْ أَتَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَسْكُونِ وَخَلَقْنَا
لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَإِنْ نَشَاءُ نُفِثْهُمْ فَلَا نُصِحُّ
لَهُمْ وَلَا هُمْ يَنْقُذُونَ الْأَرْحَامَ مِمَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ
وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا آبَاءَكُمْ ابْنُكُمْ وَمَا خَلَقَكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَرْحَمُونَ وَمَا نُنَاقِشُكُمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كُنُوزًا
عَنْهَا مَعْرِضِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَارَكَ اللَّهُ
قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مِنْ لُؤْيُسَاءِ اللَّهِ
أَطْعِمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَبَعْدَ ذَلِكَ نَعْلَمُ أَنَّهُ
سُبْحَانَ الْمَفْرِجِ عَنْ كُلِّ خَرْقٍ سُبْحَانَ النَّفْسِ عَنْ كُلِّ
مَشْحُونٍ سُبْحَانَ الْبَشِيرِ عَنْ كُلِّ مَذْيُونٍ سُبْحَانَ الْخَلِصِ
عَنْ كُلِّ مَشْحُونٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ
مَنْ جَعَلَ خَزَائِنَهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالنَّوِنِ سُبْحَانَ الَّذِي
إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَيُسَبِّحُ اللَّهَ

يَبْدَهُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ سُبْحَانَ
سُبْحَانَ سُبْحَانَ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ فُسُبْحَانَ
اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحُكْمُ
فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُخْرِجُ
الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ
سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ
عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
طَالَتْ يَوْمَ الدِّينِ إِنَّا نَقُودُ وَإِنَّا كُنَّا نَسْتَعِينُ
إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ وَهَبْ لَنَا رَبِّكَ
اللَّهُمَّ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ اسْأَلُكَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ
الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

الْكَرِيمِ الْكَرِيمِ أَنْ تَفْعَلَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلَ
 مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِمَّا سُرِّدَ لَكَ وَتَقُولُونَ مَتَى هَذَا
 الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ مَا نَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً
 وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
 تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ
 فَآذَاهُمْ مِنَ الْأَجْدَثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا
 مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ
 الْمُرْسَلُونَ إِنْ كُنْتَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فِإِذَا هُمْ
 جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ فَالْيَوْمَ لَا نُنَظِّمُ نَفْسٌ شَيْئًا
 وَلَا تَحْجُرُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنْ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ
 الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاهُونَ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي
 ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِنُونَ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ
 وَهُمْ مُدْأَعُونَ وَحَاجَتُهُمْ يَبْرُكُونَ

سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ وَتُزَكَّرُ مِنْتَ بَكْرِي
 اللَّهُمَّ اِنِّیْ وَاعْفُ عَنِّیْ وَاعْفِرْ لِّیْ وَاصْبِرْ
 وَافْعَلْ بِطَائِفَةِ اَهْلِهِ فِي الدَّارِیْنِ وَلَا تَفْعَلْ بِيْ
 طَائِفَةً اَهْلَهُ فِي الدَّارِیْنِ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ
 بِرَحْمَةِ اسْرَءِلَیْنِ اللَّهُمَّ اِنِّیْ وَاعْفُ عَنِّیْ وَكُنْ
 حَظِيًّا مِنْ الدَّارِیْنِ بِرَحْمَةِ تَزَكَّرُ مِنْتَ بَكْرِي يَا سَلَامُ
 يَا رَبُّ يَا رَحِيْمُ سُبْحَانَكَ تَزَكَّرُ مِنْتَ بَكْرِي اِنْ نُوْزِلَ
 يَادَا سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ غَابِ اَغْلُوبُ
 غَيْلُ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ اَعْلَ ثَامُ رُبُوْ
 قَامُ هُنَّ زَغَابٌ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ يَا اِهْلَا
 وَآلَهُ كُلِّ شَيْءٍ اِهْلَا وَاحِدًا لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ
 يَحْيَاكَ حَيُّ اَبِيْ سُلَفَا اَهْبُوا عَجَلَانِيْ وَامَارُوا
 الْيَوْمَ اَيُّهَا الْحَرَمُونَ اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِي اِمٍّ
 اَنْ لَا تَعْبُدُ الشَّيْطَانَ اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ

ويعبدان بكمويه سبحان النفس عن كل مشحون
سبحان المخرج عن كل محزون سبحان المبصر عن كل
مذبذب سبحان الخالص لكل مشحون سبحان
العالم لكل مكنون سبحان من جعل خزانة
بئر الكاف والنون سبحان إذا أراد شيئاً أن
يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده
ملكوت كل شيء وإليه ترجعون سبحانه سبحانه
سبحانه وتعالى عما يصفون سبحان اسمه
حينئذ تسون حين تصحون وله الحمد في
السموات والأرض وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ
وَيُخْرِجُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ
سبحان ربك رب العزة عما يصفون
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَسُورَةُ فَاتِحَةِ الرَّحْمٰنِ اَللّٰهُمَّ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ
 بِحَوْلِ اَسْمَاءِ لَا عَظَمَ لِاَعْظَمِ وَبِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْكَرِيمِ الْاَكْرَمِ اِنْ تَفْعَلْ فِي
 مَا نَشَاءُ اَهْلُهُ وَاِنْ اَعْبَدُوْنِي هَذَا صِرَاطٌ ^{مُسْتَقِيمٌ} ^{اَنَا}
 وَلَقَدْ اَضَلَّ مِنْكُمْ جِجَالًا كَثِيْرًا اَلَمْ تَكُوْنُوْا تَعْقِلُوْنَ
 هَلِيْهِ جَهَنَّمَ اَلَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُوْنَ اَصْلَوْهَا
 الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تُكْفِرُوْنَ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى الْغَوَّاهِ ^{هُم}
 وَتَكَلِّمُنَا اَيْدِيَهُمْ وَنَشْهَدُ اَرْجُلَهُمْ بِمَا كَانُوْا
 يَكْسِبُوْنَ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلٰى اَعْيُنِهِمْ فَذٰ
 اسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَآثَ بَصِيْرُوْنَ وَلَوْ نَشَاءُ
 لَمَسَخْنَاهُمْ عَلٰى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوْا مُضِيًّا وَلَا
 يَرْجِعُوْنَ وَمَنْ يُّعْرَهُ نَنْسِفْهُ فِى الْخَلْقِ اَنفَا
 يَعْقِلُوْنَ وَطَاعَلِمْنَاهُ السُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِيْ لَهُ
 اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ وَخِرَانٌ مُّبِيْنٌ ^{مُحَرَّرٌ}

سُبْحَانَ الْمَفْرُجِ عَنْ كُلِّ حَزْنٍ سُبْحَانَ النَّفْسِ عَنْ كُلِّ
مَشْغُورٍ سُبْحَانَ الْمُبْسِرِ عَنْ كُلِّ مَدْبُورٍ سُبْحَانَ
الْمُخْصِ كُلِّ مَشْغُورٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ لِكُلِّ مَكْنُونٍ
سُبْحَانَ مَنْ جَلَّ خَزَائِنُهُ بَيْنَ كَفَايَةِ النَّوْنِ سُبْحَانَ اللَّهِ
إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ اللَّهِ
بِيدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ سُبْحَانَهُ
سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ فَسُبْحَانَ
حِينَ تَسْأَلُونَ وَحِينَ تَضَعُونَ وَكَلِّمُوا فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ
خُجِرَ الْحَيَّ مِنَ الْمَبِيتِ فَخُجِرَ الْمَبِيتُ مِنَ الْحَيِّ وَخُجِرَ
الْأَرْضُ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تَخْرُجُونَ سُبْحَانَ
رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى
الرُّسُلِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُورَةُ نَحْه
تَاوْحِيدُ مُحَمَّدٍ وَبِعْدُ بِكُودِ اللَّهِ

اللَّهُمَّ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ اسْأَلُكَ بِحَقِّ اسْمِكَ
 الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْكَرِيمِ الْأَكْرَمِ أَنْ تَفْعَلَ بِي طَائِفَةَ
 أَهْلِهِ وَلَا تَفْعَلَ بِي طَائِفَةَ أَهْلِهِ مَا جَزَاكَ كَرْنُ وَكَبْرُ
 لَيْبِنِ مَنْ كَانَ حَبِيبًا وَبِحَقِّ الْقَوْلِ عَلَى الْكَافِرِينَ
 أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَا خَلَقْنَا مِنْ نُطْقِهِ لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ
 أَيْدِيْنَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالُكَوْنٍ وَذَلَّلْنَا لَهُمُ
 فَمِنْهَا رَكُوبَهُمْ وَمِنْهَا بَاكُوْنٌ وَبِهِ تَبْكُوبُ
 اللَّهُمَّ مَكِّنِّي خَيْرًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَذَلِّلْنِي
 صِعَابَهَا بِحَقِّ هَذِهِ السُّورَةِ الشَّرِيفَةِ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ وَعَبِّكُوبُ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ
 أَفَلَا يَشْكُرُونَ وَلَتُخَذُّوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهَةً
 لَعَلَّهُمْ يَنْصَرِفُونَ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ
 لَهُمْ جُنْدٌ مُخَصَّرُونَ وَلَا يَخْرُجُكَ قَوْلُهُمْ

ثُمَّ تَعْلَمُ مَا بُسِّرُونَا وَمَا يَعْلَمُونَ أَوْ لَمْ يَبْرَأُوا^{سُبْحَانَ}

أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ
وَوَاجِبٌ خِذْرَانٍ أَجْزَأَ مِنْكَ الْمُبْتَلَىٰ عَنْ كُلِّ
مُخْتَلٍ سُبْحَانَ النَّفْسِ عَنْ كُلِّ مَشْحُونٍ سُبْحَانَ
الْمُبْتَسِرِ بِكُلِّ مَذْبُوحٍ سُبْحَانَ اللَّهِ لِكُلِّ لَاحِظٍ بِكُلِّ مَشْهُودٍ
سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِكُلِّ مَكْنُونٍ سُبْحَانَ مَنْ هَبَلَ خَزَائِنُهُ
بَيْنَ الْكَلَفِ وَالتَّوَنِ سُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ
كُلِّ شَيْءٍ وَبِإِذْنِهِ تَرْجَعُونَ سُبْحَانَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ
وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ وَ

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ
وَلَهُ الْحُكْمُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعِشْيَا وَحِينَ
تُظْهِرُونَ جَنَّةَ الْحِجْرِ مِنَ الْمَيْمَنِ وَتُخْرِجُ الْمَيْمَنَ
مِنَ الْحِجْرِ وَتُخْرِجُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْنِهَا وَكَذَلِكَ
تُخْرِجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
فَاتِي رَانَا فَرَجَانْد وَبَكْرِيهَ اللَّهُمَّ يَا مُبِينُ يَا مُبِينُ
اسْأَلُكَ بِحَقِّ اسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ وَتَبْلِكَ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْكَرِيمِ الْمَكْرَمِ
أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ
وَبَعْدَ بَكْرِيهَ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَحْنُ خَلْفَهُ قَالَ
يَا مَعْجَمُ الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ بِحَقِّهَا الَّذِي
أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ كُلُّ خَلْقٍ عَلِيمٌ بِرَبِّهِ بَكْرِيهَ
يَا مَعْجَمُ الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ أَحْيِ قَلْبِي وَرُوحِي
بِحَبْلِكَ وَأَحْيِ رُوحِي وَنَحْبِي فِي قُلُوبِ خَلْقِكَ
اجْمَعِينَ فَإِنَّهُ لَا حَبْلَ إِلَّا بِحَبْلِكَ يَا مَعْجَمُ
يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَادِرُ تَبْسِاطِ رَحْمَتِهِ وَقَضَاءِ حَوَائِجِي
وَعَبْدُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا
فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ أَوَّلِكُنِ الَّذِي

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ
 بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ بِمَرْتَبَةِ بَكْرِيَّةٍ أَيْ
 أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ
 بِمَرْتَبَةِ بَكْرِيَّةٍ يَا مَنْ أَمْرُهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالْمُتَوَكِّلِ
 بَلْ أَسْرِعْ وَاقْرُبْ تَمَّا يَكُونُ كَوْنُ لِي مَا
 أَرْجُوهُ مِنْ كَرَمِكَ وَفَضْلِكَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ
 وَبِعَبَادَتِهِ يَا أَكْرَمَ الْمُسْتَوِلِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 بِعِبَادَتِهِ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ
 تُرْجَعُونَ بِعِبَادَتِهِ سُبْحَانَ الْمَفْرَجِ عَنْ كُلِّ خَزْوَنٍ
 سُبْحَانَ الْمَنْفَعِ عَنْ كُلِّ مَشْحُونٍ سُبْحَانَ الْمُبْرِئِ لِكُلِّ مَلَبُونٍ
 سُبْحَانَ الْمُخَصِّصِ عَنْ كُلِّ مَصْغُونٍ سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِكُلِّ مَكْنُونٍ
 سُبْحَانَ مَنْ جَلَّ خَزَائِنُهُ بَيْنَ الْكَافِ وَالْمُتَوَكِّلِ
 إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ سُبْحَانَ اللَّهِ
 بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَبِعِبَادَتِهِ

سُبْحَانَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ تَعَالَى تَعَالَى يَصِفُونَ
 سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ
 وَلَهُ الْحُكْمُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَسَى أَنْ
 يَخْرِجَ مِنْ بَحْرٍ مِمَّا يَخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيَخْرِجُ
 الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُخَوِّضُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ
 تَخْرُجُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
 وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 و سر و حمد را آفر بخواند و این دعا را آفر بخواند یا مبین
 یا مبین یا مبین اسئلك بحی اسمک العظیم العظیم
 و نبیک محمد صلی الله علیه و آله و سلم الکریم
 الکریم ان تفعل بی ما انت اهله و لا تفعل بی ما انت اهل
 حرج خود را سؤال کند و بگوید یا مفرج فرج ده مرتبه
 یا معیت اغثنی یا زده مرتبه یا غیاث الشقیثین
 برحمتک یا ارحم الراحمین اسئلت فی حق عبدک

اسْتَخَيَّرَ بِمَوْلَاهُ مُحَمَّدٍ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ
 ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِهِ يَعْذِلُونَهُ الَّذِي خَلَقَهُمْ
 مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنَسَمَ
 تَمْرُونَ هُوَ اللَّهُ وَفِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ مِنْ
 يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَجَوَّهَهُمْ كَمَا يَعْلَمُ مَا تُكْسِبُونَ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا
 قِطْمًا لِيُبْدِيَ بِآيَاتِهِ يُدْأَمِنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ
 الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا مَّا كُنْتُمْ
 فِيهِ أَبَدًا وَيُبَشِّرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا
 مَّا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِابْنِهِمْ كِبَرٌ مَّا تَحْجُجُّ
 مِنْ أَقْوَاهُمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
 وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ يَعْلَمُ مَا يَلْجِ
 فِي الْأَرْضِ وَلَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ
 وَمَا يَرْجِعُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ خَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ
 أُولَى أَبْصَارٍ مَبِينَةٍ وَثَلَّثَ وَرَبَّاحَ بَنُويد
 فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

کتابه نظرانه ابن خیر الحاج حاجی ملا محمد صادق

شمسه فولادی الاصفهان

۲۶۲۵۲
 ۱۳۲۷

مفتد السک الزکی وردودیم سنی لکونین الجاهلین
 الزکاء کوفه ودهن لکونین لکونین
 کرمی لکونین لکونین لکونین
 محضه کرمی لکونین لکونین
 محضه کرمی لکونین لکونین

برای غفلت بخیر و نه غفلت که عدد را گرفته دو نازده عدد از ارقام
 نماید و با این ارقام غفلت گرفته در غفلت بر نماید و غفلت کسر بری دارد
 غفلت را از این چهار عناصر بر نماید بر این طریق بر نماید اینست
 غفلت از دو ۱۸ غفلت از دو ۱۸

۶	۷	۲
۱	۸	۹
۸	۳	۴

۲	۷	۶
۹	۸	۱
۴	۳	۸

۸	۱	۶
۳	۸	۷
۴	۹	۲

اگر مربع می باشد از این هشت عدد
 اصلاً از ارقام نماید و باقی ارقام بر چهار غفلت
 نماید اگر کسر دارد در صورتی که یکی باشد در چهار
 در چهار غفلت اگر سه عدد کسر داشته باشد
 در چهار غفلت اگر دو عدد کسر داشته باشد

غفلت از دو ۱۸

۴	۹	۲
۳	۸	۷
۸	۱	۶

در چهار غفلت با دغالد و چهار مربع اینست
 دو ۳۴

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۸	۴	۱۵

بر این چنین نزل که در روز
 چهارشنبه بر خرم مرغ
 نبوی و در چهارشنبه
 شنبه بر اهر بقیه صاحب

نزل که بخیمده و در این شب سیاه بیا و بر دقیمی که با ما و نو حرات
 رفع خواندند پس آیتها را بخواند اللهم سمع الله انی فی سالت
 الکافی سم الله لمعا فی سالت الله انی لا اظفر اسمی فی اولی
 و لا فی السواء و هو السميع العليم اللهم من محمد و علی و فاطمه و حسن
 و الهیة المعصومین من در شامین علیه السلام انفس من ۲۰۲۰ م
 الله لا اله الا هو اعنی القیوم

برازنیت با خود دارد و عیب خود بازنه کم و کفی باشد و دنیا

و کفی باشد نصیر و کفی باشد حیبا و کفی باشد علیبا و کفی باشد

شهید و کفی باشد و کیلا برای باری حافظه

حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین

تعلم نمودند که ما علی الرخو الهی علیه السلام

و حفظ نمائی بعد از هر نماز بگویند این دعا را

يَا مَنْ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُعَذِّبُ عَلَى أَهْلِ

مَمْلَكَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ

الْأَرْضِ بِالْأَوَانِ الْعَذَابِ سُبْحَانَ

الرَّؤُفِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ

فِي قَلْبِي نُورًا وَبَصِيرَةً وَفَهْمًا إِنَّكَ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

لَوْ انْقَضَتْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا الْفَنَاءُ بِهِنَّ
مُلَوِّجُهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ
كَمْ حَجَرِيَّتِ بَنُو سِمْزُجٍ دُرْ كُنْدَرِ آبِ رَوَانِ دَفْنِ كَمْ

بسماء محرابیت

ΣΥΝΟΛΟ ΕΠΙΘΕΩΡΑΣΕΩΝ

[illegible]

دعوت حروف بیست و نه حروف یعنی الف
 لام تا بیست و نه روز هر روز بسم الله الرحمن الرحیم
 الف پنج هزار و هفتصد و نود و پنج بار
 بگوید هر روز بجهنم طریق از سر تا طالع
 افتاب برای هر مظهری بر آورد و ده ک
 هر گاه روزه باشد و ترک حیوانی و نجس
 نماید جهنم است غت

طمعتة اثنى عشر رهم حتر
 الويد الشكيق و لم تر تص
 و بندهم و فدايهم
 هر گاه کرد در مهر گرفتار باشد این هفت نام
 نوشته زیر سر خود گذارد مطیع شود این است
 اما لهاه و طهاه الکاه بسطوره لاله
 بطلب میرسد المکامل غت

بجته مراد مرد عه بر روز جمعه از نماز صبح
 قبل از تکلم و بجه دفعه یکم بدین سوره و القرآن
 الحکیم ص وَالْقُرْآنِ ذِی الْبُرْجَانِ
 الْقُرْآنِ الْمَجِیدِ وَالْقَلَمِ وَمَا یَسْکُرُ

اگر کسی خواهد در روز نهم این مهر را آب
 اندازد و آن آب را در خانه آنکس بریزد در
 سال دنیا و آخرت او دهر طهر مطابا

کعبه شایا طهر مطابا
 از جهته تفریق
 از جهته احضا و کشته در زیر زانو گذارد



۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

۱۴	۱۲
۱۳	۱۵
۱۸	۱۱

طریقه ختم الکتم شرح در جهت برآمدن
 حاجات بغایت مجربست از شیخ
 معین این ختم را گرفته اند و بمراد
 رسید اند بجهت برآمدن حاجات
 و مهمات و کشایش کارها و از بر
 دفع دشمنان و دفع بیماری
 طریقه است که هفت نوبت سوره
 فاتحه را بخواند و صد مرتبه صلوات
 فرستد و هفتاد بار سوره المیز
 شرح را بخواند و صد مرتبه صلوات
 فرستد از سه نکر در کردارش
 حاصل شود ان شاء الله تعالی

و از جمله نمازها نماز ظفر است چنانچه برآمدن
 حاجت گذارند و آن دو رکعت است که در
 هر رکعتی بعد از حمد سوره قل هو الله یکبار
 و اذ جاء نصر الله و بیست و پنج بار بخوانند
 و بعد از آن که فارغ شود پیشانی بر زمین
 نهد و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
 و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
 هزار بار بعد از آن حاجت خواهند که برآید
 و رده شود ان شاء الله تعالی اگر نتوانند هزار
 بار را در سجده گفتن نشستن گویند هر یک
 هر کس که بعد از نماز صبح این دعا را چهار
 بار بخواند در هر خواندن دست برین طرف
 خود بزند تا شب در عنایت حق تعالی باشد
 و دشمنان بر او ظفر نیابند و اگر گریزد و دشمن

عقب او باشد باز این دعا را هجده بار بخواند
 اورا نتواند دیدن زینهار جهة فساد نخواهد
 اینست اللهم صمًا صمًا و حًا حًا حیم
 لا یُصرون طه لا یُصرون و جعلنا من
 بین اذانهم سدًا و من خلفهم سدًا
 فاعسناهم فهم لا یُصرون کما یُصرون
 محسوف یارب یارب یارب لا یُصدعون
 عنها ولا ینزفون

با دال و ا ح ا
 ۹ ۱۳ ۳ ۵ ۳

بدوح

۴۰

مثلاً بدوح اینست
 و بقیه ۴۰ تن مکتوب بدوح

۱۹	۲۴	۱۷
۱۸	۲۰	۲۲
۲۳	۱۶	۲۱